

بیداری اسلامی

مجموعه بیانات مرجع عالیقدر
حضرت آیت الله العظمی هاشمی شاهرودی دام ظلّه

کلیه حقوق چاپ محفوظ است

شناسنامه کتاب

نام کتاب: بیداری اسلامی

مؤلف: آیه الله العظمی سید محمود هاشمی شاهرودی دام ظلّه

ناشر: بنیاد فقه و معارف اهل بیت علیهم السلام

چاپ اول: ۱۳۹۴ / ۱۴۳۶ هـ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسمه تعالی

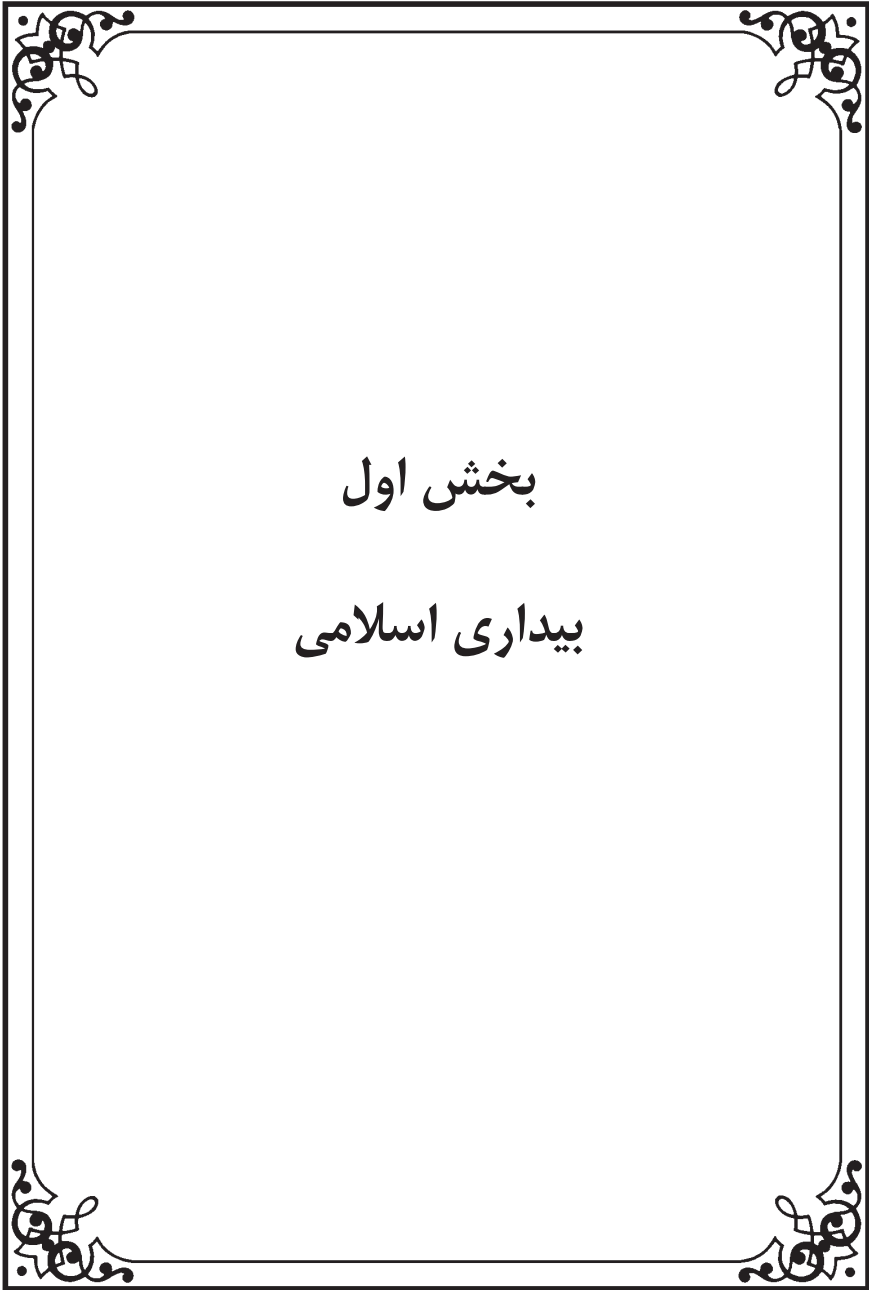
سخن ناشر

نقش و اهمیت کتاب به عنوان ماندگارترین عنصر فرهنگی و اثرگذاری آن در ایجاد و تغییر و تحول فرهنگ و نگرشها و دیدگاه‌های آحاد یک جامعه بر کسی پوشیده نیست، و به جرأت می‌توان از آن به عنوان مهم‌ترین عامل سازنده فرهنگ اجتماعی نام برد، گرچه امروز رسانه‌های دیداری و شنیداری با حجم انبوه اخبار و اطلاعاتی که بر سر مردم آوار می‌کنند مخاطبان بیشتری دارند، اما هرگز چیزی بر قوه تحلیل و تعقل دوستداران خود نمی‌افزایند، و بسیاری از روانشناسان و پژوهشگران فرهنگ عامه بر این باورند که بینندگان و طرفداران اینگونه رسانه‌ها به تدریج توان به کارگیری قوای عاقله و ناقله خود را از دست داده و پس از مدتی از تحلیل عادی‌ترین اخبار و وقایع در می‌مانند، و در مقابل مطالعه‌کنندگان منابع مکتوب به علت تأثیر خواندن‌های مکرر بر ذهن تبدیل به انسان‌های فهیم و فکور می‌شوند.

بر این اساس مرکز انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت علیهم‌السلام

در راستای توسعه علمی فرهنگی به نشر آراء و افکار و راهبردهای حضرت آیه الله العظمی هاشمی شاهرودی دام‌الله پرداخته و سعی می‌کند کتاب ارزشمند (صحیفه عدالت) که مجموعه سخنرانی‌ها و بیانات معظم‌له در دوره‌ی تصدی ریاست قوه قضائیه جمهوری اسلامی بوده و در ده جلد تنظیم و منتشر شده است را به شکل موضوعی و بر حسب مسائل مورد نیاز جامعه تنظیم و جمع‌آوری نموده، و با ذکر منابع و با شیوه‌ی متناسبی منتشر کند تا از طریق نشر اندیشه‌ها و افکار این عالم مجاهد که برخوردار از علم و نگاه عالمانه به مسائل روز با معلومات وسیع فقهی و فرهنگی و تجربه موفق قضائی و مدیریتی می‌باشند، رسالت خویش را در راستای توسعه علم و فرهنگ اسلامی و ترویج معارف حقه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام ایفا کرده، و مشمول عنایات و الطاف ویژه حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان علیه‌السلام ارواحنا فداه قرار بگیریم، إن شاء الله تعالی.

بنیاد فقه و معارف اهل بیت علیهم‌السلام



بخش اول
بیداری اسلامی

انقلاب اسلامی ما احیا گر مجدد مکتب اسلام^(۱)

عظمت و اهمیت نظام جمهوری اسلامی ایران از آن جاست که توانسته است برای اولین بار در تاریخ معاصر، آرمان‌های پیامبران الهی و ائمه معصومین و علمای بزرگی که در طول تاریخ، همه وجود خود را برای تبلیغ و احیای آن آرمان‌ها مبذول داشته‌اند، در جهان امروز احیا، کرده و به عنوان یک نظام سیاسی عرضه بدارد. این همان هدف عظیمی است که بعثت انبیاء و کوشش و تبلیغ و ترویج همه ادیان در جهت آن بوده است. خداوند متعال انبیاء را برای این فرستاده است که آیین خدا و احکام نورانی و حیات بخش او را بر زمین برپا دارند تا همه ابعاد زندگی انسان‌ها رنگ آیین الهی به خود گیرد. مهمترین بخش رسالت انبیاء و آنچه که رکن رسالت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و دعوت ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام و علمای بزرگ را تشکیل می‌دهد، همین بعد اجتماعی و سیاسی اسلام است.

۱ - سخنرانی در دیدار عمومی مردم قزوین ۸۴/۴/۲۲

این نظام توانسته است سنگ بنا و نقطه مرکزی و عمود اساسی رسالت انبیاء را برپا کند. در تاریخ اسلام در زمان محدودی حکومت اسلامی به دست مبارک نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و پس از آن حضرت، مدت اندکی نیز به دست ولی اعظم و وصی آن بزرگوار، برقرار بوده است. سپس دوباره دشمنان اسلام توانستند بر این کانون غلبه پیدا کنند و حکومت های جبار بنی امیه و بنی عباس روی کار آمدند. و اینک برای بار دوم است که خداوند توفیق تاسیس حکومت اسلامی را به این ملت عزیز و مومن عطا کرده است. این ملت، تربیت شده ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام و تربیت شده علما و فقهای بزرگی است که حاملان و وارثان علم نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام بودند و در طی قرن ها ارزش های نورانی اسلام و فرهنگ ایثار و شهادت و مقاومت در مقابل طاغوت را در دل و جان این ملت استقرار بخشیدند. پس از قرن ها در شرایط مناسبی، این رسالت به بار نشست و ثمره آن، انقلاب بزرگ اسلامی ایران است که برای بار دوم در تاریخ اسلام به عنوان یک نظام اجتماعی، سیاسی و حکومتی برافراشته است، این خاستگاه حقیقی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است.

علت این که به محض پیروزی این انقلاب، دشمنان آن کمر بستند و دست به دست هم دادند تا با آن مقابله کند، همین ویژگی این انقلاب است. طاغوتیان زمان، درست و زود تشخیص دادند که کانون قدرت و قوت این انقلاب در کجاست و لذا به مجرد پیروزی

انقلاب دشمنی آن‌ها با آن شروع شد. آن‌ها ابتدا گمان نمی‌کردند که این انقلاب و مبنای آن یعنی اسلام ناب بتواند رسالت عظیم مومنان و صالحان تاریخ را احیا کند. در حقیقت آن‌ها اول فریب خوردند و خیال می‌کردند که این انقلاب یک انفجار اجتماعی است که فروکش می‌کند و آن‌ها بار دیگر با همان ترفندهای شیطانی و طاغوتی خود می‌توانند بر مقدرات این ملت و این سرزمین مسلط شوند. هم‌چنان که در کشورهای دیگر، همین حادثه اتفاق افتاد و خواب آن‌ها تعبیر شد، درباره این انقلاب هم، همین خواب را می‌دیدند. ولی از آن‌جا که این ملت با سایر ملت‌های اسلامی فرق داشت و مومن به اسلام ناب اهل بیت و درس گرفته از مکتب ائمه اطهار علیهم‌السلام و فرهنگ عاشورایی بود، و از آنجا که رهبری این ملت بر عهده معمار انقلاب اسلامی و فقیه بی‌نظیری بود که هم در سیر و سلوک و درجات تقوا به مقامات بالایی رسیده بود و هم در درایت و بینش فقه و فقاہت کم‌نظیر یا بی‌نظیر بود، خواب دشمنان در این‌جا تعبیر نشد. در کشورهای دیگر نه این رهبری بود و نه این ملت.

هیچ ملتی به اندازه ملت ما در ایجاد تمدن بشری و مخصوصاً گسترش تمدن اسلامی نقش‌آفرین نبوده است. امروز هم به یاری خداوند متعال باز تقدیر این چنین رقم خورده است که این ملت عزیز پیشتاز و جلودار نهضت اسلامی و احیاگر ارزش‌های اسلامی در جهان باشد. جایگاه ملت ما و کشور جمهوری اسلامی

ایران در جهان اسلام جایگاه ممتازی است و هیچ کشور دیگری در جهان اسلام دارای این جایگاه نیست. امروز دل و دیده همه مسلمانان جهان دوخته به این ملت و این کشور است. هیچ جای جهان اسلام، دارای این استقلال، اقتدار، شوکت، عظمت، امنیت و احیای قوانین اسلام در همه عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، قضایی و برخورداری از مردم‌سالاری نیست. ممکن است بعضی از کشورهای اسلامی درآمد اقتصادی بیشتر داشته باشند، از رفاه مادی بیشتری برخوردار باشند، ولی به اقرار خود آن‌ها - وقتی به کشور ما می‌آیند یا مسئولین ما به آن کشورها می‌روند - در آرزوی این چنین نظامی هستند.

در مردم‌سالاری ما، مردم در سرنوشت سیاسی خود آزادانه شرکت می‌کنند و آینده خودشان را رقم می‌زنند. در حالی که اکثر کشورهای اسلامی محکوم حکومت‌های یا مستبد شاهنشاهی یا رؤسای جمهور مادام‌العمرند، نه این آزادی سیاسی و نه این مردم‌سالاری دینی را دارند. جوانان و فرهیختگان کشورهای اسلامی وقتی دینی بودن مردم‌سالاری و معیارهای ارزشی آن و آزادی مردم ما در انتخاب سرنوشت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی کشورشان را از دور می‌بینند، آرزو می‌کنند که آن‌ها هم چنین وضعی داشته باشند.

هم چنان که میهن ما در تاریخ گذشته مخصوصاً در دوره تمدن اسلامی نقش بسیار ارزنده‌ای داشتند، امروز هم بحمدالله کشور ما با

نظام جمهوری اسلامی، در جهان اسلام پیشتاز تمدن جدید اسلامی و احیاگری مجدد مکتب اسلام است.

اندیشه‌های امام راحل و دستاوردهای انقلاب اسلامی ما امروز گفتمان جدیدی است که راه خود را در کل جهان و مخصوصاً جهان اسلام باز کرده و سرمشق مردم در دیگر کشورهای اسلامی شده است. البته این حرکت و هدایت، امری قهری است، ممکن است حکومت‌ها و دشمنان خارج و داخل جهان اسلام موانعی را بر سر راه آن ایجاد کنند، ولی این سنت الهی است، که وقتی حق ظهور کند، دیگر نمی‌توان جلوی این حرکت حق را گرفت. بالاخره این حرکت اثر خودش را در جهان اسلام بخشیده و خواهد بخشید و درس مجاهدت در راه عزت و احیای ارزش‌های بلند اسلامی و ستیز با استکبار را به جهان اسلام آموخت. حرکتی که امروز در جای جای جهان اسلام دیده می‌شود همه برگرفته از حرکت عظیم مردم ما به رهبری امام راحل است که منشأ آن اخلاص و ایمان به اسلام و مکتب اهل بیت عصمت و طهارت و ایثار و شهادت‌طلبی و از خود گذشتگی مردم بود. این آغاز آن حرکتی است که در مکتب ما نویدش داده شده است.

اکنون ایران اسلامی به قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شده که در حمایت از مردم مظلوم مسلمان، رژیم غاصب صهیونیستی را درهم کوبیده و اقتدار مردمی نظام جمهوری اسلامی ایران به قدرت بازدارنده و مستحکمی بدل شده است.

انقلاب ما مبنا و روش ما برای حقوق انسان‌ها بوده است^(۱)

مبدأ و مبنای انقلاب اسلامی در حقیقت خواست و اراده مردم عزیز کشور ما بود که با رهبری‌های داهیان‌ه امام راحل هدایت شد و با شیوه‌های صد در صد مدنی و مبتنی بر حقوق و آرمان‌های ملی شکل گرفت. شاید هیچ انقلابی از این جهت مثل انقلاب اسلامی نباشد که این قدر مردمی باشد و حضور میلیونی عامه مردم کشور پشتیبان آن باشند. این انقلاب با طی کردن مراحل عصیان مدنی، بدون هیچ اقدام مسلحانه و بدون اینکه هرگونه تخریب و تروری را تجویز کند، با این پاکیزگی شکل گرفت که شاید در تاریخ معاصر دنیا بی‌نظیر است. معمولاً انقلاب‌ها بر اساس یک کودتای نظامی یا درگیری‌ها و حرکت‌های مسلحانه و خونریزی و ترور شکل می‌گیرد، اما هیچ یک از این وقایع در انقلاب مردم ما به رهبری امام نبود، بلکه این انقلاب مطابق دقیق‌ترین و عالی‌ترین مبانی حقوق بشری بود. برعکس، دشمنان انقلاب سعی کردند از شیوه‌های ضدحقوق بشری علیه انقلاب استفاده کنند و دست به ترور زدند، کشورهای سیلی خورده از این انقلاب، مخصوصاً آمریکا، دخالت نظامی کردند - در واقعه طبس - که موفق نشدند، خیلی از بزرگان این انقلاب به دست منافقین و گروه‌های ضد مردم، شهید شدند. این‌ها نشان می‌دهد که رهبری انقلاب ما و مبنا و ایده‌های نظام جمهوری اسلامی متکی بر حقوق اسلامی و انسانی است.

۱ - دیدار با سفرای کشورهای اتحادیه اروپا ۸۴/۸/۴

پس از پیروزی انقلاب هم به سرعت نهادهای حکومت مردم‌سالار یکی پس از دیگر شکل گرفت و برنامه‌ریزی برای توسعه کشور آغاز شد. ولی وقتی جنگ تحمیلی با پشتیبانی کشورهای قدرتمند علیه ما آغاز شد، نظام مجبور شد برای دفاع از خودش دست به آرایش نظامی بزند. شیوه جنگ دفاعی ما هم قابل تأمل است، اگر کسی شیوه‌هایی را که در جنگ دفاعی ما به کار گرفته شد با آنچه رژیم عراق انجام می‌داد، مقایسه کند، مشخص می‌شود که تمام منش و مبنا و روش ما بر حفظ حقوق انسان‌ها بوده است. این‌ها نشان می‌دهد که در روح این نظام، احترام به حقوق انسان‌ها نهفته است. سنگ‌بنای انقلاب ما حقوق مردم است و مبدأ پیدایش آن هم حرکت و جوشش خود مردم بوده است نه قدرت طلبی و در مرحله بنیان‌گذاری ارکان و نهادهای نظام جمهوری اسلامی هم در همه بخش‌ها، این سنگ اصلی بنای انقلاب در نظر بوده و هست.

قدرت اگر دوام داشت، حکومت پهلوی پابرجا می‌ماند. در تاریخ حکومت اسلام، هدف انبیا و اولیا، علما و مراجع بزرگ و مجاهدین جبهه‌ها دست یافتن به آرمان‌های اسلامی بوده و ما نیز پس از گذشت سه دهه از انقلاب، باید ارزش‌های نورانی اسلام را به گونه‌ای پیاده کنیم تا به عزت و افتخار نایل شویم. یکی از این ارزش‌ها، پاسداری از حق و حقوق ملت است. اساساً معنای حکومت و سیاست و مدیریت در فرهنگ اسلامی، خدمت به مردم

است. منشأ اقتدار جمهوری اسلامی همین است و منشأ ضعف و آسیب‌پذیری حکومت‌های دیگر بی‌اعتنایی به مردم است.

مردم در نظام اسلامی نقش مهمی دارند، در قانون اساسی بسیاری از نهادهای اصلی حاکمیت با آرای مردم تعیین می‌شوند. ریاست قوه مجریه، نمایندگان مردم در قوه مقننه، اعضای شوراها با آرای مردم انتخاب می‌شوند. پس اولاً از نظر قانون اساسی آرای مردم چنین اثر مهم و تعیین‌کننده‌ای در حاکمیت سیاسی جامعه دارد. ثانیاً، بر مبنای فرهنگ سیاسی اسلام، مردم در حاکمیت اسلامی جایگاه خاصی دارند، حاکمیت اسلامی با حاکمیت‌های استبدادی تفاوت جوهری دارد. به خلفای بنی‌عباس و بنی‌امیه نگاه نکنید آن‌ها نمایندگی اسلام را نداشتند و ظالم بودند. اگر می‌خواهیم نمونه‌ای از حاکمیت اسلامی را ببینیم به خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام نگاه کنیم. ملاحظه کنید مولا چه اندازه به مردم اهمیت می‌دهد. اصلاً پذیرش حاکمیت از سوی ایشان پس از اصرار مردم بود، اول از پذیرش حکومت امتناع می‌کردند. البته این سخن بدان معنا نیست که نظر مردم شرط در اصل ولایت باشد، در مورد ولایت معصومین هیچ‌کس این را قبول ندارد، در مورد ولایت غیر معصوم هم به این شکل پذیرفتنی نیست.

در هر حال، نظر مردم شرط صحت ولایت نیست، اما شرط تحقق ولایت است. بنابراین، پذیرش مردم، امکان تولی و تصدی

حضرت امیر را فراهم کرده بود و ایشان در طول تحقق آن امکان، حکومت را پذیرفت^(۱).

شیوه حکومت ایشان جایگاه مردم را نشان می‌دهد، آن حضرت حتی در سخت‌ترین و حساس‌ترین و سرنوشت‌سازترین مسئله‌ای که جامعه اسلامی و حکومت اسلامی در عصر ایشان با آن روبه‌رو بود، یعنی جنگ صفین، به نظر مردم درباره حکمیت تن داد، اگر چه خود ایشان مخالف آن بود. پذیرش حکمیت نشانگر آن است که برای رأی مردم ارزش قایل بود. نمی‌خواست به‌گونه‌ای عمل کند که افکار عمومی مردم، حاکمیت امام علیه‌السلام را خودکامه تلقی کنند. این کاشف از آن است که در حکومت اسلامی افکار و آرای عمومی باید با حاکمیت باشد نه پشت به حاکمیت. حاکمیت با زور و سلطه و شمشیر و به تعبیر فقها با سیف و سوط شکل ایده‌آل حکومت نیست، شکل ایده‌آل حکومت آن است که مردم معتقد به نظام باشند. نظام دینی نظامی است که می‌خواهد پایه‌های اعتقادی میان مردم داشته باشد. این نکته بسیار ظریف و مهمی است که اقتضا دارد به‌عنوان یک اصل در سیاستگذاری‌های اجرایی و قضایی و فرهنگی مورد توجه قرار گیرد.

اگر در مواردی آرای عمومی به برخی از شخصیت‌های صالح و انقلابی اقبال نکردند به دلیل ضعف در این سیاست

۱ - دیدار با ائمه جمعه استان اصفهان ۷۹/۸/۳۰

است و معلوم می‌شود این سیاستگذاری به گونه‌ای انجام نگرفته است که مردم هماهنگ با ارزش‌های انقلاب به کسانی که واقعاً صلاحیت نمایندگی مردم را دارند، رأی بدهند. البته ممکن است در مواردی، سوء عملکردها هم تأثیر داشته باشد. ضرورت دارد ما در برخی از سیاست‌های خود بازنگری کنیم که چرا چنین شده است. باید مردم را هدایت کنیم، هدایت فقط در مسائل اعتقادی، فلسفی و کلامی نیست، مسائل سیاسی مؤثر در زندگی مردم و در حاکمیت و مدیریت جامعه هم مسائل بسیار مهمی است. اگر در این حوزه‌ها کوتاه بیاییم - که گاهی به جهت اینکه اشرافی به نیازهای مردم نداشته‌ایم یا شناخت دقیقی از کسانی که می‌خواهند نقش آفرینی کنند نداشته‌ایم کوتاهی کرده‌ایم - خسارت بار است.

حاکمیت اسلامی مترقی ترین شیوه حاکمیت و مدیریت اجتماعی و سیاسی

احساس می‌شود مکاتب مادی‌گری بشری توانسته‌اند بیشتر بخش‌های زندگی را در اختیار بگیرند و دیانت و دینداری و دین‌مداری به مسائل شخصی و فردی محدود شده و از مسائل اجتماعی و سیاسی که امور اصلی جامعه است، کنار زده شده است.

به نظر می‌رسد در کشورهای غیر اسلامی مکتب‌های مادی‌گرا توانسته‌اند جوهره بسیار ارزشمند مسیحیت را از زندگی اجتماعی انسان‌ها کنار زده و به روابط عبادی شخصی افراد در کلیساها محدود کنند و به اصطلاح کار قیصر را به قیصر و کار مسیح را به مسیح واگذار کرده‌اند. بُعد اعظم کار که حضرت مسیح دنبال آن بوده و آن را هدف تبلیغ رسالت و شریعت خود قرار داده بود متأسفانه کم‌رنگ و یا بی‌رنگ شده و در اختیار حکومت‌ها و قیصرهای سیاسی و اجتماعی جامعه قرار گرفته است.

رسالت اصلی حضرت مسیح این بوده که در جامعه بشری، معنویت و فضیلت و عدالت حاکم باشد. بخش اجتماعی زندگی انسان خیلی مهم‌تر از بخش فردی آن است. ممکن است کسی روز یکشنبه در کلیسا یا در خانه خود به عبادت و معنویت پردازد، اما بقیه روزها در اختیار یک نظام سیاسی و اجتماعی صرفاً مادی‌گرا که غیر از ماده و پول و قدرت و زورمداری چیز دیگری را درک نمی‌کنند قرار دارد. علما و بزرگان روحانی مسیحیت به این وضع توجه کنند، به نظر ما، حرکت ضد دینی توانست با این ترفند، مسیحیت را در مسائل و روابط شخصی محدود کند. آیا آقایان علما و بزرگان دیانت مسیح فکری برای این وضع کرده‌اند؟ ظلم‌هایی که امروز از سوی آمریکا و صهیونیست‌ها، در خاورمیانه و دیگر نقاط جهان انجام می‌گیرد، جنگ‌ها و خونریزی‌هایی که در قرن اخیر رخ داده و ممکن است در آینده نیز رخ دهد، این‌ها

مسائل اصلی بشریت و همه از ابعاد اجتماعی و سیاسی زندگی بشری است که معنویت و فضیلت و اخلاق در آن‌ها فراموش شده است^(۱).

بدون شک مشکلات و کمبودها در جامعه ما، مخصوصاً در مناطقی که نابرخوردار از امکانات است، فراوان است. وجود پاره‌ای نابسامانی‌های اقتصادی در کشور، امری طبیعی است زیرا نظام اسلامی ما، نظام نوپایی است و دشمنان فراوانی نیز دارد. دشمنان گوناگونی که از بدو پیروزی انقلاب و برپایی نظام به دست امام راحل علیه السلام، برای سرنگونی این نظام کمر بستند و در هر مقطع و زمانی به طریقی با این نظام در افتادند. غلبه بر این همه مشکلات، مرهون صبر و تحمل مردم و درایت مسئولان مخصوصاً راس این نظام، چه در زمان امام راحل علیه السلام و چه در زمان جانشین شایسته و فرزند برومند و شاگرد تربیت شده او مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (دام ظلّه العالی) بوده است. عدالت و تیزبینی و بصیرت و اخلاص و صداقت رهبری نظام، که بی‌شک منشا صداقت و عدالت دیگر مسئولان بوده است، موجب شد که انقلاب اسلامی و نظام نوپای جمهوری اسلامی که پدیده‌ای بی‌نظیر در تاریخ سیاسی ما است، بتواند بر همه این مشکلات غلبه کند و آرمان‌های اسلامی و سیاسی خود

۱ - دیدار با نماینده پاپ اعظم تاریخ: ۱۸/۵/۲۲

را نه تنها در این کشور تثبیت کند، بلکه آن را به عنوان نمونه‌ای از مدیریت و حکومت اسلامی که حکومت پرهیزکاران و صادقان و مومنان و حکومت الهی است و آرمان همه محرومان تاریخ و همه انبیاء و اولیا بوده است، به جهان معرفی کند. باید قدر این نظام و حکومت اسلامی را بدانیم و تحت تأثیر تهاجمات دشمنان قرار نگیریم. دشمنان ما سعی دارند از طریق رسانه‌های خود افکار را فریب دهند و دل مردم را تهی کرده و یا ترفندهای مزورانه ذهنیت جوانان ما را نسبت به نظام اسلامی تعیین کند، سعی می‌کند حجاب‌ها و موانعی ایجاد کند که چشم دل بصیر ملت ما را از جلوه‌های عظمت انقلاب اسلامی، بسته نگه دارند. با روشنگری‌های داهیان‌ه رهبر معظم انقلاب و یا خدمات مسئولان و با همت و ایمان و عشق مردم عزیز ما به این نظام و ولایت، این تهاجم‌ها شکست خورده است.

این انقلاب برای اولین بار در تاریخ جهان توانسته است حاکمیت آرمان‌های اسلامی، آن هم نه اسلام خشک و بی روح و سازگار با طاغوتیان و مستکبران، بلکه اسلام ناب محمدی را، اسلام اهل بیت عصمت و طهارت، اسلام مبتنی بر فقه آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را، در متریقی‌ترین شیوه‌های حاکمیت و مدیریت اجتماعی و سیاسی برای اولین بار در جهان برپا کند. این حاکمیت سیاسی که انقلاب اسلامی به دنیا معرفی کرده برپایه معنویت استوار است و در عین حال برخوردار از آزادی و مردم سالاری دینی است.

همچنین در کشور ما در ظرف سه دهه، ده‌ها انتخابات انجام گرفته است، انتخاباتی که آحاد مردم یا گاهی کامل پای صندوق رای رفته اند، نه انتخاباتی که ظاهراً آزاد است ولی در واقع وابسته به شرکت‌ها و کارتل‌های سرمایه داری است. در بسیاری از کشورها چرخه رقابت سیاسی فقط میان دو حزب برقرار است و افراد فقط از طریق یکی از این دو حزب وارد عرصه مدیریت کشور می‌شوند. دامنه انتخاب در آمریکا که مدعی آزادی است از دو حزب تجاوز نمی‌کند، یا حزب دموکرات است یا حزب جمهوری خواه، در انگلیس یا حزب محافظه کار است یا حزب کارگر. آزادی ای که در قانون اساسی حکومت اسلامی آمده است، آزادی تک تک مردم است، هر فرد چه وابسته به حزبی باشد یا نباشد، می‌تواند داوطلب عالی‌ترین مناصب اجرایی شود. امروز شما عزیزان در کنار آب هستید (تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی) آنان که در زیر یوغ حکومت‌های مستبد زورگو چه در جهان اسلام و چه در خارج از جهان اسلام زندگی کرده و می‌کنند، قدر و قیمت و عظمت این انقلابی را می‌شناسند. اگر با مردم این کشورها هم سخن شوید خواهید دید که آنان با چه دیدی به این انقلاب نگاه می‌کنند، و چگونه خود را محروم از این آزادی و مردم سالاری دینی می‌بینند و در پی آنند که از این انقلاب سرمشق بگیرند و البته کار آسانی نیست، وضع آن‌ها از جهات مختلفی با ما فرق دارد. تنها حکومتی که توانسته دینداری را با پیشرفته

ترین شیوه‌های حاکمیت سیاسی و آزادی‌های انسانی تلفیق کند و هم روح حاکمیت اسلامی و هدایت الهی را حفظ کند و هم شکل مدرن حکومت و جمهوریت و مردم سالاری واقعی را در برداشته باشد همین حکومت جمهوری اسلامی است. از مهم ترین دست آوردهای حاکمیت اسلامی، رشد نگاه دینی و سیاسی مردم است. امروز همه ملت مخصوصا جوانان ما نسبت به همه جوانان کشورهای اسلامی کامل ترین بینش سیاسی بالاترین مشارکت در امور سیاسی را دارند و یا گاهی کامل برای بذل جان و ایثار هر چه دارند در راه حفظ حکومت اسلامی و عزت و استقلال و آرمان های خود، آماده اند فدا کنند. تمام انبیاء آمده اند که انسان را به این سطح برسانند و بحمدالله به برکت انقلاب اسلامی، مردم ما به این رشد رسیده اند.

مدیریت حکومت اسلامی، باید منطبق با ضوابط اسلام ناب باشد و از مسلمانات اسلام و از آنچه روح اسلام اقتضای آن را دارد خارج نشود. در مدیریت‌ها باید اسلام اجرا شود نه چیزی که برچسب اسلامی به آن زده شده، ولی واقع آن برگرفته از این طرف و آن طرف است و یا برداشت‌های غیردقیق و استنباطات ناقص برخی اشخاص از دین است. در مدیریت حکومت اسلامی سیاست‌ها و تعالیم نورانی اسلام نباید بازیچه مصلحت‌اندیشی‌ها شود و از طرفی یک اسلام خشک غیرقابل اجرا که شکل و قالب آن برگرفته از گذشته و مربوط به آن شرایط زمانی و مکانی است

نیز ارائه نشود. این همان نکته‌ای است که امام علیه السلام با تیزهوشی و تیزبینی خود در بحث نقش عنصر زمان و مکان در استنباط، به آن توجه داده‌اند. عنصر زمان و مکان هم در قالب‌ها و شیوه‌های اجرا کردن اسلام مؤثر است و هم در استنباط احکام، البته زمان و مکان در خود احکام مؤثر نیست و حکم خدا را تغییر نمی‌دهد، این از مسلمات فقه شیعه است، ولی در سیاست‌ها و نظامات اجرایی در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و نیز در برداشت‌ها و استنباطات فقهی مؤثر است.

وقتی شرایط جدیدی به وجود می‌آید و پدیده‌های اجتماعی و روابط حقوقی جدیدی در جامعه پیدا می‌شود، برداشت فقیه از منابع اجتهادی و فقه‌های در موارد بسیاری تغییر می‌کند و بُعد جدیدی را می‌بیند که دیده نشده بود. باب تزاحم باب مهمی در اصول فقه است، با اختلاف شرایط زمان و مکان، اهم و مهم طرفین تزاحم، تغییر پیدا می‌کند، ممکن است آنچه در شرایط قبلی مهم بوده حالا اهم شود و یا بالعکس. تأثیر شرایط زمان و مکان در استنباط یکی از بحث‌های مهمی است که امام به آن توجه دادند و متأسفانه به درستی باز نشد و تفسیر و تعبیرهای ناقصی از آن شد.

وظیفه ما در این مقطع بسیار حساس این است که از یک طرف بتوانیم اسلام ناب را با حفظ ناب بودن و اصیل بودن و اعتقاد به حقانیت مطلق آن و پرهیز از التقاط، اجرا کنیم و از طرفی دیگر شرایط فعلی جامعه را به درستی تشخیص دهیم و با توجه به این

شرایط و روابط جدیدی که ایجاد شده از شیوه‌ها و ابزارهای مدرن استفاده شود و اجرای احکام و قوانین اسلام به گونه‌ای نباشد که برچسب ارتجاع و عقب‌افتادگی به آن بزنند. علاوه بر این، اخلاص و صداقت در عمل نیز نکته بسیار مهمی است. اگر خدای ناکرده به واسطه عدم تعهد یا عدم دانش لازم، در عمل کوتاهی کردیم، به پای اسلام نوشته می‌شود. یکی از خطرناک‌ترین آسیب‌ها این است که مجریان - از مسئولان ارشد گرفته تا مدیران میانی و پایین - اگر تعهد و صداقت و اخلاص لازم و یا توان و دانش لازم و مطلوب را نداشته باشند، خطا و اشتباه می‌کنند، ولی خطای آنان پای خودشان نوشته نمی‌شود، بلکه پای اسلام نوشته می‌شود.

هر چه اهداف یک نظام برتر و مقدس‌تر باشد، قطعاً ابزار رسیدن به آن اهداف هم باید متناسب با آن اهداف، دقیق‌تر و مؤثرتر باشد. تجربه نورانی حاکمیت صحیح و مشروع اسلامی در حکومت مولای متقیان امیرمؤمنان این روش را عملاً به عنوان بخشی از سیره سیاسی آن بزرگوار تثبیت کرده است. آن حضرت بر همه اجزای حکومت و مجموعه ولات و نمایندگان خود در سراسر کشور پهناور اسلامی در آن زمان با نبود امکانات پیشرفته، نظارت بسیار دقیق داشتند که نمونه‌های آن در خطبه‌ها و نوشته‌های آن بزرگوار و آنچه از او در تاریخ باقی مانده است، بسیار مشهود است^(۱).

۱ - سخنرانی در جمع مردم گناوه ۸۰/۲/۱۹

انقلاب اسلامی و برپایی نظام مقدس جمهوری اسلامی نقطه عطفی در تاریخ معاصر جهان^(۱)

حادثه بزرگ انقلاب اسلامی و برپایی نظام مقدس جمهوری اسلامی نقطه عطفی در تاریخ معاصر جهان است. این حادثه اوضاع جهان را دگرگون و تحولی عظیم در امت اسلامی ایجاد کرد و ضربه‌ای بزرگ بر پیکره استکبار جهانی و دشمنان دیرینه اسلام نواخت. به حق، این انقلاب، نوید همان وعده بزرگ الهی در تاریخ بشر است که خداوند متعال در همه ادیان الهی و مخصوصاً در دین مبین اسلام به صالحان زمین داده است: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ این وعده قطعی و سنت الهی است که آینده زمین برای صالحان است. صالحان کیانند؟ کسانی هستند که تعالیم و احکام الهی را بر روی زمین احیا می‌کنند. حادثه پیروزی انقلاب اسلامی و احیای نظام مقدس جمهوری اسلامی، اولین نوید این وعده بزرگ الهی است. پس از قرن‌ها مخصوصاً در دو قرن اخیر که جهان اسلام مورد تاخت و تاز و تجاوز مستکبران و طاغوتیان عصر بود نه تنها ثروت کشورهای اسلامی به یغما برده شده و تحت سلطه و سیطره استکبار جهانی قرار گرفته بود، بلکه فرهنگ و اعتقاد ملت‌های اسلامی هم فتح شده و اندیشه‌های الحادی در جهان اسلام رخنه کرده بود. به مدت بیش از یک قرن، استعمارگران با ابزارهای گوناگون فرهنگی خود،

۲ - سخنرانی در مراسم آغاز سال تحصیلی دانشگاه امام حسین (ع) تاریخ: ۸۱/۷/۹

توانسته بودند کشورهای اسلامی را قطعه قطعه کنند و اندیشه‌های بیگانه از اسلام را در جوامع اسلامی رواج دهند و احزاب و گروه‌ها و مدافعان فکری و فرهنگی برای خود در جهان اسلام ایجاد کنند. این در حقیقت هجمه کفر جهانی معاصر بر علیه اسلام بود. این تهاجم بر پیکره جهان اسلام، مخصوصاً بعد از جنگ جهانی دوم، گسترش پیدا کرد. در چنین شرایطی حتی احتمال ظهور حکومتی به عنوان حکومت اسلامی به ذهن آن‌ها خطور نمی‌کرد. سردمداران کفر جهانی تصور نمی‌کردند که روزی در جهان اسلام اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی اسلام از نو احیا شود، حتی در حد فکر و اندیشه تا چه رسد به تأسیس حکومت.

با پیروزی انقلاب اسلامی این باور استکبار شکست و ملت‌های اسلامی که می‌رفتند که بی‌هویت شوند مخصوصاً در بعد سیاسی و اجتماعی، حیات و هویتی دوباره یافتند. انقلاب اسلامی ایران نشان داد که اندیشه اسلام ناب با همه دشمنی‌هایی که علیه آن صورت می‌گیرد، هیچ‌گاه از بین نخواهد رفت، این وعده و سنت الهی است. حال و هوای اوضاع جهان اسلام قبل از انقلاب اسلامی را با وضعی که امروز در جهان و مخصوصاً جهان اسلام شکل گرفته است مقایسه کنید تا معلوم شود چه تحولی امروز به برکت این انقلاب ایجاد شده است. امروز جهان اسلام بلکه کل جهان تشنه این ایده‌هاست که در طول این سه دهه توانست موفقیت و کارایی خود را در مدیریت داخلی و

بین‌المللی نشان دهد و الگوی جهان اسلام در مقابله با استکبار باشد. به عنوان نمونه انتفاضه نسخه‌ای برگرفته از ایده‌های امام راحل است، استراتژی انتفاضه همان استراتژی نهضت اسلامی و ایثارگری و شهادت‌طلبی برگرفته از مکتب عاشورایی است^(۱). این مکتب قبل از انقلاب در حد یک نظریه بود، انقلاب اسلامی این نظریه را عینیت خارجی بخشید و از این رو قلوب و افکار ملل مسلمان را متوجه خود کرد و آن‌ها را به برپایی یک حکومت اسلامی امیدوار ساخت.

بیان نظریه‌ها و مفاهیم هر قدر هم عالی باشند اگر عینیت نیابند تأثیر چندانی نخواهد داشت. رمز موفقیت ما این بود که این انقلاب توانست ایده‌های اسلام ناب را نه تنها در حد نظریه مطرح کند، بلکه آن‌ها را در عمل در همه عرصه‌های زندگی نشان دهد.

امروز انتفاضه فلسطین این چنین تفسیر و تحلیلی دارد، قیام ملت عظیم ما و ملاک‌ها و مبانی این نهضت را در عینیت خارجی دیدند، و دیدند که مردم چگونه در مقابله با ظلم از هیچ چیز نترسیدند و از خون و مال و فرزند خود به آسانی گذشتند، آنان هم یاد گرفتند و همین شیوه را به کار بستند. با حرف نمی‌شد این شیوه

۱ - قیام و حماسه عاشورای امام حسین علیه السلام از آن رو توانست تاریخی را به حرکت درآورد و نسل‌هایی را به جهاد و مبارزه علیه طاغوتیان وادارد و درس عشق شهادت را به بشریت بیاموزد، که امام حسین علیه السلام ایثار و شهادت‌طلبی را عینیت بخشید.

را در دل و جان ملت فلسطین تزریق کرد، فقط عمل می‌تواند این تأثیر را بگذارد.

عینیت بخشیدن به ایده‌های ناب اسلام کار بسیار دشواری است و البته تاوان سنگین و هزینه بزرگی هم دارد. وقتی الگوسازی انقلاب اسلامی موجب بیداری دیگر کشورهای اسلامی شد، آمریکا هم با تحریم‌های سیاسی و اقتصادی و تحریک و تجاوز نظامی به مقابله با آن برخاست.

به هر حال امروز در تمام بخش‌های حیات اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی، اندیشه اسلام ناب به عنوان اندیشه برتر و موفق‌تر و منسجم‌تر با فطرت و هویت ملت‌های اسلامی در کل دانشگاه‌ها و حوزه‌ها و مراکز علمی جهان اسلام مطرح است. این تحول در دل و جان نسل جوان و دانشگاه‌هایشان نفوذ کرده است. قبل از انقلاب، تحصیل‌کردگان کشورهای اسلامی دم از اسلام نمی‌زدند، عزت خود را در اسلام نمی‌دیدند، همه چشم و دلشان به سمت آمریکا و اروپا یا شوروی سابق بود.

امروز نه تنها اندیشه‌های مارکسیستی شکست خورد و کنار رفت، اندیشه‌های لیبرالیستی غرب هم در محافل علمی جهان اسلام جایگاهی ندارد. این از دستاوردهای انقلاب ما است. که امروز به عنوان یک آرزو برای ملت‌های مظلوم و مستضعف می‌باشد.

انقلاب اسلامی ایران برترین الگوی حکومتی در جهان اسلام^(۱)

در غزوه خندق، مولی امیرالمومنین علیه السلام تنها کسی بود که برای مقابله با عمرو بن عبدود که توانسته بود از خندق عبور کند و موجب رعب مسلمانان شده بود، اعلام آمادگی کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چند بار ندا داد که کسی به مقابله با او برخیزد، اما کسی بلند نشد و جرات مقابله با این مرد عرب را نداشت جز مولی امیرالمومنین علیه السلام، وقتی حضرت علی علیه السلام رفت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این جمله را فرمود: اینک همه اسلام به مبارزه با همه کفر رفته است. این فردی که دارد می رود تبلور کل اسلام است، در مقابل کسی که تبلور کل کفر است. چون آن جنگ سرنوشت ساز بود، اگر مولی در مقابل عمرو بن عبدود در نمی آمد و مسلمانان در آن جنگ شکست می خوردند، کل اسلام از بین رفته بود. امروز هم چنین معادله ای هست، با پیدایش حکومت اسلامی در ایران، تمام طاغوت های جهان و شیاطین بزرگ و کوچک، همه دست به دست هم داده اند و در مقابل این نظام ایستاده اند چون از جوهره این نظام مشخص است که یک نظام الهی و اسلامی است و داعیه برپایی خلافت الهی را بر زمین دارد. دارند می بینند که چگونه مردم مقاوم و مومن لبنان از ما الگو می گیرند، چگونه مردم فلسطین از ما الگو می گیرند، چگونه این راه و رسم عاشورایی که در ایران

۱ - سخنرانی در مراسم آغاز سال تحصیلی دانشکده علوم قضایی تاریخ ۸/۷/۸۱

توانست طاغوت را به زباله دان تاریخ بفرستد، در دنیا الگو شد. این الگو نزد همه انسان‌هایی که فطرت پاک دارند به سرعت پذیرفته می‌شود. اگر تمام تشکیلات اطلاع‌رسانی دنیا که به نحوی در قبضه دشمنان ما قرار دارد و تبلیغات سنگین رسانه‌های استکبار نبود، تا حالا بسیاری از ملل جهان از این نظام الگو گرفته بودند. لذا آن‌ها سعی می‌کنند میان این نظام و مردم جهان حجاب ایجاد کنند و حقایق آن را معکوس جلوه دهند. در عین حال می‌بینیم این الگو نزد ملل تحت ستم پذیرفته شده است، این انتفاضه فلسطین که صهیونیست‌ها و آمریکا و سردمداران کفر جهانی را امروز به زانو درآورده و چنان بیچاره کرده که نمی‌دانند در مقابل آن چه کار کنند، الگو گرفته از فرهنگ انقلاب اسلامی است^(۱).

امروز بحمدالله در شرایط فعلی جهان، نظام مقدس جمهوری اسلامی و آرمان‌ها و ایده‌های آن با وجود همه دشمنی‌ها و تلاش‌های استکبار به عنوان برترین الگو در جهان اسلام مطرح است. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، همین مطرح کردن ایده‌های اسلام ناب بود، ایده‌هایی که قبل از آن در عرصه مسائل سیاسی، فرهنگی، فکری، اعتقادی به هیچ وجه مطرح نبود یا به گونه مسخ شده و تحریف شده‌ای مطرح می‌شد. نظام مقدس جمهوری اسلامی، رهبری عالمانه و هوشمندانه معمار حکیم

۱ - جمع فرماندهان و پرسنل نیروی هوایی استان بوشهر ۸۰/۲/۲۰

انقلاب و خلف صالح ایشان و حضور و مشارکت چشمگیر مردم در عرصه‌های مختلف انقلاب چه در دوران نهضت، چه در دوران جنگ تحمیلی و دفاع مقدس و چه در دوران سازندگی و آبادانی، در همه این عرصه‌ها با همه مشکلات توانسته است این دستاورد را به جهان اسلام عرضه بدارد. ما چون داخل نظام هستیم، خبر نداریم که این نظام چه جایگاه و شأنی در خارج دارد. ایده‌های نظام، اندیشه‌های بلندی که این نظام متکی بر آن است، قانون اساسی ما، سیاست‌های نظام در عرصه‌های مختلف، در جهان اسلام حتی در همه جهان‌الگوی جدید مبارزه با استکبار شده است.

نظام ما متکی بر اسلام ناب یعنی اسلام اهل بیت علیهم‌السلام است لذا توانست این ایده‌ها و این افکار سعادت‌بخش و حیات‌بخش را نه در سطح فکر و تئوری، بلکه در عرصه عملی حکومت و مدیریت و در عینیت جامعه در ابعاد مختلف عرضه کند. این ایده‌ها به تدریج برای کشورهای دیگر الگو شد، آنچه که امروز در جهان اسلام می‌گذرد، برگرفته از سیاست‌های انقلاب اسلامی و متکی و مبتنی بر همان منطق و جهاد و شهادت‌طلبی مکتب عاشورایی است. مشخص شد که این روش، در مقابل مستکبران و زورگویان و اشغالگران، روش کارآمدی است. اصل این که اسلام یک مکتب زنده است و در همه زمان‌ها برای همه نیازهای فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و علمی بشر پاسخ دارد، بلکه برتر از طرح‌ها و نسخه‌هایی است که مکتب‌های بشری برای

مردم می‌پیچند، امروز در کل جهان مطرح شده و این از برکات
ودستاوردهای انقلاب می‌باشد.

امروز جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام ارزشی توانسته است
سیاست را با اعتقادات فطری بشر، مشارکت مردم را با مدیریت
متمركز و قاطع و مستحکم، معنویت را با مادیت، فکر و عقل را با
قلب و وجدان تلفیق دهد و نظامی منسجم با فطرت انسان‌ها پدید
آورد. این را نه تنها ادعا کند - که این ادعا در افکار و اندیشه‌ها و
کتاب‌ها همواره بوده - بلکه عینیت ببخشد. خیلی فرق هست بین
این که مسئله‌ای در حد تئوری مطرح شود یا این که جامه عمل
بپوشد، وقتی جامه عمل پوشید و در عمل موفق شد، تأثیر آن و
تأثیر مردم از آن چندین برابر خواهد شد.

بحمدالله این انقلاب در همه این عرصه‌ها اولاً حرف برتر دارد،
ثانیاً آن را عملی کرد.

یکی از اساتید سابقه‌دار بسیار عالی‌مقام کشور عربستان مدتی
قبل این جا بود، کشوری که از لحاظ مذهبی اختلاف شدید با ما
دارد مخصوصاً گرایش‌های وهابی‌گری و سلفی‌گری که در آن جا
رایج است، نگاه بسیار بدبینانه‌ای به مذهب ما دارند، ولی آن استاد
می‌گفت افکار و اندیشه‌های انقلاب اسلامی، دانشگاه‌های سعودی
را تحت تأثیر قرار داده است.

درست است که آن‌ها به دنبال نوشتن کتاب‌هایی علیه شیعه

و ردّ بعضی مباحث مذهبی و کلامی شیعه هستند، ولی خود این، معلول آن نفوذی است که فکر انقلاب اسلامی، اندیشه‌های امام علیه السلام، افکار گوناگونی که این انقلاب در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اعتقادی، فلسفی، اخلاقی مطرح کرده و بینش‌هایی است که این انقلاب ایجاد کرده و وجدان جوانان و دانشجویان را در این کشورها تحت تأثیر قرار داده است. این در حقیقت ناشی از دست‌پاچی است که چگونه جلوی سیل مؤثر و غیرقابل کنترل این افکار را بگیرند. از این رو بحث‌های قدیمی مذهبی را زنده می‌کنند و به گرایش‌های متعصبانه و اختلاف انگیزه مذهبی در جهان اسلام دامن می‌زنند.

ما در این چنین جایگاهی هستیم، جایگاه و منزلت انقلاب خود و دستاوردهای آن را مخصوصاً در عرصه‌های فکری، فرهنگی، اعتقادی، اخلاقی و معنوی به ویژه نسبت به قشرهای نخبه جامعه که اهل فکر و نظرند خوب بشناسیم، فرهیختگان جامعه بدانند که در چه جایگاهی هستند و چه عزت و منزلتی دارند و تحت تأثیر تبلیغات مغرضانه و مودیانه دشمنان قرار نگیرند. امروز جهان تشنه معنویت است، مادی‌گری تمدن غرب بعد از آن همه ادعاها و شعارهای گوناگون درباره سعادت انسان‌ها و حقوق بشر، در تأمین سعادت انسان به بن‌بست رسیده است. دو تجربه بسیار پرمدعا و دو مکتب سرمایه‌داری و مارکسیسم که هر دو در اصل مادیگری ریشه مشترک داشتند و بعد در مقابل هم قرار گرفتند.

و دو قطب شرق و غرب را تشکیل دادند و مدت‌ها افکار را در جهان اسلام به بازی گرفته بودند، هر دو به نوعی شکست خوردند. سوسیالیسم بعد از آنکه بخش بزرگی از جهان را در اختیار گرفت، فرو پاشید و کآن لم یکن شیئاً مذکوراً شد. آقایانی که قبل از انقلاب، بحث‌های مارکسیستی را به یاد دارند که سعی می‌کردند همه ابعاد فکری و علمی را رنگ مارکسیستی بدهند، دانش را هم گفتند باید مارکسیستی باشد. چگونه این همه ادعاها ازین رفت. آن افکار چون یک بعدی بود و با فطرت انسان‌ها سازگار نبود و اصالت را بر ماده و ماده‌پرستی گذاشته بود با همه شعارهای عدالت‌طلبی که داشت، فرو پاشید. با شکست مارکسیسم، آن طرف مقابل خود را بی‌رقیب دیده و جهان را یک قطبی کرد.

از هم‌اکنون روشن شده، البته بیشتر هم روشن خواهد شد که این قطب نیز در تضاد و تناقض است. تمام شعارهای آن چون بر اساس ماده پرستی و مادیت است و معنویت را قبول ندارد، دچار تناقض می‌شود. امروز آمریکا فقط به جهت این که قدرت اقتصادی و قدرت نظامیش بیشتر است، می‌گوید: هر چه می‌گویم درست است، آن چه من می‌گویم، حقوق بشر است، تروریسم همان است که من تعریف می‌کنم، محور شرارت همان است که من تعیین کردم، فلان کشور نباید فلان دانش یا قدرت نظامی را داشته باشد، اگر کشورهای مورد حمایت من دارند، اشکال ندارد، ولی آن کشور نباید داشته باشد! عین منطق فرعون‌ی. در این راه هر شیوه‌ای را

اعمال کند، درست می‌داند و هر کس هم با آن مقابله کند، می‌شود تروریست. این حق را چه کسی و با کدام منطق به تو داده است؟ با این شیوه، دیگر هیچ آبرویی برای چنین قدرتی در جهان نمی‌ماند که خود را مدافع حقوق بشر بداند.

امروز کار جهان در سطح سیاسی به این جا کشیده است. در ابعاد دیگر هم همین گونه است. عزیزان نسل جوان و دانشجویان ما قدر و عظمت اسلام و این انقلاب را بدانند. البته بذر این نهال را خود پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام کاشتند، چیزی نیست که علمای این زمان آن را ایجاد کرده باشند، این یک خط نورانی ممتدی در تاریخ اسلام است. خیلی زحمت به پای آن کشیده شده است. همان خط اسلام ناب یعنی اسلام اهل بیت است که ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام و علمای اسلام همه وجود خود را برای حفظ آن و جلوگیری از هر گونه تحریف آن توسط مکتب‌های دیگر و یا حاکمان و زورگویانی که منافعشان اقتضا می‌کرد خیلی از احکام و اندیشه‌های اسلام ناب را کم رنگ کنند، صرف کردند. همه ادیان بزرگ الهی در طول تاریخ، تحریف شدند، اما خداوند وعده داده بود که این دین را حفظ کند و حفظ کرد. قرآن که منبع اصلی معارف مکتب اسلام است و سنت که منبع دوم و شرح تفسیر منبع اول است و به وسیله عترت بیان شد، هر دو از تحریف و تصرف مصون ماندند.

در حکومت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام نیز مجال اندکی برای عملی کردن

آن فراهم آمد، حکومت چهارساله امیرالمؤمنین تابلوی تا ابد درخشان نمونه حکومت اسلامی ناب است که آن امام بزرگوار فراروی بشر قرار داد. ائمه علیهم السلام بعد از تبیین نظری اسلام، در مدیریت عملی هم آن را نشان دادند. نیز به ما آموختند که اگر طاغوت بخواهد اصل دین را از بین ببرد، انسان باید همه چیز را در راه حفظ آن بدهد و جانبازی کند آن گونه که امام حسین علیه السلام در کربلا نشان داد. این هم تابلویی است که سرچشمه خط سیر جهادی انقلاب ما بوده است و امروز در همه جهان اسلام الگو شده است.

اسلام در همه ابعاد فردی و اجتماعی خود به وسیله ائمه اطهار علیهم السلام و سپس به وسیله علمایی که آنان تربیت کردند، حفظ شد و از تحریف مصون ماند و به سرنوشت ادیان دیگر مبتلا نشد. مسیحیت امروز با تعالیم حضرت مسیح علیه السلام فاصله بسیار دارد و در زندگی سیاسی و اجتماعی انسان بی اثر و بی محتواست و به یک مجموعه نصیحت‌های خیلی مختصر و جدای از زندگی اصلی مردم و آن هم بسیار محدود و یک روز در هفته مبدل شده است.

یهودیت نیز علاوه بر تحریف شدید در طول تاریخ، امروز به صهیونیسم مبدل شد. اما چرا طاغوت‌های پس از اسلام نتوانستند اسلام را تحریف کنند؟ یکی به علت محفوظ بودن قرآن بود و دیگری به سبب تلاش ائمه علیهم السلام در حفظ سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از ائمه نیز اسلام به وسیله علما حفظ شد و تاوان زیادی را هم برای این کار دادند و بسیاری از آنان شهید شدند. امروز هم این نظام به

دست یکی از همین علما و از سلاله ائمه اطهار و به همت مردم معتقد شکل گرفت.

ملت عزیز ما به لطف خدا و به رهبری امام بزرگوار قیام کرد و این انقلاب با شکوه و حکومت اسلامی را برپا کرد و آن چه که وعده ادیان الهی بود، با این حرکت عظیم ملت ما، شکل گرفت. با همه عظمتی که در این تجربه نوپا هست در عین حال هنوز ابعاد زیادی از نظام اسلامی کامل و الگوی مد نظر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام شکل نگرفته است. ما خیلی از ابعاد این نظام را نتوانستیم اجرا کنیم و تحقق بخشیم، خیلی از ابعاد آن شاید در نزد خود ما هم شفاف و روشن نیست و مورد اختلاف و برداشت های مختلفی است. نظام کامل اسلامی، دارای ابعاد بسیاری است، بخشی را بحمدالله تحقق بخشیدیم و این مبنای عزت و افتخار و عظمت کشور و نظام ما است، ولی بخشی را هنوز نتوانستیم احیا کنیم. مسولان و دلسوختگان این نظام با عزم صادق و اخلاصی که دارند الگوی کامل نظام اسلامی را مد نظر قرار بدهند و به طرف آن سیر کنند. این عزم که بحمدالله در مسؤلان نظام بخصوص در رهبری نظام هست، سرمایه رسیدن به آن الگو است. برخی از ابعاد این نظام کامل، نیاز به شرایط ویژه دارد و وقت خاص و امکانات ویژه ای را می خواهد.

الگویی را که نظام اسلامی ما به جهان معرفی می کند، اگر

این حجاب و موانع برطرف شوند، بهترین و مدرن‌ترین الگوهای حکومتی برای دنیاست، بخصوص برای اروپا یک الگوی بسیار ممتازی ارائه می‌دهد. در این الگو، مردم سالاری و دینداری در تمام شئون زندگی با هم وفق داده شده‌اند. در این الگو فضیلت و ارزش‌های والای انسانی، چه در بعد فردی و خانواده و چه در بعد اجتماعی و سیاسی با پیشرفت و رونق اقتصادی و اقتدار مادی و صنعتی همه در کنار هم قرار گرفته‌اند. در این الگو، ارزش‌ها و مبانی ایمانی و اعتقادی که انسان بدون آن‌ها هیچ‌گاه نمی‌تواند زندگی کند با مسائل اجتماعی و مدرن‌ترین روابط اجتماعی در یک‌جا جمع شده‌اند.

دیدگاه اسلام در خصوص نظریه‌ی سیاسی و نظام سیاسی^(۱)

دیدگاه دین اسلام درباره نظریه سیاسی و نظام سیاسی نزدیک به بعضی از مبانی اصلی دموکراسی است. اسلام برای آرای مردم و فهم و نظارت مردم نقش والایی قایل است و برای حاکم اسلامی شرایط ویژه‌ای در نظر می‌گیرد، این شرایط با آن شکل‌های پادشاهی و ملوکیت سازگار نبوده و نیست. حکومت‌هایی که در تاریخ اسلام به وجود آمدند، صددرصد مطابق متون اسلامی نبوده است. شاید مذهب تشیع که افتخار کشور ماست همواره

۱ - دیدار با سفیر نروژ در ایران ۷۹/۱/۲۳

با حکومت‌های وقت، حتی در دوران حکومت‌های اسلامی مخالفت داشت. عمده‌ترین نقاط اختلاف و کشمکش و مبارزه همان اختلاف بر سر نوع حاکمیت بوده است. شیعه در تاریخ، یک مذهب معارض با حاکمیت‌های موجود بوده است و مهم‌ترین نقطه اختلاف آن با حاکمیت در مورد نظام سیاسی حاکم بوده است. وگرنه در نماز و روزه و احکام عبادت، اختلافی در کار نیست. اختلاف در گرایش‌های فقهی درون مذاهب و میان فقها زیاد دیده می‌شود. این اختلاف یک اختلاف طبیعی است و در درون مذهب شیعه میان فقهای شیعه هم اختلاف هست. این اختلاف اصلی نیست و آنچه مرز بین این مذهب و سایر مذاهب اسلامی را مشخص می‌کند در حقیقت اختلاف بر سر مسائل اعتقادی امامت و ولایت امر و حاکمیت اسلامی است. برای نخستین بار در تاریخ معاصر، این مذهب توانست حکومتی را مبتنی بر اعتقادات مذهب تشیع به وجود آورد، اعتقاداتی که از نظر مذهب ما اصیل‌ترین مبانی نظریه سیاسی و نظام سیاسی اسلام را در بردارد. حالا متأسفانه دنیای غرب مخصوصاً با تحریک ابرقدرت جهانی که منافعش پس از انقلاب به خطر افتاده، به جای این که این مطلب را درست بفهمند و درک کنند، چهره این انقلاب را به‌گونه‌ای در جهان غرب و در جهان اسلام مشوه می‌کنند.

تضادی را که در جهان امروز، انسان معاصر بین مسائل دینی و اجتماعی و سیاسی خود احساس می‌کند، در الگوهای حکومتی

دنیا و حتی دموکراسی غرب نیز دیده می‌شود و این تضادها و بی‌هویتی‌های ویرانگر در آن جا نیز وجود دارد، در جوامع غربی خود دانشمندان غرب به این تضادها معترف‌اند و از آن‌ها ناراحت‌اند. اما در درون یک نظام اسلامی همه این تضادها از بین می‌رود.

خلاصه در یک کلمه، در نظام اسلامی ما به بهترین وجهی بین دنیا و آخرت، بین ماده و معنا، بین روح و ارزش‌های روحی و معنوی انسان و نیازهای مادی و اجتماعی و سیاسی‌اش نظم وجود دارد.

نظام جمهوری اسلامی امتداد حرکت حاکمیت الهی بر روی زمین است، امروز روحانیت شیعه ولایت فقیه را به عنوان نیابت امام معصوم علیه السلام هم از لحاظ نظری و هم از نظر عملی احیا کرده است و این خود موجب یک امتیاز عینی برای این مسلک شده است و کسی که وارد این مسلک می‌شود چه بخواهد و چه نخواهد از این امتیاز بزرگ استفاده می‌کند و در همه سطوح خارج و داخل کشور به عنوان یک رهبر دینی و اجتماعی شناخته می‌شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اسلام به عنوان یک نظریه اجتماعی، سیاسی و دارای طرح حکومتی در جهان شناخته شد و به تبع آن برای روحانیت نیز ثقل سیاسی و اجتماعی عظیمی ایجاد شده است. این یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی ما و حرکت بزرگی است که امام راحل در این عصر ایجاد کرده است.

اسلام ایدئولوژی انقلاب اسلامی^(۱)

مقام معظم رهبری خیلی روشن و شفاف روی ایدئولوژی انقلاب اسلامی تاکید می‌کنند. انقلاب اسلامی نیاز به ایدئولوژی دارد و ایدئولوژی آن خود اسلام است، ایشان هم همین تعریف را می‌کنند.

خیلی از مردم و خیلی از جناح‌ها وارد انقلاب شدند، ولی همه این‌ها در برداشت از اسلام و ایدئولوژی اسلام و مکتب اسلام و تعریف ابعاد آن با هم موافق نبودند.

شاید بعضی اصلاً قبول نداشتند، شاید بعضی‌ها تصریح هم می‌کردند، بعضی‌ها تصریح نمی‌کردند. کسانی که این انقلاب را قبول دارند، امام و اسلام را قبول دارند؛ و برای این ارزش‌ها هزینه کردند که باید تعریف دقیقی از حکومت اسلامی و از اسلام داشته باشند. قرائت درست از اسلام به‌عنوان یک مکتب و ایدئولوژی و تمدن، مسئله بسیار مهمی است. نماز و روزه و مسائل عبادی، بخش مختصری از اسلام است و جایگاه آن مشخص است. بخش وسیعی از اسلام، مفاهیم اجتماعی و سیاسی و مدنی و مدیریتی اسلام است. این مفاهیم چگونه در این نظام و در این مکتب تعریف می‌شوند؟ جایگاه فرد کجاست؟ و نسبتش با بقیه مسائل چیست؟

۱ - سخنرانی در جلسه مسئولان اجرایی قوه قضائیه ۷۹/۲/۲۵

ارتباط میان این مقوله‌های مختلف و ابعاد مختلف، به نظر من از مسائل اصولی و پایه‌ای فرهنگی و فکری است. باید این مسائل مطرح شود و توضیح داده شود و ابعاد آن مشخص شود، تا این مبانی مشخص نشود، این مشکلات فرهنگی که گاهی منجر به تنش، اختلاف نظر، و حتی بحران در جامعه ما می‌شود، خواهد بود. وقتی این دیدگاه‌ها که مربوط به اصل اسلام است روشن نباشد هم آن جمودها ممکن است در یک طرف شکل بگیرد و هم در طرف دیگر ممکن است به انحراف‌های فکری و التقاط‌ها و نادیده گرفتن یا کم رنگ دیدن برخی از بخش‌های اصلی اسلام منجر شود و مشکلاتی از نظر فرهنگی، سیاسی، عملی، اداری و اقتصادی در جامعه ایجاد کند.

اصل قبول این قرائت از اسلام که اسلام یک نظام فراگیری است که همه چیز در آن هست، حکومت و سیاست و اقتصاد و مدیریت در آن وجود دارد، و با همه نیازهای ثابت و متغیر و متحول بشری سازگار است. تحول هم در آن هست و برایش قانون و حکم و سیستم و سیاست قرارداد است. ایشان می‌فرمایند همه این‌ها در خود اسلام است و اسلام، عنوان جامعی است که همه آن عنوان‌ها را دربر می‌گیرد و واقعاً هم همین‌طور است. آن چه که گفته می‌شود، تفصیل همان عنوان اجمالی است که اسمش اسلام است؛ ولی استنباط این تفصیل از آن عنوان، همان فکر صحیح و برتر یک عالم و دانشمند اسلامی است. این یک اصل است، کسانی

که انقلاب را قبول دارند باید این اصل را نیز قبول داشته باشند و این‌ها را به نحو یک کلّ به هم پیوسته و به نحو یک واجب ارتباطی قبول داشته باشند نه تک تک و جدای از هم، اگر نماز را یک رکعت بخوانی و رکعت دوم را نخوانی در حقیقت هیچ کاری نکرده‌ای، اگر کسی بگوید آزادی‌اش را قبول دارم، ولی ایمانش را قبول ندارم یا مثلاً فلان بخشش را قبول دارم؛ تحولش را قبول ندارم، سیاستش را قبول ندارم؛ ولی مثلاً اعمال فردی و احکام شخصی‌اش را قبول دارم، مسائل عبادی و شخصی مثل، طلاق و ازدواج و ارشاد و غیره اینها را قبول دارم؛ اما حاکمیت و سیاست را از دین اسلام نمی‌دانم، این چنین کسی در واقع اسلام حقیقی را قبول ندارد. این موضوع که ایشان فرمودند «دین یک کلّ به هم پیوسته است و همه را با هم بایستی قبول کرد»، در حقیقت برگشت به همین نکته است. این نکته بسیار مهمی است که ایشان به آن اشاره فرمودند و در عمل هم بایستی کسانی که خود را معتقد به انقلاب می‌دانند، مجموعه عناصر دین را به‌عنوان یک شیء واحدی قبول کنند.

کسانی که اصل انقلاب، امام، نظام اسلامی، فهم و قرائت امام و علمای روشنگر اسلامی را قبول دارند، باید این موضوع‌ها را مرز قرار دهند، قبول این امور را مرز خود با دیگران قرار دهند. مرز خودی و غیرخودی را هم که ایشان مطرح می‌کردند، همین بود، این مرزها بایستی مشخص شود و گروه‌هایی که در درون نظام‌اند

و اصل اسلام و امام علیه السلام و این ارزش‌ها را قبول دارند باید به این مرزبندی پای‌بند باشند.

اختلاف سلیقه‌هایی می‌ماند که ممکن است در درون خود این مجموعه‌های نظام و انقلاب وجود داشته باشد که معمولاً این اختلاف‌ها به اختلاف‌های اساسی و مبنایی نسبت به برداشت از اسلام، بر نمی‌گردد؛ بلکه به بعضی از روش‌های اجرایی برمی‌گردد، که مربوط به بخش تحوّل‌پذیر و متغیر یک نظام اسلامی است.

سیستم‌های اجرایی، از اموری‌اند که در چارچوب اصل اسلام، ممکن است در شرایط زمانی و مکانی و مناسبات اجتماعی متفاوت، تغییر کند. این‌گونه امور در اسلام به خود مدیریت اسلامی واگذار شده است که او با استفاده از کارشناس‌ها و خُبره‌های متخصص، تصمیم‌گیری مناسب کند. شهید صدر علیه السلام در کتاب اقتصادنا از این بخش تعبیر کرده است به «منطقه الفراغ»، بعضی این تعبیر را درست درک نکرده‌اند و گفتند منطقه الفراغ وجود ندارد و برای هر چیزی حکمی است. درست آن است که منطقه الفراغ به معنای فراغ از حکم نیست، بلکه خود این هم یک حکم اسلامی است که برخی از قلمروها را در اختیار حاکمیت اسلامی و ولی‌امر قرار داده است که او با توجه به شرایط زمان و مکان و مناسبات اجتماعی، حکم مناسب صادر کند. چون این بخش‌ها طبیعت متغیر و متحول و متکامل دارد و مانند سیاست‌هایی که یک فرمانده اسلامی در جبهه

جنگ اختیار می‌کند، اصل جهاد یک حکم ثابت اسلامی است، ولی حالا در این شرایط باید بجنگیم یا صلح کنیم، در جنگ این‌گونه وارد شویم یا آن‌گونه، همه این‌ها سیاست و تشخیص می‌خواهد، تشخیص این امور و اتخاذ سیاست مناسب در آن‌ها، به مدیریت و فرماندهی جنگ واگذار شده است. چون طبیعت این کار، طبیعت متغیری است و در هر شرایطی به شکلی در می‌آید. شهید صدر، این بخش را تعبیر می‌کند به قلمرو منطقه الفراغ یعنی قلمرو آزاد یا قلمرو احکامی که به حاکمیت اسلامی واگذار شده است. مشخص کردن اینکه در اسلام دو نوع احکام وجود دارد، چون دو نوع نیاز در بشر هست. یک دسته، نیازهای ثابتی است که از ابتدای خلقت حضرت آدم تا آخرین فرد انسان وجود دارد، این نوع نیازها، احکام ثابت را ایجاد می‌کند. بخش دیگر قلمرو نیازهای متغیر انسان است طبیعت این نیازها متغیر و متحول است، این نوع از نیازها، مقتضی احکام متغیر است. قلمرو منطقه الفراغ، قلمرو این نیازهای متغیر و احکام متغیر است. این فراغ به معنای نبودن حکم نیست، این خودش یک حکم است؛ ولی حکمش این است که حاکمیت اسلامی و ولی امر این قسمت را، نظام و احکام و الزام‌ها و محدودیت‌های آن یا شکل اجرایی آن را مشخص می‌کند.

در مورد گروه‌ها، احزاب، جناح‌ها یا دو جناح اصلی باز صحبت‌های ایشان بسیار مهم است. از بین بردن یا کم‌رنگ کردن مرزها، چون عرض کردم اختلاف‌ها بیشتر به شکل و شیوه‌های

اجرایی برمی‌گردد، اختلاف‌های مبنایی نیست. ممکن است در بعضی موارد اختلاف مبنایی هم وجود داشته باشد که آن در نتیجه روشن نبودن تعبیرها و تعریف‌هاست، اما در بیشتر موارد، اختلافات برمی‌گردد به این منطقه الفراع‌ها و قلمرو موضوع‌های متحوّل و متغیر اسلام، اختلاف بر سر این است که در مقام اجرا، کدام شیوه بهتر است، کدام آنفع و اصلح است. اصل این بینش که اختلاف‌ها بر سر اصول نیست، بلکه سر سیاست‌های اجرایی است؛ بخصوص در مسائل اقتصادی که مشخص است در اصول ارزش‌ها و مبنایی ثابت اصل مکتب اسلام اختلاف نیست، موجب می‌شود خیلی از این اختلاف‌ها قهراً کم شود یا اگر هم اختلاف بماند؛ اختلاف در حدّ دشمنی، تنش و بحران نخواهد بود، بلکه در حد اختلاف نظر خواهد بود؛ مثل خیلی از اختلاف نظرها که پیدا می‌شود. البته بعضی از اختلاف‌ها هم ممکن است علت‌ها و و مناشی نفاسانی داشته باشد که علاج آن‌ها به گونه‌ای دیگر است.

ترور و تروریسم ایدئولوژی ما نیست

قبل از پیروزی انقلاب و در دوران نهضت بارها کسانی از امام می‌خواستند که اجازه ترور و اقدام قهرآمیز دهد، اما امام علیه السلام می‌فرمود جایز نیست. از ابتدا موضع گیری‌های امام علیه السلام در قبال کارهای خلاف مشخص بود که در اسلام حتی برای رسیدن به هدف صحیح این کارها پذیرفته نیست. بعد از انقلاب هم که خود

انقلاب مبتلا شد به نیروهای معاندی که از شیوه ترور علیه مسئولان نظام استفاده می کردند، باز رهبری عالم و تربیت شده دست ائمه اطهار علیهم السلام اجازه نداد که با همین شیوه با آنان مقابله شود. از امتیازات انقلاب ما این است که در عین ایستادگی در مقابل ظلم آمریکا و مستکبران، التزام کامل به ارزش های اسلامی دارد و هیچ گونه ترور و اعمال انحرافی خشونت بار را که خلاف نظر اسلام است اجازه نمی دهد. این هم یکی دیگر از درس های انقلاب اسلامی است و تاثیر خود را در جهان اسلام و بر گرایش های اسلام خواهی و مقابله با ظلم و استکبار آمریکا، خواهد گذاشت و به جهان اسلام فهماند که شیوه های مبتنی بر ترور و خشونت، شیوه های نا صحیحی در اسلام خواهی است.

مردم سالاری در اسلام و تفاوت آن با دموکراسی غربی^(۱)

جامعه اسلامی جامعه ای است که مردم آن در فعالیت های سیاسی و اجتماعی احساس پویایی می کنند. در این مورد باید از مولا امیرالمؤمنین علیه السلام سرمشق بگیریم، در چهار سال حکومت مولا، با رهنمودها و روش حکومتی و مدیریتی امیرالمؤمنین علیه السلام چقدر مردم به شکل فعال در همه مسائل شرکت داده می شدند تا جایی که سرنوشت جنگ صفین، که برای جامعه اسلامی سرنوشت ساز

۱ - سخنرانی در گلستان شهدای اصفهان ۷۹/۸/۲۹

بود به مردم سپرده شد. وقتی مردم مسئله حکمیت را هرچند به اشتباه مطرح کردند، امام علیه السلام برای اینکه آن‌ها را در این تصمیم‌گیری شرکت دهد، مسئله تحکیم را که مردم می‌خواستند قبول کردند. البته امام علیه السلام، در تبیین مسئله فرمودند: اگر درست تدبیر نشود، افراد خوبی انتخاب نشود، ممکن است برخلاف مصالح اسلام، تصمیم گرفته شود. همین‌طور هم شد و همان مطلبی را که امیرالمؤمنین علیه السلام از آن نگران بود و خوف آن را داشت، واقع شد، ولی بالاخره نشان می‌دهد که امیرالمؤمنین علیه السلام دنبال این بود که مردم را در مسائل مهم به شکل فعال، مشارکت دهد و مسئولیت‌پذیر کند. کیفیت بسیج‌کردن و دعوت مردم برای بسیج شدن به طرف دشمن و بسیاری مسائل دیگر در سیره و سلوک مولا هست. در همان چهار سال حکومت‌شان که نشان می‌دهد تدبیر حاکمیت اسلامی این است که مردم را به صحنه بکشد و مردم خودشان تصمیم بگیرند، مشارکت داشته باشند، مشاوره بدهند، نقش داشته باشند. چون با مشارکت حقیقی در امور، البته در سایه هدایت‌های رهبری آگاه و حکیمانه، هم رشد فکری و فرهنگی و اجتماعی می‌کنند و هم از نظر دینی به مقامات عالی‌سیر و سلوک و عمل می‌رسند.

ارزش‌های معنوی یکی از بهترین شیوه‌های مشارکت مردم است، ایمان به این معنویات مردم را خیلی راحت به طرف مسئولیت‌پذیری، دفاع از اسلام و جنگ با دشمنان اسلام، تحمل هرگونه سختی و انجام هرگونه مسئولیت بزرگ و سنگین بسیج

می‌کند. خود امام هم جلودار بوده است، در مقابله با دشمنی معاویه که گفته بود به بعضی از اطراف قلمرو حاکمیت امیرالمؤمنین علیه السلام حمله می‌کند، امام علیه السلام در خطبه‌ای می‌فرماید: اگر هیچ‌کس نیاید خودم تنها می‌روم. می‌گویند امام بعد از این خطبه که مردم را بسیج کرد، پیاده به طرف جایی که خارج از کوفه پادگان زده بود به راه افتاد و فرمود اگر نیاید من خودم تنها پیاده می‌روم.

در این موارد، حفظ حالت پویایی جامعه اسلامی و مشارکت کردن در مسائل اساسی به‌ویژه آن چه مربوط به حفظ اسلام و حاکمیت اسلامی است، مسئله بسیار مهمی است؛ بحمدالله در قوانین ما هم تا حدودی پیش‌بینی‌های لازم در جهت حراست از اسلام و انقلاب و مقابله با دشمنی‌های گوناگون، تحقق بخشیدن به امنیت‌های لازم در جامعه از جمله امنیت فرهنگی و اقتصادی، انجام گرفته است. در سازمان و ساختار اجرایی هم باید این قابلیت‌ها دیده شود، ساختار اجرایی هم باید به‌گونه‌ای باشد که بتواند این امور را در جامعه سامان‌دهی و ایجاد کند.^(۱)

دشمنان اسلام که با حاکمیت اسلام و نظام اسلامی دشمنی دیرینه دارند از این وحشت دارند که اسلام بتواند الگو و نمونه‌ای از نظام سیاسی را به دنیا تقدیم کند که علاوه بر مزایای مردم سالاری، امتیازات معنوی و مبانی مستحکم اعتقادی نیز داشته باشد.

۱ - دیدار با اعضاء ستاد انتخابات کشور ۸۰/۳/۲۴

چنین الگویی می‌تواند در جهان موفق شود، لذا آن‌ها دنبال آن هستند که طرح مردم سالاری دینی را بکوبند و در آن شبهه ایجاد کنند، موفقیت‌های چشم‌گیر نظام اسلامی را بزرگ و تاریک و مشکلات کوچک را بزرگ جلوه دهند. در چنین وضعی، حفظ دست‌آوردهای انقلاب اسلامی وظیفه بسیار ارزشمند و خطیر همه مسئولان است.

مردم سالاری که در اسلام آمده است با دموکراسی غربی فرق‌های ماهوی و اساسی دارد. مردم سالاری غربی چون انسان را در محدوده‌های غرایز و هوا و هوس‌های نفسانی تعریف می‌کند، بی‌مبنا و از جنبه‌های معنوی خالی است و منتهی به نفی مردم سالاری می‌شود. برخلاف مردم سالاری دینی که بر مبنای ارزش سالاری استوار است، به این معنا که در اسلام ابتدا مبنای کل باورهای انسان تعریف می‌شود که انسان چگونه موجودی است؟ چگونه باید زندگی کند؟ چگونه می‌تواند حقایق وجودی را درک کند و مبدأ و منتهای حیات خود را تشخیص دهد؟

بر اساس چنین تعریفی از انسان که در معارف اسلامی و آیات نورانی قرآن آمده است و فطرت پاک انسان نیز به آن ایمان دارد، ارزش‌های انسانی و فضایل اخلاقی تعریف می‌شود. این ارزش‌ها مبنای منطقی و علمی مردم سالاری اسلامی است، پس در حقیقت ارزش سالاری مبنای مردم سالاری اسلامی

است. اسلام، اول مردم را می‌سازد و باورهای درست را به آن‌ها می‌آموزد و آن‌ها را از نظر فکری و فرهنگی از هرگونه بندگی و ظلمت و جاهلیت و جهالت آزاد می‌کند، معارفی را که فطرت پاک انسانی در جست‌وجوی آن است و مسیر زندگی انسان را در دنیا مشخص می‌کند، در اختیار آن‌ها می‌گذارد و بدین‌وسیله غبار و زنگار ظلمت و جاهلیت را از انسان می‌زداید و او را به مراتبی از اخلاق و معنویت می‌رساند و عدالت‌جویی و صدق و امانت و وفا و ایثار و دیگر فضایل عظیم اخلاقی و معنوی را در مردم ایجاد می‌کند، سپس این مردم را سالار بر امور خود می‌کند. مردم سالاری اسلامی با این اوصاف و خصوصیت‌ها تحقق می‌یابد. اگر آن را با دموکراسی امروز غرب مقایسه کنیم، می‌بینیم در آن جا مردم سالاری و آزادی فاقد مبنای معنوی و بی‌توجه به نیازهای فطری و همه‌جانبه انسان است و فقط در بخش حاکمیت و در بُعد سیاسی جامعه ادعای مردم‌سالاری می‌کنند. این مردم‌سالاری همان‌طور که گفته شد، چون تهی از مبانی ارزشی و معنوی است و با هر رنگی و هر ایده‌ای می‌سازد؛ زمینه حاکمیت هر فکر پلید و ظالمان‌های را هم با عنوان مردم‌سالاری و آزادی فراهم می‌کند. چون در مبنای آن هیچ ضابطه‌ای اخذ نشده است، فقط مردم سالاری سیاسی یا آزادی سیاسی ذکر شده است. خود آزادی و مردم سالاری سیاسی دستاویز و ابزار سوءاستفاده و تزویر سیاسی کاران و قدرتمندان و صاحبان سرمایه می‌شود.

دلیل روشن این ادعا، وضعی است که امروز در جهان می‌بینیم. در قرن معاصر دیدیم که آزادی و دموکراسی غرب برای بشریت و مردم جهان چه به ارمغان آورد.

ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌ها و جنگ و کشتارها و زورگویی‌هایی که در این قرن شده است در هیچ عصری از تاریخ بشر نشده است. در این قرن دو جنگ جهانی درگرفت که تنها در یکی از آن‌ها حدود شصت و پنج میلیون نفر کشته شدند. شهرهای عظیمی نابود و ویران شد، ثروت‌های کلان از بین رفت، سرزمین‌های بسیاری به‌بند استبداد و استعمار کشیده شد؛ ثروت ملت‌های مظلوم آفریقا و آسیا سال‌های طولانی ربوده شد و به شکل‌های گوناگون به وسیله شرکت‌های استعماری به آمریکا و اروپا انتقال داده شد، تمام دنیا را بین سه کشور قلدر استعمارگر تقسیم کردند. این دو جنگ به سبب دعوای همین چند کشور بر سر حاکمیت بر دیگر کشورهای جهان درگرفت.

دولت‌های استعمارگر انگلیس و فرانسه و پرتغال و آلمان و آمریکا، در تقسیم کردن کشورهای مظلوم میان خود به دعوا برخاستند و دو جنگ جهانی را برپا کردند، ظلمی از این بالاتر! سپس برای خاتمه دادن به جنگ، تشکیلات سازمان ملل را برپا کردند و شعار دموکراسی را به راه انداختند، هدف آن‌ها حفظ حرمت و حقوق مردم مستضعفی نبود که در بند اسارت‌شان بودند،

بلکه برای منافع خودشان بود و استفاده بیشتر از ثروت‌هایی که به یغما برده بودند.

از آن جا که دشمنان نظام اسلامی با شایعه پراکنی به دنبال آنند و انمود کنند در کشورهای که مطابق میل آن‌ها حرکت نمی‌کنند، مشارکت مردمی و دموکراسی وجود ندارد، لذا در این شرایط، شرکت گسترده و پرشور مردم در مراسم‌ها، همه این تبلیغات مسموم را خنثی نموده، پاسخ کوبنده‌ای به این یاوه‌گویی‌های دشمنان خواهد بود.

حضور مستمر مردم در صحنه‌های مختلف با توجه به بیداری اسلامی باعث دلگرمی مسلمانان بویژه جوانان کشورهای اسلامی است.

مرزهای مردم سالاری دینی و مقایسه آن با دموکراسی غربی

قیود و یا چهارچوب‌هایی را که اسلام در مردم سالاری دینی و اسلامی در مقابل دموکراسی غرب مطرح می‌کند به این شرح است:

۱ - انسان سالاری: در اسلام، آزادی داده شده است، ولی برای آن حد قرار داده شده و آن انسان سالاری است، یعنی در اسلام، انسان و کرامت انسان، برتر از عوامل دیگر دیده شده است. اصل، کرامت انسان است، از این رو اگر آزادی شکلی و قانونی طوری مورد استفاده و دستاویز گروه‌ها یا افرادی در جامعه قرار گرفت که بخواهد به کرامت انسانی آسیب بزند، بخواهد اصالت انسان را

محدود کند و نقش عوامل مادی دیگر را تقویت و آن‌ها را حاکم کند؛ این آزادی مورد قبول نیست.

۲ - ارزش سالاری: مردم سالاری اسلامی، در چهارچوب ارزش سالاری است، به این معنا که ارزش‌های اصلی اسلام، عدالت اجتماعی، حفظ حقوق عامه، عدم تبعیض در جامعه، نفی ظلم و ستمگری، این ارزش‌هایی است که از اصول اهداف و آرمان‌های اصلی اسلامی و الهی است که همه انبیاء و اولیاء در تاریخ ممتد بشری، دنبال این بودند و عمر خود را صرف احیا و پیاده کردن این ارزش‌ها در جوامع بشری کردند. آن‌چه از عدالت و دیگر ارزش‌ها در مکتب‌های دیگر وجود دارد، در حقیقت ریشه‌های اصلی‌اش در همان مکتب انبیای الهی بوده است، گرچه خیلی از این مکتب‌های بشری، نمی‌خواهند این را بپذیرند، اما واقعیت است و این در بحث‌های فلسفه تاریخ قابل اثبات است. این‌ها در نظام مردم سالاری دینی بر مسائل دیگر مقدم است، یعنی هر جا آزادی شکلی و قانونی که به معنای بی‌قیدی است، منجر به ضربه زدن به این ارزش‌ها شود، محدود می‌شود. آزادی که بخواهد عدالت اجتماعی را از بین ببرد، آزادی که بخواهد اصل ارزش‌های اسلام را از بین ببرد، آزادی که بخواهد ایمان به خدا را در جامعه از بین ببرد، مورد قبول نیست. چون شرک کفر به خدا، ظلم بزرگی است؛ قطع نظر از جهل و ظلمت فکری

و اعتقادی، ظلم بزرگی است، ﴿إِنَّ الشَّرَّكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾^(۱) این آیه ظاهراً تعبیر لقمان است به پسر خود.

شرک به خدا، انکار خدا، جهل به وجود مقدس خدا بزرگترین ظلم است، آثار ظالمانه ای در حرکت و سلوک انسان خواهد داشت. پس ارزش سالاری یک حدی است برای مردم سالاری، قیدی است که بایستی مراعات شود.

۳ - هدفمندی: حد سوم هدفمند بودن مردم سالاری و آزادی در نظام اسلامی است. یعنی به این آزادی جهت داده می‌شود، نه بی‌جهت، نه خالی از محتوا، آزادی وجود دارد تا انسان‌ها از این آزادی استفاده کنند و به سوی تکامل بروند، چون تا آزادی و اختیار نباشد و انتخاب و آزادی انتخاب نباشد انسان رشد نمی‌کند و به کمال نمی‌رسد. یکی از شرایط تکامل، آزادی است و در مردم سالاری دینی و اسلامی آزادی هدفمند است، به این معنا که هدف از این آزادی آن است که جامعه با تکیه به اختیار و انتخاب خود، و گزینش راه تکامل، به سمت جامعه متکامل اسلامی برود. انسان در دید اسلام دارای تعریف، جایگاه و منزلت خاصی است، کمالاتی برای این موجود نسبت به سایر مخلوقات خدا دیده شده است. این کمالات که برخی مربوط به فرد انسان و برخی مربوط به جامعه انسانی است، باید شکوفا شود؛ این راه بسیار بلند و والاست

۱ - سوره لقمان، آیه ۱۳.

و مراحل زیادی دارد. در جامعه اسلامی آزادی به این هدف تأمین شده است که این جامعه رشد کند، ارتقا یابد؛ سطح معلومات و فضایل و کمالات مردم، اراده و تعهد و معرفت مردم، را بالا ببرد، دانش و بینش اجتماعی و سیاسی مردم را افزایش دهد. این معنای هدفمند بودن آزادی است. اگر جایی آزادی به این هدف آسیب برساند یا در راستای این هدف عالی قرار نگیرد، باز این چهارچوب می‌گوید آزادی را بایستی به گونه‌ای هدایت کرد و جهت داد که بر خلاف مسیر تکاملی انسان‌ها، سیر نکند، و مایه انحطاط انسان‌ها و منشأ بازماندن از کمالات انسانی و افتادن در ورطه رذایل نباشد و منشأ عقب افتادگی معنوی نشود. آزادی، باید منشأ جلو رفتن و شتاب در حرکت تکاملی جامعه و هدف‌های بزرگ و بلند باشد.

۴ - مشارکت فعال مردم توأم با مسئولیت‌پذیری: یکی دیگر از چهارچوب‌های مردم‌سالاری در اسلام، مشارکت فعال مردم همراه با مسئولیت‌پذیری آن‌هاست. در نظام اسلامی و در مکتب ما، آزادی داده شده است، اما با این چهارچوب. آزادی تنها آزادی انتخاب نیست که بعد مردم کنار بنشینند و مسئولان کار را انجام دهند. در دموکراسی غرب، مردم مسئولان و مدیران سیاسی را انتخاب می‌کنند و بعد هم همه کارها را به مسئولان می‌سپارند و خود کنار می‌نشینند، این نیز مورد قبول نیست. در مردم‌سالاری دینی مشارکت بالفعل مردم وجود دارد، مردم در مسئولیت‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی حتی در بخش‌های کلان که مربوط

به حاکمیت است، مشارکت بالفعل و جاری دارند. شکل مدنی و اجتماعی اعمال این مشارکت باید این‌گونه باشد که خود جامعه این کارها را انجام دهد. همان‌گونه که در آیات قرآن به آن اشاره شد، جامعه، حق و قسط را برپا می‌کند؛ مردم امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، مردم اقامه حدود می‌کنند؛ مردم اقامه قسط و عدل می‌کنند، این‌ها کارهای حکومت است، ولی از طرفی هم کار مردم است؛ چون مردم در انجام دادن آن‌ها، شرکت فعلی دارند. این هنر مدیریت اسلامی است که بتواند این چهارچوب چهارم را که در مردم سالاری دینی و اسلامی است، احیا کند.

آزادی واقعی خواسته‌ی اصلی مسلمانان^(۱)

مردم سالاری اسلامی و دینی فقط مسئله آزادی رأی و انتخاب نیست که امروز در دموکراسی‌های جهان مطرح است، امروز مردم سالاری غربی و دموکراسی در طرح عنوان آزادی در حیطه قلمرو مسائل شخصی و آزادی در رأی و انتخاب در مسائل سیاسی خلاصه می‌شود، آن هم در حد یک آزادی صوری و شکلی که عملاً در بخش آزادی‌های شخصی به بی‌بندوباری، منتهی شده است. در بخش سیاسی هم آزادی انتخاب و آزادی رأی به اسارت عوامل ضعیف‌تر به دست عوامل قوی‌تر در جامعه منتهی می‌شود.

۱ - سخنرانی در جمع مربیان بسیج ۷۹/۱۱/۱۵

ما می‌بینیم، کسانی که قدرت و پول و نفوذ کلمه بیشتر، داشته باشند، از این قدرت‌ها استفاده می‌کنند و برنده انتخابات و حاکم بر مردم می‌شوند. آزادی شکلی و قانونی فقط به‌عنوان یک قانون و یک اصل حقوقی مطرح شده است و فارغ از هر محتوای دیگری است، از همین آزادی برای به‌بند کشیدن آرای مردم استفاده می‌کنند. از این‌رو مشاهده می‌کنید که در جهان دموکراسی چگونه آن احزابی که پشتوانه پولی بیشتری داشته باشند، پیروز می‌شوند.

از آن‌جا که آزادی شکلی است و هیچ محتوایی در آن بیان نشده است، کسانی که عوامل مادی و اجتماعی و سیاسی نیرومندتری در اختیار داشته و قدرت مالی بیشتر داشته باشند؛ با تکیه بر این عوامل قوی‌تر، آرای آزاد را هم به‌طرف خود جلب می‌کنند. اینجاست که ما می‌گوییم این قبیل آزادی‌ها، آزادی شکلی است نه آزادی واقعی، کسی که گرسنه است، کارگری که از نظر مالی نیاز دارد؛ وقتی می‌بیند به او پول داده می‌شود برای رأی دادن به نامزد خاصی، رأی می‌دهد. این شکلاً آزاد است و از نظر قانونی با اختیار خودش رأی داده است، ولی این در حقیقت لباً و جداً اسیر است؛ این اگر نیاز نداشت به پولی که به او داده می‌شد، به این شخص رأی نمی‌داد به شخص دیگری رأی می‌داد. این ناچار است به این رأی دهد، چون محتاج به این پول است از فقر و جهل او استفاده شده است. این‌ها رانت‌های گوناگونی است که در دموکراسی‌های امروزی جهان، آزادی شکلی را حفظ می‌کند، اما آزادی واقعی و حقیقی و

محتوایی را از دست می‌دهد، این در حقیقت آزادی نیست، بلکه تأثیر عوامل مادی دیگر است بر این انسانی که می‌خواهد آزاد باشد، بله از نظر قانونی می‌گویند تو به اختیار خود آمدی، ولی با این وابستگی مادی یا وابستگی گروهی یا وابستگی کاری که دارد مگر می‌توانست نرود، این مردم سالاری، اسم و شکل و ظاهر قانونی آن مردم‌سالاری است؛ اما محتوای آن اسارت انسان‌هاست، چون تنها در بی‌قیدی قانونی خلاصه شده است.

در مردم‌سالاری اسلامی مشخصه‌های زیادی است که شاید از نظر شکلی گفته شود یک نوع محدود کردن و مقید کردن آزادی است، ولی در حقیقت چارچوب قرار دادن برای آزادی قانونی است و شکلی است تا محتوای آزادی حفظ شود. تا مردم در جامعه اسلامی، آزادی واقعی خودشان را داشته باشند. وقتی رأی می‌دهند به نظر خودشان رأی دهند، وقتی انتخاب می‌کنند براساس بینش و اطلاع انتخاب کنند نه براساس فشار مالی و گروه سیاسی و عوامل دیگر. اسلام چارچوبی را در مردم‌سالاری دینی قرار داده، که گرچه از نظر شکل و منظر در بحث حقوقی شاید تصور شود که یک نوع محدود کردن آزادی به معنای بی‌قید و بندی است، ولی این قید و این چهارچوب، حافظ خود آزادی حقیقی است.

این را هم باید قبول کنیم که در قانون اساسی همه چیز راجع به حقوق مردم هست ولی همه‌اش می‌بینیم که قید خورده به مشروع. رأی مردم، اصل اسلام را حاکم کرده بر تمام اصول دیگر، ما هیچ

اصلی در اصول قانون اساسی نداریم که بر اصول دیگرش حاکم باشد، الا این اصل. در این اصل که بر همه اصول دیگر حاکم است ذکر شده است که هیچ قانونی مخالف اسلام نباید باشد، نه اساسی و نه غیراساسی. قانون اساسی ما هم بر همین اساس تنظیم شده و مشخص است و هرکسی که قانون اساسی را بخواند، می‌بیند که محور اصلی در این قانون اساسی، اسلام و مکتب اسلام است و احکام قرآن و مبانی اعتقادات اسلامی است. بر این اساس ما باید قبول کنیم که در همه مسایل کشور چه در قانونگذاری و چه در امور فرهنگی و سیاسی و چه در سیاست‌های اجرایی و مدیریتی، نباید دنبال این باشیم که در دنیا چه کاری کرده‌اند و ما هم همان کار را انجام دهیم و بعد ببینیم که آن‌جا چطوری توجیه می‌کنند و همان توجیه را هم ما در قوانین خودمان وارد کنیم و یا به مقولات فرهنگی و سیاسی خود سرایت بدهیم، این تفکر بسیار غلطی است. ما باید محور اسلام را حفظ کنیم و آن وقت بیاییم دستاوردهای دنیا را به عنوان یک تکنیک، یک روش و یک قالبی که در شرایط امروز، منفعی دارد و رفاهی را ایجاد می‌کند سبک و سنگین کنیم و ببینیم با مبانی اسلامی ما سازگار است یا سازگار نیست، اگر سازگار بود - که البته خیلی از آن‌ها سازگار است - از آن‌ها استفاده کنیم. در عین حال آن را به رنگ اسلام درآوریم و به رنگ خود آن‌ها نیاوریم شکل اسلامی به آن بدهیم و البته بردن این قالب‌ها در چارچوب اسلام باز یک کار دقیق لازم دارد. مسأله ساده‌ای هم نیست، ما باید این قالب‌ها

و روش‌ها و تکنیک‌ها را با محتوای تعالیم اسلام تطبیق دهیم و تلفیق کنیم. آن وقت است که ما هم برکات اسلام را خواهیم داشت و هم از تکنیک و قالب‌های روز استفاده کرده‌ایم^(۱).

البته این را هم به شما عرض کنم که آزادی در غرب هم تزویر است، یعنی آن‌ها هم تعبیرهای دروغین از آزادی می‌کنند؛ جایی که مصالح‌شان به خطر بیفتد، آن‌جا نه اهل قلم، نه اهل علم و نه دانشمند می‌شناسند. مگر در فرانسه، دانشمند بزرگی مانند روزه گارودی را محکوم نکردند؟ آن‌ها هم به جرم این که او با یک تحقیق کامل و دقیق تاریخی و اجتماعی، یک دروغ تاریخی صهیونیست‌ها را افشا کرد. روزه گارودی یک فیلسوف و یک استاد بزرگ معاصر است. مگر در فرانسه دختری را که با چادر می‌خواست به مدرسه برود جلوی‌ش را نگرفتند؟ آن‌ها ادعای آزادی هم دارند، اما جاهایی که منافع‌شان به خطر می‌افتد و هویت حکومت‌شان به خطر می‌افتد دست به هر کاری می‌زنند. آن‌ها هم دنبال منافع حکومتی هستند و نه مردمی لذا می‌بینیم این طوری مردم را می‌گیرند و محکوم‌شان می‌کنند و به زندان‌شان می‌برند. روزه گارودی اهل قلم و فکر و اندیشه است، او یک فیلسوف و استاد بزرگ معاصر است.

مقصود من این است که ما یک چارچوبی داریم و نباید از این چارچوب بیرون برویم، باید این چارچوب را مبنا قرار بدهیم. در

۱ - دیدار با هیأت منصفه مطبوعات ۷۸/۹/۲۴

قانونگذاری هم بایستی همین مبنا منظور نظر باشد؛ این محور را ما خدای ناکرده کمرنگ نکنیم چون کمرنگ کردن این محور به تدریج منجر به نفوذ دشمن و ضربه خوردن انقلاب و اسلام، به دست خودمان می‌شود. پس با آن عناوین فریبنده‌ای که مطرح می‌کنند مثل آزادی قلم و امثال این‌ها، نباید خدای ناکرده هویت خودمان را از دست بدهیم؛ این یک مسأله است که بایستی در نظر گرفته شود.

این بحث‌های سیاسی که در مملکت ما باز شده، خوب است ولی نباید باعث شود که قضیه اصلی را گم کنند و ما هم در تحلیل‌های خود آن را گم کنیم. این انقلاب نه برای این تشکل‌ها و این اسم‌ها بوده و نه برای این عناوینی که توی خیلی از مطبوعات مطرح می‌شود و نه برای این‌که ما برسیم به جامعه اروپایی. قطعاً چنین نیست و نخواهد بود، این مملکت و این مردم، اسلامی هستند، اسلام جزو ذات‌شان است، اسلام را با شیر مادر خوردند و تا پای مرگ هم این اسلام را دارند. تاریخ این ملت هم همین بوده است^(۱).

علاقه مندی ملت‌های اسلامی و مردم مستضعف در منطقه و جهان به انقلاب اسلامی^(۲)

ایمان به اسلام و ولایت، مبنای سعادت‌مندی است که زیر بنای

۱ - دیدار با هیأت منصفه مطبوعات ۷۸/۹/۲۴

۱ - سخنرانی در مصالای شیراز تاریخ: ۸۲/۳/۶

انقلاب اسلامی ما را هم تشکیل می دهد. این انقلاب با شعار ایمان و ولایت به حرکت درآمد و با دست توانمند امام راحل علیه السلام و رهبری دایمانه ایشان و نیز با پیروی مردم از حماسه عاشورا و شهدای کربلا به ثمر رسید و توانست هرگونه آسیبی را از خود دور کند.

بقا و استمرار نظام اسلامی مرهون ایمان مردم است ایمان به اسلام ناب و احکام حیات بخش آن و نیز ایمان به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که امتداد آن در ولایت ولی امر مسلمین و فقهای عظام تجلی می یابد. اعتقاد به این رکن ضامن بقا و حراست از نظام اسلامی و منشا عزت و عظمت روزافزون این نظام خواهد شد. دشمنان ما به درستی درک کرده اند که علت پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی، بیش و هشجاری و ایمان مردم است که به مشارکت و حضور همیشگی آن ها در صحنه منجر شده است. اعتقاد به این نظام و قداست آن در دل و جان مردم ریشه کرده است چرا که نظام اسلامی ما یک نظام ولایی است، نظامی که در راس آن یک فقیه پاکدامن، مدبر، و شجاع قرار دارد که با رفتار و تدبیر خود نشان داده است که وارث خلف و صالح آن امام بزرگوار است که او هم وارث به حق ائمه اطهار علیهم السلام بوده است. اندیشه ای که پشتوانه این نظام است، در هیچ یک از نظام های مادی و بشری دیگر وجود ندارد و از اسلامیت نظام ما نشات گرفته است و مهمترین عامل حفظ و حراست آن نیز خواهد بود.

با پیروزی انقلاب، منافع مستکبران در منطقه و در کل جهان به خطر افتاد و از این جهت است که آنان همواره در صدد ضربه زدن

به این نظام می‌باشند. امروزه می‌بینند که جهان اسلام در چالش و مبارزه با منافع استکبار است انتفاضه فلسطین و مقاومت جنوب لبنان با الهام از نظام اسلامی ما بر دشمنان پیروز شده‌اند. شکست سیاست‌های شیطان بزرگ در منطقه خاورمیانه، به وسیله انقلاب اسلامی آبروی مستکبران را در کل جهان برده است. آن‌ها می‌دانند که امروز در مقابل نیرویی قرار گرفته‌اند که حاصل فرهنگی غنی است که به تمام جهان الگو می‌دهد و تمام قدرت تسلیحاتی، اقتصادی و سیاسی آن‌ها با این نیرو برابری نمی‌کند^(۱).

متفکران اسلامی و غیر اسلامی کشورهای اروپایی به ما می‌گویند: که شما به جهان ثابت کرده‌اید که قدرت ایستادن در مقابل قدرت‌های جهانی را دارید. همه این‌ها در نتیجه انقلاب اسلامی ممکن شده است و مبنای این پیروزی، همان ایمان به اسلام و ولایت و ایمان به منطق عاشورایی پیروزی خون بر شمشیر است. این تنها یک شعار نیست، بلکه یک اعتقاد است که شما مردم عزیز به آن عمل کرده‌اید. ملت ما بحمدالله این مسایل را احیا کرد و این اندیشه بتدریج رشد کرد تا از مرزهای جمهوری اسلامی فراتر رفت. این تفکر در آن‌هایی که از نظر مذهبی به ما نزدیک تر بودند، زودتر نفوذ کرد و تأثیر گذاشت، چرا که تجربه‌های ما یکی بود.

امروز ما در شرایط ویژه‌ای قرار داریم، کشور ما و انقلاب

۱ - سخنرانی در جمع مردم شاهرود ۸۰/۰۵/۱۸

اسلامی در منطقه و جهان از طرفی در شرایط بسیار خوب و مناسب و با امتیاز و اقتدار و مورد توجه و علاقه ملت‌های اسلامی و مردم مستضعف در منطقه و جهان قرار داریم و از طرفی دیگر در شرایط حساسی هستیم که نشأت گرفته از همان اقتدار و عزت و امتیاز است. امروز بحمدالله دستاوردهایی که این انقلاب داشته و آنچه در طول مدت این دو دهه بر آن گذشته است، این انقلاب و نظام را در جهان به نقطه‌ای رسانده است که هم توانسته جایگاه صحیح خودش را در منطقه و جهان تثبیت کند و هم پیام اصلی این انقلاب را که هدف بزرگ امام بود و بارها بر آن تأکید می‌کردند و در وصیت‌نامه خودشان نیز مؤکداً آن را آورده‌اند به شکل بسیار متین، شفاف، روشن و منطقی به جهانیان برساند و آن روی آوردن به ارزش‌های معنوی و مقابله با طاغوتیان و مستکبران است. امروز بحمدالله این پیام شفاف و رسا در همه جای دنیا و جهان به گوش می‌رسد و اثرات خودش را در منطقه و جهان بر جای گذاشته است. امروز جهان اسلام به حقانیت اسلام و صحت الگوی حکومت اسلامی پی برد و مردم مسلمان عزت اسلام‌خواهی را درک کردند. مردمی که در خواب غفلت بودند و در زیر شعارهای فریبانه دو قدرت شرق و غرب از اسلام فاصله گرفته بودند، اگر هم می‌خواستند کار سیاسی و اجتماعی انجام بدهند، اغلب به احزاب و گروه‌های ساخته و پرداخته شده به دست غربی‌ها و شرقی‌ها گرایش پیدا می‌کردند و در آن چارچوب‌ها کار می‌کردند.

امروز بحمدالله، نظام مقدس جمهوری اسلامی، با پشت سر گذاردن موانع فراوان و با همت مردم عزیز و مومن و انقلابی کشور ما، نظامی مستقل، مقتدر، متکی به ایمان و باورهای دینی مردم سر برافراشته و دیدگان همه جهانیان را به خود دوخته است. این انقلاب مراحل بسیار سختی را پشت سر گذاشته است: گام اول، پیروزی انقلاب بود که به همت مردم عزیز و با رهبری های داهیانه امام راحل و توفیقات غیبی این انقلاب پیروز شد. درگام بعدی، نظام مقدس جمهوری اسلامی بنیانگذاری شد و قانون اساسی براساس احکام نورانی اسلام تدوین و تصویب شد. سپس در مرحله دیگر، نهادهای این نظام مقدس براساس قانون اساسی یکی پس از دیگری تشکیل شد. هر یک از این گام ها بسیار مهم و فوق العاده و معجزه آسا بود. ما چون درکنار این نعمت ها بوده و هستیم به خوبی قدر و ارزش آن ها را درک نمی کنیم. کسانی که از این نعمت ها محرومند، مسلمانانی که در سایرکشورها هستند و علاقه فراوانی به این انقلاب دارند بیشتر از ما قدر این نعمت ها را درک می کنند.

تأثیر انقلاب اسلامی بر ادبیات سیاسی جهان اسلام^(۱)

امروز این تجربه نوپا به همه ملل تحت ستم و مستضعفین جهان، درس آزادگی و استقلال و ایثار و مقاومت می آموزد. می آموزد که

۱ - سخنرانی در جمع مردم استان خوزستان در ورزشگاه تختی اهواز ۷۹/۱۲/۳

انسان چه موجوی است و با چه ارزش هایی و برای رسیدن به چه مقاصدی باید وجود خود را صرف کند. امروز ایده ها و اندیشه های اصیل اسلامی به وسیله این انقلاب به جهان عرضه می شده است. مردم مسلمان و همه مستضعفان جهان که زیر ظلم طاغوت ها و قدرت های استکباری قرار دارند، از این نظام الگو می گیرند. نظام اسلامی که به دست معمار بزرگ انقلاب، امام راحل علیه السلام تاسیس شد امروز به عنوان تازه ترین و موثرترین قیام برای همه مستضعفان جهان مطرح است امروز می بینیم کسانی که در دنیا به عنوان سمبل مقاومت و پیشگام مبارزه با استکبار در دنیا مطرح بودند، به کشور ما می آیند و سر تعظیم در مقابل ملت و رهبری ما فرود می آورند و درس جدید مبارزه با استکبار جهانی را می آموزند. به عنوان مثال افرادی مانند آقای فیدل کاسترو در گذشته سمبل والگویی جوانان ما در مبارزه با آمریکا بوده است او امروز در برابر عظمت این ملت و انقلاب و امام ما سر تعظیم فرود می آورد.

این حرکت عظیم و نورانی که دنیا را مبهوت خود کرده پدیده جدیدی است که برای آنان قابل درک نبوده است آنان فکر می کردند تنها راه مبارزه با سلطه غرب همان راه و روش خود آنان است. امروز مبارزان کهنه کاری مانند فیدل کاسترو با دید عظمت و حیرت به نظام ما نگاه می کنند و اقرار می کنند که این راه جدید و موثرتری است.

اقدامات عظیم ملت ایران در تمام عرصه‌ها تبلیغات صد ساله افکار غربی و شرقی جهان علیه دین را به هم ریخت و حجاب‌هایی را که آن‌ها بین اسلام ناب و فکر فرهیختگان جامعه ایجاد کرده بودند، از بین برد و توانایی و برتری حاکمیت اسلامی را به اثبات رساند. ادبیات سیاسی و فرهنگی جهان اسلام پس از این انقلاب تغییر کرده است، کسانی که با ادبیات سیاسی و فرهنگی جهان اسلام سر و کار دارند می‌دانند پیش از انقلاب چه ادبیاتی رایج بود، چه شعارهایی در کشورهای اسلامی مطرح بود؛ سردمداران و مسئولان کشورهای اسلامی پیش از پیروزی انقلاب چه شعارهایی می‌دادند و از چه ادبیاتی استفاده می‌کردند؟ پس از انقلاب که اسلام عزت دوباره یافت و نور آن، جهان به‌ویژه جهان اسلام را فرا گرفت و فکر و قلب مردم مسلمان و بخصوص نسل جوان را در کشورهای اسلامی به خود جذب کرد و امید آن‌ها شد، ادبیات و شعارها و واژه‌ها و مدخل‌ها و مفاهیم دگرگون شدند.

کسانی که در کشورهای اسلامی تا پیش از انقلاب با دینداری مردم در ستیز بودند، مراکز دینی را می‌بستند، حوزه‌های علمیه را از بین می‌بردند، پس از انقلاب در اثر وضع جدیدی که در جهان ایجاد شد و بازتاب آرمان‌ها و ایده‌های انقلاب اسلامی در جهان اسلام و مخصوصاً در جوانان، سران کشورهای اسلامی نیز مجبور شدند ماسک دین را به چهره بزنند، حتی عنوان خود را تغییر دادند، عنوان

امیر مبدل شد به خادم‌الحرمین الشریفین، در سردرهای دفاترشان، **بسم الله الرحمن الرحيم** نقش بست، شعارشان الله اکبر شد. اینها همه اثرات پیروزی انقلاب ما در جهان است. هیئت‌هایی که از کشورهای اسلامی این جا می‌آیند، می‌گویند ما در پی آن هستیم که مثل شما قوانین کشور خود را با شریعت تطبیق دهیم، ما می‌خواهیم در این باره از تجربه‌های شما استفاده کنیم. این همان تحولی است که ایجاد شده و کار بزرگی است که نه تنها در جهان اسلام، بلکه در کل جهان اتفاق افتاده است و آن آشکار شدن نقش و اهمیت عامل دین در اداره زندگی انسان است و ثابت شد که جوامع بشری نمی‌تواند بی‌نیاز از دین باشد، انقلاب اسلامی از این نظر بر کل جهان، حتی جهان مسیحیت هم اثر گذاشت.

انقلاب اسلامی، وضع موجود و چشم‌انداز مطلوب

این انقلاب در طول سه دهه گذشته با اینکه هشت سال آن مبتلا به جنگ خدمات تحمیلی بود که آن همه خسارت و هزینه داشت، در عین حال توانست خدمات بسیار مفید و چشم‌گیری برای کشور انجام دهد. خیلی کار شده است، اگر چه ممکن است نسبت به عملکرد بعضی از قوا و نهادها، نقد و اشکال وجود داشته باشد، این اشکال به معنای کم کردن قدر انقلاب و نادیده گرفتن خدمات نظام نیست. انتقادی که هست به جهت آن است که ما هنوز به نقطه مطلوب اسلامی و ایجاد عدالت

اسلامی و تحقق ارزش‌ها و هدف‌های بلند و والای اسلامی نرسیده‌ایم. نسبت به این معیارها، کم کار کرده‌ایم و نقص داریم و باید نقص‌ها را اصلاح کنیم، اما اگر بخواهیم کارهایی را که انجام شده و انجام می‌شود چه در قوه مجریه، چه در قوه مقننه، چه در قوه قضائیه، مقایسه کنیم با آنچه که در دیگر کشورهای مشابه شکل گرفته است، قابل مقایسه نیست. من اشراف کامل به اوضاع کشورهای جهان اسلام دارم، واقعا قابل مقایسه نیست و ما نسبت به کشورهای جهان سوم و کشورهای همجوار، بسیار جلوتریم. در آن کشورها فقط مسئله تبعیض و فساد نیست، آن جا حاکمیت طاغوت است، مگر کسی می‌تواند به رئیس‌جمهور یا امیر یا یک ملک بگوید بالای چشمت ابروست. آن جا فسادها و تبعیض‌ها، جهنمی است، سلسله حاکمیت، فاسد و فاسق‌اند. در اینجا رئیس‌جمهور، رئیس مجلس، مسئولان قوه قضائیه ما مردمی‌اند، اهل عبادت‌اند، متدین و متعهد و پرهیزکارند. با این همه ممکن است به فرموده مقام رهبری در بعضی از دستگاه‌های ما فساد و تبعیض وجود داشته باشد که باید با آن مبارزه شود و آن را اصلاح کرد.

ما ادعای حکومت اسلامی داریم، ادعای برپایی عدل علوی را در جامعه داریم، این همه شهید و جانباز داده‌ایم برای اینکه عدل علوی را برپا کنیم. در حکومت اسلامی نباید یک مورد هم بی‌عدالتی دیده شود، حق یک فرد نباید نادیده گرفته شود. این

میزان از عدالت، مورد نظر انقلاب اسلامی است، معلوم است ما هنوز به این حد نرسیده‌ایم و تا رسیدن به آن راه طولانی در پیش داریم. این از تربیت دینی و قدرت پرهیزکاری و الهی بودن رهبر انقلاب است که چشم اندازش فراتر از وضع موجود و متوجه نقطه مطلوب است و لذا می‌سوزد، می‌خروشد، فریاد می‌زند که تبعیض و فساد و فقر، باید در جامعه ریشه‌کن شود.

این انقلاب بذر بیداری را در دل مسلمانان علیه مستکبران جهان کاشت و تردیدی نیست که شکوفه‌های بیداری که در جهان اسلام گسترده شده ریشه در انقلاب اسلامی دارد که امام امت آن را بنیان نهاده است.

جمهوری اسلامی مدیریت معنوی و فکری جهان اسلام را امروز بر عهده دارد البته با هدایت رهبر معظم انقلاب مسیر حکومت ولی عصر علیه السلام هموارتر می‌شود. مردم سالاری دینی جمهوری اسلامی همواره اسلوب شرق و غرب را با چالش مواجه کرده است و توانسته جهان را از خواب غفلت بیدار کند.

ایران اسلامی بر پایه نظریه ولایت فقیه و همراهی ملت و رهبری قله‌های استقلال، عزت و پیشرفت را در هم می‌نوردد و با شکوه برابر نظام سلطه مردم ستمدیده را در همه جای جهان حمایت کرده و نیروهای مومن را در مقابل جبهه استکبار هدایت می‌کند.

بیداری اسلامی امروز جهان از برکات انقلاب اسلامی ایران است

با پیروزی انقلاب و برپایی حکومت اسلامی، همه چیز عوض شد و نقطه عطفی در تاریخ بشر رقم خورد. امروز در هر گوشه‌ای از گوشه‌های جهان اسلام قدم بگذاریم، می‌بینیم چه تحول و انقلابی در توده‌های مردم در کشورهای اسلامی ایجاد شده است^(۱). اسلام‌خواهی، اعتقاد و ایمان و حتی فکر حکومت اسلامی در قبل از انقلاب هم بود و گروه‌ها و احزابی هم بر اساس اسلام‌خواهی به نام احزاب اسلامی در جهان اهل سنت و در جهان تشیع، تشکیل شده بود، ولی این اندیشه محدود به برخی از نخبگان و تحصیل کرده‌ها و فضلاء بود و فراگیر نبود. امروز اسلام و اسلام‌خواهی شعار توده‌های میلیونی مردم شده است، اسلام را به عنوان حکومت و نظام اجتماعی و سیاسی می‌خواهند. عدالت‌طلبی، ظلم و استکبارستیزی، استقلال، رجوع به هویت ملی و دینی، رجوع به اصل اسلام و مطالبه اجرای اسلام در همه ابعاد زندگی، شعار مردم شده است.

از همه مهم‌تر، روحیه جهاد و مقابله عملی با دشمنان اسلام به حدی در مردم قوت گرفته که امروز می‌بینیم جوانان بسیاری برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی شان آماده‌اند جان خود را فدا کنند. این حرکت‌های ایثارگرانه که امروز یک مسئله عادی شده است که در گذشته اصلاً قابل تصور نبود. این که امروز می‌بینیم دشمنی

۱ - سخنرانی در جلسه شورای رؤسای کل دادگستری استان‌های سراسر کشور تاریخ ۸۲/۴/۶

دشمنان اسلام با اسلام و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، این قدر شدید شده و از هر راه و به هر شکل می‌خواهند به آن ضربه بزنند، علتش آن است که اسلام وجود سیاسی و اجتماعی یافته و با مکتب‌های استکباری به مقابله برخاسته است. امروز قطب مقابل دنیای غرب، اسلام و اندیشه اسلام‌خواهی است. سرچشمه همه این‌ها همین حرکت و تحولی است که در جهان اسلام ایجاد شده و سردمدار و جلودار آن هم ملت ما و امام راحل بوده است. وقتی حکومت اسلامی در این نقطه مهم جهان که یکی از عزیزترین دست‌نشانده‌های آمریکا و جهان غرب بر آن حکومت می‌کرد، با این عظمت و اصالت و با این عمق علمی و فرهنگی شکل گرفت، بر جهان اسلام بلکه بر کل جهان بسیار اثر گذاشته است^(۱).

ما امروز چنین شرایطی داریم، این وضع البته نشانه عزت و قدرت جهان اسلام است، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی خیال می‌شد دیگر اسلام بلکه کلیه ادیان از صحنه سیاست و زندگی جوامع بشری کنار زده شده و توان مدیریت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جوامع را ندارند، دین از مسایل شخصی و محصور در کلیسا و مسجد است و رابطه فرد را با خدا تنظیم می‌کند. این نشان عظمت و حقانیت اسلام است که در چنین فضایی با همت بلند مردم عزیز ما و علمای اسلام، مخصوصاً امام راحل علیه‌السلام، دوباره

۱ - سخنرانی در جلسه شورای رؤسای کل دادگستری استان‌های سراسر کشور تاریخ ۸۲/۴/۶

به صحنه آمد و توانست اثبات کند که اسلام با بقیه ادیان دیگر، فرق می‌کند و دینی است برای همه جوانب زندگی انسان‌ها و برای همه آن‌ها حکم و نظام دارد و احکام و نظامات آن از قوانین برساخته بشری در تأمین سعادت انسان، برتر و مفیدتر است. این مطلب در حد فکر و ایده و شعار، در متون اسلامی و در ادبیات علمای اسلام و در ذهن و وجدان مسلمانان بود، ولی در عمل، زمام امور سیاسی و اجتماعی در دست حکام مستبد و در قرون اخیر در دست وابستگان به مکتب‌های مغرب زمین بود و افکار آن‌ها در کشورهای اسلامی حاکم بود و هنوز هم در خیلی از کشورهای اسلامی حاکم است، اگرچه سعی کرده‌اند با این موج اسلام‌خواهی و اسلام‌گرایی که در جهان اسلام شروع شده، خودشان را تعدیل کنند.

اسلام ناب محمدی به معنای اشداء علی الکفار است و اسلام آمریکایی، نرمش در برابر آمریکا و رژیم صهیونیستی و نوکری آنان کردن و شدت عمل در برابر مسلمانان است اسلام ناب، اسلام تفکر و تعقل و اسلام آمریکایی، تحقیر کردن فکر کردن است، چرا که اگر باب فکر کردن باز باشد، مسلمانان متوجه خواهند شد که نگاه تکفیری‌ها و اقدامات آنان چقدر جنایت بار است.

این تحولی را که ما در منطقه خاورمیانه و کل جهان اسلام مشاهده می‌کنیم، در حقیقت پس از پیروزی انقلاب و در نتیجه آموختن درس‌ها و استراتژی‌های انقلاب و قلم انسان‌هاست،

این‌ها است که هم به مردم ما آموخت که چگونه دنباله‌رو انبیاء و ائمه اطهار علیهم‌السلام باشند و بیاموزند که چگونه باید جانبازی کرد و در مقابل اهداف بزرگ از همه چیز گذشت. هم مبارزان جهان اسلام از این ایثارها درس مقاومت آموختند که نمونه‌های آن را در فلسطین و جنوب لبنان دیدیم.

با نگاهی به تاریخ سیاسی معاصر منطقه قبل و بعد از انقلاب خیلی روشن است که مقولات اجتماعی و سیاسی در منطقه پس از پیروزی انقلاب اسلامی دگرگون شده است. کشورهای استکباری که حاکم بر سرزمین‌های اسلامی شده بودند به ذهنشان نیز خطور نمی‌کرد که در ریشه‌های اعتقادی مردم و ملت‌های مسلمان چنین قدرتی وجود داشته که در مقابل همه قدرت‌های مادی و نظامی و سیاسی زورگویان و طاغوتیان بایستند و با منطق ایثارگری و جانبازی و شهادت آن‌ها را شکست دهند. استکبار در طی سال‌ها سعی کرده بود با فرهنگ وارداتی خود، دین را در جامعه بی‌اثر کند. تعالیم انبیاء و ائمه علیهم‌السلام است که فطرت‌های الهی را که در نهاد همه انسان‌ها هست، از ظلمات حجاب‌ها و رسوب‌های مادی بیرون می‌کشد. امام بزرگوار ما در رهبری این انقلاب نقش پیامبرگونه‌ای داشت چون تربیت شده مکتب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام و معارف به احکام آنان و وارث علم آنان و عالم به امور زمان بود. توفیق بزرگ برپایی حکومت حق روی زمین کار بسیار عظیمی است که انبیاء و ائمه اطهار علیهم‌السلام دنبال آن بودند و بعضی از آنان موفق به انجام آن

می شدند و بسیاری نیز موفق نشدند چون شرایط برای آنان فراهم نبود. از همان ابتدا دیدید که همه قدرت ها و زورگویان جهان و منطقه علیه این انقلاب بسیج می شدند، ولی امام علیه السلام از همین نیروی فطری انسان ها استفاده کامل کرد و نقش موثر خود را چون دم عیسی و عصای موسی در تربیت انسان ها به کار گرفت. در جامعه ای که از مردن می ترسیدند شهادت طلبی امر مطلوبی شد، انقلاب حقیقی و اساسی همین است و همین انقلاب سنگ بنای آن انقلاب بیرونی شد.

پس از انقلاب اسلامی و تحت تاثیر آن، کشورهای منطقه هم مجبور شدند شعارهایشان را عوض کرده و سعی کردند هر چند به ظاهر، شعارهای اسلامی مطرح کنند و خود را با موج بیداری مذهبی تطبیق بدهند. حالا می بینیم در تمام جهان اسلام نه تنها اصل اسلام خواهی و دفاع از مظلومین و استقلال طلبی و عزت طلبی برای امت اسلام مطرح شد که آن شعار خاص انقلاب و امام علیه آمریکا یک شعار عمومی شد و مورد قبول همه جهان اسلام قرار گرفت. می بینید این تعبیر خاص امام علیه السلام که (آمریکا شیطان بزرگ و راس کفر و استکبار است) در رسانه های جهان اسلام چقدر مطرح است. امروز (مرگ بر آمریکا) شعار کل جهان اسلام شده است و حکومت ها هم نمی توانند جلوی آن را بگیرند.

اسلام فقط دین آخرت نیست، دین دنیا و آخرت است، تا زندگی انسان‌ها در دنیا اصلاح نشود در آخرت اصلاح نمی‌شود، و لذا انحراف از دین حق، نتیجه اش شقاوت و بدبختی و جنگ و فساد و خونریزی در دنیا است دیگر زندگی مادی هم برای بشر زندگی مطلوبی نخواهد بود و حفظ نخواهد شد. می‌بینید که تمدن غرب با این همه ادعا که دارد در یک قرن دو جنگ جهانی فجیع را به راه انداخت و حالا هم امنیت جهان را تهدید می‌کند. وقتی مبنا مادی‌گری محض باشد قطعاً نتیجه همین خواهد شد و خود زندگی مادی هم به تباهی کشیده می‌شود. این‌ها همه به سبب دوری از خدا است.

امروز روشن شده است که ایده‌های انقلاب ما روز به روز درخشش بیشتری پیدا می‌کند، آنچه امروز در افکار عمومی جهان اسلام بلکه کل جهان از محکوم کردن آمریکا می‌گذرد همه از برکات انقلاب ما و اینارگری جوانان ما است^(۱). امروز ارزش‌ها و شعارهای انقلاب اسلامی به همه جهان اسلام صادر شده است و حکومت‌ها و قدرت‌ها نمی‌توانند مقابل آن‌ها بایستند، مجبورند خودشان را تطبیق بدهند و سعی می‌کند چهره اسلامی به خود بگیرند و خلاف روابط گسترده‌ای که با استکبار جهانی دارند مجبورند همین شعارها را تکرار کنند. گسترش ایده‌های

۱ - دیدار با فرمانده و پرسنل سپاه حفاظت انصار المهدی (عج) ۸۰/۷/۲۹

انقلاب اسلامی امید بزرگی است برای تحقق آن هدف نهایی یعنی حکومت عدل جهانی به دست ولی اعظم امام زمان علیه السلام.

همانطور که عرض شد امروز چشم امید همه مسلمانان جهان به ملت ما دوخته شده است الگویی را که ملت شریف و مومن ما توانسته است به دنیا معرفی کند الگوی حکومت اسلامی و مدیریت اسلام ناب محمدی، براساس فقهت علوی است. این الگو نه تنها در دوران نهضت، ذهن اندیشمندان و صاحب نظران و کسانی را که سال ها در مبارزات اسلامی کار کرده بودند به خود جذب کرد، بلکه در دوران حکومت اسلامی نیز تجربه ای نوین را به دنیا عرضه داشت^(۱). در این تجربه حکومت، از یک طرف فقه ناب اسلامی مبنای همه تصمیم گیری ها و سیاست های خرد و کلان جامعه قرار می گیرد و از طرف دیگر از همه نهادها و قالب های جدید زندگی و روابط اجتماعی به بهترین وجهی استفاده می شود. مدت ها بوده است که سیاست مداران و متفکران سیاسی و اجتماعی مدعی این بودند که ادیان الهی، توان اداره جوامع پیشرفته امروزی را ندارند. برخی از آنان، همه ادیان را به عنوان افیون ملت ها مطرح می کردند. برخی دیگر، دین را مربوط به جوامع سنتی گذشته دانسته اند که برای جوامع پیشرفته کارآمدی ندارد. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، توصیف هایی که از اسلام و ادیان می شده، این گونه بوده

۲ - سخنرانی در جمع مردم استان سمنان ۸۰/۵/۱۷

است. این نهضت عظیم که امام امت آن را شروع کردند و با همت مردم مسلمان و مومن پیروز شد و منتهی به تشکیل حکومت اسلامی گردید، نه تنها بر تمام آن ادعاها خط بطلان کشید، بلکه یک نمونه و الگوی جدید از حکومت و مدیریت اجتماعی به جهان معرفی کرد که در آن هم ارزش‌ها محفوظ است و هم قالب‌های جدید مورد استفاده قرار گرفته است و به تعبیر مقام معظم رهبری (مردم سالاری دینی را ایجاد کرد).

تاسیس یک حکومت مردم سالار بر مبنای دین در عصر جدید به هیچ وجه به ذهن هیچ یک از سیاستمداران و اندیشمندان و فیلسوفان جهان متمدن امروز خطور نمی‌کرد.

امروز، بحمدالله نور این نظام، شعارها، اندیشه‌ها و مبانی این نظام در جهان اسلام، به سرعت منتشر می‌شود طوری که حکومت‌های کشورهای اسلامی که تا قبل از انقلاب هیچ توجهی به اسلام نداشتند و اصلا اسلام را قبول نداشتند، مجبور می‌شدند، برای ارضا، خواسته ملت‌هایشان شعارهای اسلامی را مطرح و مظاهر اسلامی را حفظ کنند و به سیاست‌های خودشان رنگ و بوی اسلامی و دینی بدهند. در بعضی از کشورهای اسلامی دولت‌ها به برکت نور افشانی انقلاب اسلامی ۱۸۰ درجه تغییر موضع دادند. وضعی را که امروز در نهضت مردم مسلمان می‌بینیم در حقیقت الگویی است که از انقلاب اسلامی ما گرفته شده است.

بیش از ۵۰ سال است، رژیم غاصب اسرائیل، فلسطین اسلامی را غصب کرده است، کسانی از طریق تشکل‌ها و احزاب سیاسی به شکل غرب و سازمان‌های بین‌المللی یا از طریق سازمان‌های نظامی خواستند مقابله کنند، ولی به جایی نرسیدند. پس از آن که انقلاب ما پیروز شد، راه و روش مبارزات مردمی که امروز در کشور فلسطین از آن تعبیر به انتفاضه می‌شود، آغاز شد. همانگونه که گفتیم انتفاضه یعنی همان نهضت مردمی، در پیروزی انقلاب ما عامل اصلی همین حرکت میلیونی مردم بود که بی هیچ سلاحی با رژیم ستم‌شاهی برخوردار از هرگونه سلاح و امکانات، مقابله کردند و بر تمام قدرت‌های مادی و تسلیحاتی فائق آمدند. این نحوه حضور مردم، تبدیل به روش و سنت شد و کشورهایی که از این روش استفاده کردند.

این الگو و تجربه‌ای که در این جا اتفاق افتاد در حقیقت طلایه یک فرهنگ جدید و سنت جدیدی در جهان اسلام برای مبارزه با ظلم و تجاوز و بی‌دینی شده است که ان شاءالله همه جهان اسلام را در مقابل استکبار و کفر جهانی متحد خواهد کرد. علت دشمنی مستکبران جهان و شیاطین بزرگ هم همین است که آن‌ها احساس کردند که آموزه‌های این انقلاب منافع آن‌ها را به خطر می‌اندازد و لذا دشمنی آن‌ها با ما یک دشمنی استراتژیک است. سعی می‌کنند نگذارند الگوی این انقلاب در کشورهای اسلامی تکثیر شود. در این دشمنی در پی شناسایی عواملی هستند که منشا این قدرت،

مردم است مانند ایمان مردم، همبستگی و مشارکت آن‌ها، چون تشخیص داده اند که عامل پیروزی این انقلاب در داخل کشور و عامل مقبولیت آن نزد ملت‌های دیگر نیز همین بوده است.

امروز جامعه اسلامی ما رسالت عظیمی بر دوش دارد تنها این نیست که اسلام را به عنوان یک وظیفه تکلیف و امانت الهی در درون کشورمان اجرا کنیم بلکه بار سنگین دفاع از اسلام و به موفقیت رساندن این تجربه اسلامی در کل جهان اسلام بر دوش ما است. این کار به تنهایی از عهده حکومت بر نمی‌آید بلکه نیاز به همکاری و همدلی مردم و حاکمیت دارد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، یکباره تحول عظیمی در جهان اسلام و ملت‌های مسلمان مخصوصاً جوانان، دانشجویان، فرهیختگان، علما، دانشگاهیان و کسانی که اهل فکر و نظر و بررسی و تحلیل اند، شکل گرفت. تمام این قشرهایی از نخبگان جوامع اسلامی که قبل از پیروزی انقلاب، چشم و دل و عقل و گوششان به طرف ایده‌ها و داده‌های فرهنگ و تمدن غرب بود، با پیروزی انقلاب اسلامی و روی کار آمدن نظام الهی به تدریج وجدان ملت‌های اسلامی مخصوصاً فرهیختگان را بیدار کرد و احیاگری مجددی در جهان اسلام آغاز شد.

احزاب کمونیستی یا لیبرالیستی که در کشورهای اسلامی فراوان بودند و جوانان مسلمان را جذب می‌کردند، به تدریج برچیده شدند

و از بین رفتند یا به گرایش‌های اسلامی متمایل شدند و مجبور شدند شعارهایی را که تا دیروز افیون ملت‌ها می‌دانستند مدام در ادبیات خودشان بیاورند. امروز در جهان اسلام افکار و آرمان‌های قشر جوان عبارت است از بازگشت به اسلام و احیای تمدن اسلامی، مقابله با استکبار جهانی، ایده‌های آزادی‌خواهی اسلامی، دفاع از حقوق مستضعفین و مسلمانان و جهاد در راه اسلام. این‌ها همه ایده‌های انقلاب اسلامی ما و شعارهای امام و برگرفته از قرآن و مکتب اسلام راستین است. و با احیا شدن این ایده‌ها در انقلاب ما، ملت‌های اسلامی هم دریافتند که این ایده‌ها عملی و شدنی است، فقط نیاز به مجاهدت و ایثار و حرکت دارد، لذا این حرکت‌ها در دیگر کشورهای اسلامی نیز شروع شد. تا اینکه دشمن تحت عناوین جدید شروع کرد به لشکرکشی در منطقه، آن هم باز به نفع اسلام تمام شد. این بیداری طوری است که در مقابل این قبیل ظلم‌ها و تجاوزها، گرچه با سختی‌ها و خسارت‌هایی روبه‌رو خواهد شد، ولی شدیدتر و مستحکم‌تر خواهد شد. البته هر چه این بیداری بیشتر شود که می‌شود، نیرنگ‌ها و توطئه‌های استکبار هم بیشتر می‌شود.

دشمن سعی می‌کند شعارهای جدیدی را مطرح کند مانند مقابله با تروریسم، دفاع از حقوق بشر، دموکراسی و آزادی. البته این مصادیق اتمش در حقیقت در ارزش‌های دینی است و نظام جمهوری اسلامی توانسته است آن‌ها را محقق کند. سابقاً وقتی

مطرح می‌کردند دموکراسی، تابلویی که به ذهن مردم می‌آمد دموکراسی غرب بود، امروز وقتی مطرح می‌کنند دموکراسی، تابلوی دیگری در مقابل آن هست که در آن مردم‌سالاری و مشارکت مردم در سرنوشت خودشان، خیلی شفاف‌تر و عادلانه‌تر از دموکراسی غربی است. این پروسه بسیار عظیمی است که نهایتش وراثت زمین و پر شدن زمین از قسط و عدل به دست آن مرد بزرگ الهی است که همه ادیان در انتظار اویند. خداوند زمین را خلق نکرده است برای گنهکاران، برای طاغوتیان، برای فاسدان و مفسدان، بلکه برای مؤمنان و صالحان خلق کرده است، پس قطعاً باید حرکت به سمت این هدف باشد، والا یک نوع لغویت و تخلف از هدف در خلقت شکل می‌گیرد که محال است ملت‌ها و انسان‌هایی که در این راه هدف قیام می‌کنند، حرکت و مجاهدت می‌کنند، در حقیقت یاران واقعی آن منجی بزرگ و زمینه‌ساز ظهور او خواهند بود.

نظام ما توجه جهان مخصوصاً نخبگان را به خودش جلب کرده است. از آن جایی که اسلام، مخصوصاً اسلام اهل بیت که همان اسلام ناب محمدی است، نظام حقی است و قوانین و ارزش‌ها و شعارها و اندیشه‌هایش برگرفته از وحی و منسجم با فطرت انسان‌هاست، وجدان بشری تشنه این اندیشه‌ها و ارزش‌هاست. ما دنبال احیای این ارزش‌ها هستیم، گرچه به حد مطلوب نرسیدیم، ولی همین قدر هست که احیاگری که شروع شده است و همین مقدار نورافشانی هم توانست چشم جهانیان را خیره کند. کسانی که در خارج هستند

این عظمت نظام اسلامی و درجه تأثیرش را بر جهان اسلام بیشتر لمس می‌کنند. حتی برخی از مسئولان یا نخبگان کشورهای اسلامی که از نظر طرز فکر و موضع‌گیری‌های سیاسی چندان هم موافق ما نیستند، ولی در ملاقات با آنان متوجه می‌شویم که با چه دیدی به این نظام نگاه می‌کنند و چقدر نزد آن‌ها عظمت و احترام دارد. چون آن‌ها نقاط ضعف خودشان را می‌دانند و تحقیرهایی را که از طرف ابرقدرت‌ها شده و می‌شوند می‌دانند، از وابستگی‌های خودشان خبر دارند، وقتی این استقلال و اقتدار و شهامت و جرأت و ایستادگی نظام ما و پشتیبانی عظیم مردمی آن را می‌بینند، برای آن‌ها خیلی ارزشمند است و با دید دیگری به آن نگاه می‌کنند.

انقلاب اسلامی، انقلاب مکتبی است، مکتب اسلام بنیان همه جنبه‌ای برای ساختن و اداره کردن جامعه بشری است و در همه ابعاد زندگی و نیازهای فردی اجتماعی، خانوادگی، فکری و فرهنگی انسان حرف دارد. طبیعت اسلام با فطرت انسان‌ها منسجم و منطبق است، از این رو به سرعت اثر می‌کند. از آن طرف، کسانی که منافعشان در منطقه ضربه خورد، سعی می‌کنند پادزهری برای این حرکت بسازند و جلوی گسترش آن را بگیرند. از این رو مدل‌های گوناگونی حتی به عنوان اسلامی در مقابل آن تأسیس کردند. همین القاعده و سلفی‌گری را چه کسانی تأسیس یا تقویت کردند؟ چه کسانی حکومت طالبان را در منطقه ایجاد کردند؟

خود مستکبران این افکار انحرافی را علیه اسلام و جمهوری اسلامی و اندیشه‌های امام تبلیغ و تقویت کردند و از طرفی کوشیدند دخالت در امور سیاسی و استکبارستیزی را به عنوان یک انحراف دینی جلوه دهند. این کارها را کردند که به این نوری که در جهان اسلام آغاز شده است، لطمه بزنند. ولی تمام این نقشه‌ها با اراده الهی و با حقانیت و مظلومیت مردم ما و امام راحل و شهدایی که در این راه خونشان را دادند، به تدریج وبال خود آن‌ها شد. این مسلک‌های تکفیری که ابزار دست آن‌ها علیه جمهوری اسلامی بود، علیه خود آن‌ها شد، صدام سفاک جنایتکار که مهره خود آن‌ها بود، علیه خود آن‌ها طغیان کرد و مجبور شدند او را از بین ببرند، البته برای منافع خودشان نه برای این که سفاک و ظالم بود و حقوق ملت خودش را ضایع و این همه جنایت کرده بود^(۱).

این احیاگری‌های انقلاب اسلامی در ابعاد اجتماعی سیاسی اولاً بایستی خوب درک شود، ثانیاً هجمه‌هایی را که علیه آن شروع شده و بیشتر هم خواهد شد،

بشناسیم و پاسخ بدهیم. خداوند این توفیق را بدهد که بتوانیم این میراث غنی را که به دست توانای امام، احیا شده است، به خوبی پاسداری کنیم.

امروز شرایط کشور و منطقه ما، شرایط بسیار پیچیده و حساس و

۱ - سخنرانی در نشست سالانه دبیران کانون‌های دانشجویی ۸۴/۰۹/۱۹

ویژه‌ای است. استکبار جهانی تقریباً در مقابله آشکار و رودررویی با کل جهان اسلام قرار گرفته و سرکرده استکبار که آمریکای جهانخوار است به بهانه مبارزه با تروریسم برخلاف همه مقررات و حقوق بین‌المللی، به خود حق هرگونه تجاوز و دخالت و تعدی را در منطقه داده است.

خصومت آمریکا و استکبار نسبت به نظام و کشور ما تشدید شده است؛ زیرا این نظام کانون مقاومت و پایداری و عزت اسلامی و منشأ صدور این عزت و استکبار ستیزی به کل جهان اسلام است و این برای آمریکا شرّ است و از این رو نظام ما را یکی از محورهای شرارت نامیده است. در منطق او، آن چه امروز در جهان اسلام از بیداری ملت‌های اسلامی و الگوپذیری آن‌ها از انقلاب اسلامی می‌گذرد، یک نوع شرارت است. بحمداله با همه سختی‌هایی که دخالت‌های آشکار استکبار در منطقه ایجاد کرده است، ولی این شیرینی را داشته که منشاء بیداری جهان اسلام و تصدیق مدعیات انقلاب ما شده است. آن چه امام، معمار بزرگ انقلاب اسلامی درباره آمریکا و غرب و اتباع و ایده‌ها و منافع آن‌ها در همان صدر انقلاب بیان فرموده بود، امروز همه انطباق پیدا می‌کند و ملت‌های اسلامی و نخبگان جهان اسلام به صحت آن سخنان و به عظمت و تیزی و هوشیاری و حکمت و درایت معمار بزرگ انقلاب اسلامی پی می‌برند.

بسیار جای خرسندی است که امروز می‌بینیم در جهان اسلام گرایش به سوی اسلام و نفرت از آمریکا و بی‌اعتمادی نسبت به فرهنگ دموکراسی غرب شدت گرفته است. امروز صولت این فرهنگ دارد فرو می‌ریزد و جهان اسلام به پوچی این مکتب و این فرهنگ و تناقض و تضاد میان گفته و عمل مدعیان آن و به محتوای استکباری و قدرت‌طلبی و مادیگری آن پی می‌برد. آن‌ها ظریف‌ترین و مقدس‌ترین شعارها را طرح کرده ولی در عمل عکس آن‌ها را انجام می‌دهند، به عنوان عدالت، بدترین ظلم را مرتکب می‌شوند، به عنوان مبارزه با تروریسم بیشترین حمایت را از تروریست‌ها می‌کنند. این مسائل امروز برای مردم روشن و شفاف شده است، در صدر انقلاب، امام بزرگوار همین مقوله‌ها را مطرح می‌فرمودند ولی چندان گوش شنوایی در جهان اسلام نبود، حکومت‌ها به طور کلی مخالفت می‌کردند و ملت‌هایشان را به مخالفت با این شعارها وامی‌داشتند. کسی جرأت داشت که آن وقت در کنار خانه خدا علیه آمریکا و یا در دفاع از ملت مظلوم فلسطین شعار بدهد، با خشن‌ترین برخورد از طرف حکومت‌ها روبه‌رو می‌شد. ولی امروز دیگر ملت‌های اسلامی همچون ملت شریف ما تظاهرات میلیونی علیه آمریکا و غرب برپا می‌کنند.

از همه مهم‌تر، شیوه انقلاب اسلامی در مبارزه با استکبار که مبتنی بر ایمان به خدا و آخرت و شهادت‌طلبی است و به همه جهان اسلام صادر و پذیرفته شده است. این‌ها بخش‌های شیرین

این حوادث است که قطعاً موجب بیداری بیشتر جهان اسلام خواهد شد و ایده‌های عظیم اسلام ناب که در انقلاب ما متبلور شد روز به روز در جهان بیشتر خواهد درخشید و عملی خواهد شد. وحشت استکبار از همین است، او احساس کرده که این مقوله‌ها منافع حیاتی استکبار را در منطقه از بین می‌برد، لذا دشمنی خود را با انقلاب اسلامی شدت بخشیده است^(۱). اکنون این جامعه اسلامی است که باید در تحکیم آرمان‌های نبی مکرم اسلام ﷺ تا روز قیامت سستی و افسردگی را کنار زده و با عزم راسخ قیام نماید تا در پرتو ایمان به حاکمیت دین و کتاب خدا که در حاکمیت پیامبر ﷺ متجلی است، به قله‌های رفیع در دنیا و شکوه و برتری در آخرت نائل گردد.

باید ایمانی که در آن تولا، تمسک و حاکمیت نبی مکرم اسلام ﷺ در همه شئون حیات بشری آن نهفته است تا پایان تاریخ زندگی انسان بر زمین از مجرای ولایت تامین گردد و استقرار یابد، ولایتی که در غدیر خم با نص صریح پیامبر ﷺ تبیین و تعیین گردید.

شکوفایی و پویایی که امروز ایران اسلامی را به یک قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بدل کرده است و شتاب بی نظیر تولید علم و توفیقات چشمگیر در عرصه فناوری و تکنولوژی‌های روز جهان

۱ - سخنرانی در گردهمایی سراسری ائمه جمعه تاریخ ۸۱/۷/۱۶

در کنار پابندی و پافشاری عموم ملت شریف ایران بر عمل به دین مبین اسلام، همه از برکات ولایت فقیه به نیابت از پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام و حاکمیت ایشان در عرصه اداره جامعه است. اکنون خون مطهر امامان شیعه از علی ابن ابیطالب علیهما السلام تا حسین بن علی علیهما السلام و زید بن علی و دیگر شهدای اسلام از پس قرن ها به یکباره به جوش آمده است تا کار طاغوت و جنود ابلیس را یکسره کند و نهال بیداری اسلامی را آبیاری نماید. اکنون گستره وسیع جهان اسلام یکسره عرصه تمام عیار رویارویی حزب شیطان و حزب الله گردیده است و در این جدال عظیم پرچمدار جبهه حق و تکیه گاه تفکر امیر جهاد، شیعه اهل بیت علیهم السلام و تفکر قیام شیعی و حکومت جمهوری اسلامی ایران است. هر جریان اسلامی که از این تفکر ثابت و این خط مستقیم و مجاهدت با اولیا سرتافته سر از دامان ابلیس درآورده و چون داعش پیاده نظام کفر و استکبار جهانی دچار جهل و انحراف و ظلم گردیده است.

جهانی شدن بیداری اسلامی

امروز بیداری اسلامی فراگیر شده و حکام وابسته را سرنگون می کند و راهکارشان اختلاف افکنی بین شیعه و سنی است، برای همین است که استکبار تلاش می کند این کشورها تحت تاثیر نظام جمهوری اسلامی ایران نباشند. بیداری اسلامی از ثمرات انقلاب اسلامی ایران است و استکبار تلاش می کند این کشورها تحت

تأثیر نظام جمهوری اسلامی ایران نباشند. باید هوشیار بود و از خط اصلی که امام ترسیم کرد و رهبر معظم انقلاب آن را دنبال می‌کند خارج نشد.

نقش جمهوری اسلامی در بیداری‌های اسلامی تنها نقش ایدئولوژیک و استراتژیک، آن هم به برکت انقلاب اسلامی بوده است.

امروز دیگر مشکل ما در داخل نیست و چالش‌ها در داخل کشور تمام شده است، و مشکل ما با جهان استکبار یعنی آمریکا و اروپا است دیگر نظام جمهوری اسلامی به دنبال آن نیست که جمهوری اسلامی را تنها در سرزمین خود محدود کند، امروز هدف ما بازتر یعنی تسری اسلام به کل جهان اسلام و حتی کل جهان است.

صدور انقلاب را گام بعدی جمهوری اسلامی در نهضت بیداری‌های اسلامی است و مقدمات این امر در حال شکل‌گیری است و می‌توان اقدامات لازم را در این رابطه انجام داد.

در حال حاضر دشمنان با بهره‌گیری از شرایط به وجود آمده در این کشورها بر موجی سوار شده‌اند تا از شرایطی که طاغوت‌های دست‌نشانده‌شان سقوط کرده‌اند به نفع خود استفاده کنند و یا حداقل این بیداری اسلامی به ضرر آن‌ها تمام نشود. نمونه این نقشه‌های دشمنان را می‌توان در لیبی، مصر و یمن مشاهده کرد.

مردم دیگر کشورها بخصوص کشورهای اسلامی، چشم دلشان به ما دوخته است. مردم مسلمان فلسطین و لبنان از شما درس آموخته اند. مقاومت لبنان که توانست کمر اسرائیل را در جنوب لبنان بشکند و اسرائیل را از منطقه شیعه نشین جنوب لبنان بیرون براند، در حقیقت درسی است که لبنانی ها از کشور ما یاد گرفته اند. مردم جنوب لبنان این تربیت روح و اراده و روحیه شهادت طلبی و ایثار را از شما ملت عزیز آموخته اند. امروز این حماسه در سرزمین فلسطین تکرار می شود، انتفاضه فلسطین در حقیقت از فرزندان انقلاب ماست.

برنامه ریزی دشمنان خارجی و استکبار جهانی در مقابل موج بیداری

در مقابل این موج بیداری در جهان اسلام با تلاش و برنامه ریزی های دشمنان متأسفانه در داخل کشور شاهد وقایع تلخ و گرایش های تأسف باری هستیم. در حالی که در خارج از کشور ما در جهان اسلام بازگشت به ایده های امام راحل و انقلاب اسلامی آغاز شده و روز به روز بر اعتقاد به صحت آن ها و تنفر از ایده های لیبرال دموکرات غرب افزوده می شود، در فضای فرهنگی جامعه ما که جلودار این حرکت بوده، گرایش های معکوسی - اگر چه محدود - به چشم می خورد. در زمانی که می بایست جامعه ما احساس افتخار کند که ایده های انقلاب آن در نفی سلطه آمریکا

و استکبار دارد در همه جهان تحقق می‌یابد، گرایشی در داخل آغاز شده است به طرف کم کردن این نفرت و ترویج این که در دموکراسی غرب هم، نکات مثبت زیاد است و موفقیت نظام ما در این است که در برخی از این مقوله‌ها با استکبار مذاکرات و روابطی داشته باشد.

می‌بینیم در کشور ما برخی از نوشتارها و گفتارها درست به فضای قبل از انقلاب برگشت. آن دموکراسی که قبل از این در جامعه ما نقد علمی شده و معایب آن اثبات شده بود، دوباره در الفاظ و ادبیات جدیدی احیا می‌شود. فرهنگ غرب به انحای مختلف جلوه داده می‌شود که در حقیقت تعریض به ناموفق بودن فرهنگ اسلام است. قرائت‌های رسمی از دین تخطئه می‌شود در حالی که این انقلاب مبتنی بر همین قرائت‌ها بوده است. این ترفندها به جد نگران کننده است. در ابتدا به عنوان تلفیق میان اسلام و دموکراسی و تغییر بخشی از مبانی، به عنوان این که چه کسی گفته این‌ها قطعی و مسلم است، شروع شده و به تدریج منتهی به صدور مانیفست‌هایی شده که اصل اسلام را به صراحت انکار می‌کنند، کل انقلاب و امام را زیر سؤال می‌برند و داعیه برپایی حکومت دموکراتیک مبتنی بر داده‌های فرهنگ غرب را مطرح می‌کنند. سعی می‌کنند به خیال خام و جاهلانه خود تناقض در افکار و موضع‌گیری‌های امام در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب و پس از پیروزی انقلاب را نشان دهند و نتیجه بگیرند

که آن چه به دست پر برکت امام ایجاد شده، فکر اصلی امام در آن مقطع نبوده است.

امثال این سخنان را در حالی در فضای داخل کشور می‌شنویم که ایده‌ها و شعارهای اصلی انقلاب ما در کل جهان و مخصوصاً جهان اسلام تحقق پیدا کرد و ملت‌های جهان اسلام به عظمت و اصالت انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام، در مقابل استکبار غرب پی برده‌اند. آن‌ها به راهی که امام ما آن را باز کرده هدایت می‌شوند، ولی در داخل زمزمه‌هایی برعکس آن در برخی مطبوعات و رسانه‌ها مطرح می‌شود. این یکی از خطرهای اساسی فرهنگی است که می‌بایست هم مسئولان نظام مخصوصاً دستگاه‌های قضایی و امنیتی و فرهنگی حکومت و هم علما و بزرگان حوزه برای آن فکری کنند. بسیار جای شرمندگی دارد که ما شاهد چنین وضعی باشیم، باید این وضع را از ابعاد گوناگون مورد توجه جدی قرار دهیم و در صدد اصلاح آن باشیم.

بخشی از این خطر، ناشی از ترندهای دشمنان اسلام است که از ابتدای پیروزی انقلاب سعی کردند با این گونه مقوله‌های فرهنگی با انقلاب مقابله کنند. چون آن‌ها خوب تشخیص داده بودند که این انقلاب متکی بر فرهنگ و مکتبی است، که با ایمان و اعتقاد مردم این انقلاب را به پیروزی رساند و این نظام را برپا ساخت و این بیداری را در کل جهان اسلام ایجاد کرد. لذا از همان ابتدا سعی داشتند با

ابزارهای فرهنگی و تبلیغاتی که در اختیار دارند، این تکیه‌گاه اصلی انقلاب اسلامی را از بین ببرند. قطعاً برخی از این شبهه‌افکنی‌های عوامل داخلی، ناشی از این برنامه‌ریزی دشمنان خارجی و استکبار جهانی است.

عوامل تبلیغاتی غرب در دو کار علیه نظام اسلامی متمرکز شده‌اند: یکی سعی می‌کنند برخی از نقاط ضعف نظام و خطاهایی را که ممکن است اتفاق بیفتد بزرگ کرده و با تزویر و دروغ و بزرگنمایی، اذهان مردم را نسبت به مسئولان نظام بدبین کنند.

برپایی حکومت اسلامی قهراً چالش و درگیری‌هایی را هم در پی دارد، چون احساس خطر استکبار و مکتب‌های شیطان‌ی قهراً بیشتر می‌شود و درصدد خواهند بود که هر طور شده آن را از بین ببرند و منافع از دست رفته‌شان را باز گردانند. ترفندهای گوناگونی در مقابل این حکومت اسلامی به کار بستند، اول سعی کردند از راه کشورهای دست‌نشانده‌شان در منطقه، غلبه نظامی کنند که نشد، سپس مدل‌های موازی درست کردند و خواستند همان بلایی را که بر سر سوسیالیسم آوردند بر سر این حکومت جدید نیز بیاورند، آن‌ها در مقابل سوسیالیست‌ها مدل‌های چپ‌نما ولی در واقع آمریکایی درست کردند و از همین راه توانستند جلوی شیوع کمونیسم و سوسیالیسم اصیل را بگیرند. می‌خواستند بر سر این پدیده جدید نیز همین کار را بیاورند، مدل‌های اسلام آمریکایی

را ساختند، طالبان را ساختند و سلفی‌گری را ترویج کردند که همان هم سرانجام مشکلی برای خود آن‌ها شد و در آن گرفتار شدند، و در آینده نیز تبعات آن را خواهند دید.

شاید امروز نظامی مردم‌سالارتر از نظام ما که در همه عرصه‌ها متکی بر مردم است، حداقل در منطقه وجود ندارد. متأسفانه دشمنی آمریکا با ما نگذاشته است بسیاری از حقایق نظام ما در جهان غرب روشن شود.

امیدواریم جهانیان این حقایق را از نزدیک دریابند که مدیریت سیاسی ما موفق شده است، هم مشارکت مردم و مردم‌سالاری را در حد اعلا تضمین کند و هم ارزش‌های مکتبی خود را در حد کامل پیاده کند و برای اولین بار الگوی سیاسی مردم‌سالاری دینی را تحقق بخشد، حقوق معنوی و ایمان مردم را توأم با حقوق مادی و اجتماعی آنان حفظ کند. متأسفانه موضع‌گیری‌های خصمانه‌ای که در اثر ازدست دادن منافع استکباری ابرقدرت‌ها در منطقه علیه ما به وجود آمد نگذاشته‌اند حقیقت این الگوی جدید سیاسی درست در جهان غرب معرفی شود. تبلیغات گوناگونی را علیه نظام ما چه در بخش سیاسی، چه در بخش اقتصادی و چه در بُعد قضایی و حقوقی شروع کرده‌اند، بحث نقض حقوق بشر علیه نظام ما کاملاً خلاف واقع بوده و به صورت واقعاً ناجوانمردانه‌ای مطرح شده است. کشورهایی که هیچ یک از اصول دموکراسی و مردم‌سالاری

دینی را نداشته و ندارند محکوم نشدند، ولی نظامی را که مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است محکوم کرده‌اند. علیه نظام‌هایی که سرتاپا استبدادی بوده و هیچ‌گونه انتخابی در آن‌ها نیست، یا تشریفاتی و شکلی است، حقوق اولیه انسان‌ها در آن جا پایمال می‌شود، هیچ موضعی گرفته نمی‌شود، ولی نظام مردم‌سالار ما را محکوم کرده‌اند که تمام حقوق پایمال شده مردم را در رژیم گذشته - که اتفاقاً مورد حمایت غرب بود - احیا کرده است^(۱).

انقلاب اسلامی براساس دو رکن مهم به وسیله امام بزرگوار پایه ریزی شد:

رکن اول، اسلام و ایمان به اسلام است، البته اسلام ناب که اسلام اهل بیت عصمت و طهارت و مبتنی بر وحی الهی و سنت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. اگر خدای ناکرده این رکن از بین برود و ایمان مردم به اسلام ناب سست شود، اگر دشمنان بتوانند با تبلیغات فرهنگی خود، این رکن را تضعیف کنند، این انقلاب آسیب پذیر خواهد بود.

رکن دوم، مردمی بودن این انقلاب است، این انقلاب بر شانه‌های مردم قرار دارد. چون این مردم، مومن به اسلام هستند و آیین اسلام دارای ابعاد سیاسی و اجتماعی برای اداره جامعه است

۱ - دیدار با وزیر دادگستری اتریش تاریخ ۸۱/۲/۳

و اجرای اسلام در این ابعاد نیاز به مشارکت اجتماعی دارد، مردم براساس ایمانشان خود را موظف می دانند که وارد عرصه مدیریت جامعه شوند. این جاست که مردمی بودن این انقلاب و مشارکت مردم در اداره امور آن، مبنای اعتقادی یافته و این انقلاب نمی تواند از مردم جدا باشد. این دو رکن، هم منشا پیروزی انقلاب بود و هم منشا تداوم، اقتدار و توانمندی آن خواهد بود. دشمنان هم متوجه اهمیت این دو رکن شده اند و با هر دو به مقابله برخاسته اند. سعی می کنند اسلامیت نظام را با تهاجم فرهنگی خدشه دارکنند، در بعد اقتصادی، ناکارآمد بودن نظام اسلامی را مطرح می کند، در بعد سیاسی، می کوشند نظام اسلامی را با نظریات سیاسی و با ترفندهای چون حقوقی بشر به محاصره دربیاروند و مشروعیت سیاسی نظام را زیر سوال برند.

با شگردها و ترفندهای گوناگون می خواهند مردم به خصوص نسل سوم انقلاب را که در دوران انقلاب حاضر نبودند و معمار بزرگ انقلاب را درک نکردند و نیز ظلم ها و پلیدی های طاغوت و حکومت طاغوت را ندیدند و نچشیدند، به اسلام و نظام اسلامی بد بین کند. جریانات گوناگونی را ایجاد کرده و شبهه افکنی می کند تا با رخنه در ایمان مردم از این راه به رکن اول انقلاب اسلامی لطمه بزند. نسبت به رکن دوم نیز، دنبال ایجاد تفرقه میان مردمندها و تشکل هایی به قصد ایجاد یاس و تفرقه میان مردم به وجود آورده اند، و هدف این تشکل ها آن است که از

این راه، به وحدت ملی و مشارکت آحاد مردم در نظام اسلامی و مردمی بودن آن لطمه بزند. این دو رکن مورد تهاجم دشمنان انقلابی اسلامی است، بنابراین، امروز وظیفه همه ما آن است که این دو رکن را پاسداری کنیم. حفظ این دو رکن مستلزم آن است که اول آن‌ها را بشناسیم و دریابیم که انقلاب اسلامی با همه مشکلاتی که ممکن است در مدیریت نظام وجود داشته باشد « هیچ مدیریتی حتی مدیریت معصومین هم خالی از مشکل نبوده است » از چه جایگاه بلند تاریخی برخوردار است. سپس عوامل تداوم این انقلاب و اقتدار آن را هم درست تشخیص دهیم، آن‌گاه در مقام آسیب شناسی برآیم و رخنه‌های نفوذ دشمن را سد کنیم. در این جا چند نمونه از اقدامات دشمنان را به عنوان نمونه برای روشن شدن موضوع بیان می‌کنیم:

الف - شیعه‌هراسی و اسلام‌هراسی اولویت مهم جنگ روانی و سیاسی دشمن

شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی نشان دهنده قدرت اسلام و جمهوری اسلامی ایران و ضعف جبهه استکبار دانست و حمایت از گروه‌های خشن توسط جبهه استکبار در واقع استفاده از یک اسلام قلابی در مقابل اسلام ناب محمدی است. اگر قرار بود ارزش‌های غربی بر ارزش‌های اسلامی غلبه پیدا کند دیگر نیازی به استفاده از اسلام تکفیری نبود.

انقلاب اسلامی ایران دارای مقاصد بلند انسانی و اسلامی است و از یک اسلام عقلانی و عدالتخواه برخوردار است جریان اسلام سکولار و اسلام متحجر را محصول جبهه استکبار برای مقابله با جهان اسلام ارزیابی کرد امروز می بینیم که چطور این دو جریان در منطقه خاورمیانه و در کشورهای سوریه و عراق وجود دارند و به دنبال تضعیف دنیای اسلامی و همچنین به انحراف کشاندن بیداری اسلامی هستند.

جریان اسلام آمریکایی اهدافی چون تحت تاثیر قرار دادن اسلام به انحراف کشیدن بیداری اسلامی به حاشیه بردن مسئله فلسطین را دنبال می کند و قصد دارد با ساختن یک دیوار فکری و ذهنی از طریق اسلام در برابر دنیای واقعی اسلام بایستد و لازم است که همه ما به این موارد دقت کنیم یکی دیگر از جبهه های مهم استکبار علیه ما، همین فتنه گری فرهنگی و سیاسی و فکری است که می خواهند ملت ما را در اعتقاد به اسلام و حکومت خود متزلزل کنند، بین مسئولان نظام و مردم فتنه گری می کنند تا ایمان و اعتقاد مردم را به مدیریت مسئولان کم کنند. نقص ها را بزرگ می کنند، مشکلات اقتصادی و معیشتی را - که قطعاً یکی از اسباب اصلیش سیاست های استکباری خود آن ها و تحریم ها و بلوکه کردن ثروت های کشور ماست - بزرگ می کنند تا نشان دهند که این نظام، کارآمد و موفق نیست و به تدریج مردم را از اصل اندیشه نظام اسلامی برگردانند و بدبین کنند. این یکی از عرصه های مهم

جنگ روانی و سیاسی آمریکا با ماست. البته خداوند این لطف را به مؤمنان و ملت‌های اسلامی می‌کند که دشمنانشان به دست خود، خودشان را رسوا می‌کنند.

ب - تبلیغ ناکارآمدی نظام اسلامی

یکی از وظایفی که در شرایط امروز بر همه کارگزاران جمهوری اسلامی است مقابله با دشمنی‌هایی است که علیه نظام انجام می‌شود. امروز دشمنی‌ها نسبت به نظام ما به اوج خود رسیده است چون انقلاب ما داعیه ای دارد که این داعیه همه نظام‌های استکباری و استعماری جهان را تحقیر کرده و آن‌ها را مستکبر و شیطانی و ظالم معرفی و خط بطلان بر آن‌ها کشیده است. قهرا کانون‌های اصلی استکبار به مصاف این نظام می‌آیند چون احساس می‌کنند که این نظام اصل آن‌ها را زیر سوال برده است.

در زمان حاضر، برخلاف ترفندها و تزویرهایی که در خلال دو قرن گذشته جهان اسلام را در برگرفته بود و همه را شیفته تمدن غرب کرده و اسلام را کهنه و از بین رفته مطرح کرده بود، ناگهان با این تحولی که در اثر پیروزی انقلاب و تأسیس نظام اسلامی ایران در جهان اسلام ایجاد شد تمام آن تبلیغات خنثی شد و دوباره ایده‌های فطری انسانی و اسلامی مردم مسلمان شعله ور شد و شروع به نورافشانی کرد.

این نظام چنین اثراتی بر منافع مستکبران و در راس آن‌ها شیطان

بزرگ داشت، لذا دشمنی آن‌ها با ما دشمنی ویژه و عمیقی است که در همه جهات و با تمام توان جریان دارد. نه تنها در فکر از بین بردن و براندازی این حکومت جدید هستند بلکه به دنبال آنند که مبانی و ریشه‌ها و اصول این حاکمیت را هم بخشکانند.

شعاع دشمنی آن‌ها محدود به براندازی نیست که البته این اولین هدف و خواسته آنان است، ولی مقدمه است برای اینکه ریشه چنین جریانی را بخشکاند که در جای دیگری از جهان اسلام زنده نشود. نظم نوین جهانی این است که حکومت‌های مورد نظر آمریکا البته با ظاهر دموکراسی در همه جهان تشکیل شود. امروز مدیریت سیاسی آمریکا این را خیلی روشن و شفاف مطرح می‌کند که به دنبال گسترش ایده‌های مادی و سکولار خود در کل جهان است. معنای این سخن آن است که ریشه حکومت دینی خشکانده شود.

تهاجم و دشمنی آن‌ها در این حد است، تنها بنا بر تغییر یک حکومت نیست، بحث رابطه هم نیست که برقرار شود یا نشود، بحث چیز دیگری است و این‌ها بهانه است برای رسیدن به آن هدف نهایی که محور ایده حکومت دینی در جهان است، از این رو است که فسادها و دشمنی‌های گوناگونی را در کل جهان اسلام و مخصوصاً در نظام جمهوری اسلامی که کانون این جریان است و حیات جدیدی را به مکتب اسلام بخشیده شده است، دنبال می‌کند. ما آثار این دشمنی‌ها را خیلی راحت می‌بینیم، از هر جایی

سعی می‌کند نفوذ کند، تهاجم فرهنگی، ایجاد مفسد اقتصادی و اجتماعی، نمونه‌هایی از تلاش آن‌ها علیه جمهوری اسلامی است همچنین جدایی بین مردم و مسئولان، بی‌اعتماد کردن مردم، ناامید کردن مردم از شعارها و ارزش‌های بلند اسلامی، بدبین کردن آن‌ها به اصل نظام و صلاحیت حکومت اسلامی برای مدیریت صحیح جامعه، ناموفق جلوه دادن نظام جمهوری اسلامی در دستور کار آن‌ها قرار دارد^(۱).

تصور من این است که مرحله بعدیشان، رفتن به سراغ یک اسلام التقاطی و تلفیقی است با این بیان که اسلام خوب است، هم چنان که مسیحیت هم خوب است، ولی نباید دین را در همه عرصه‌های زندگی آلوده کرد. در حقیقت دیانت و معنویت را قبول می‌کنند ولی آن را به مسایل شخصی و معنوی انسان محدود می‌دانند که به منافع آن‌ها در عرصه حکومت و اجتماع ضریه‌ای نزند. این دیدگاه از سابق هم بوده و اصلش جدید نیست، ولی امروز به صورت تئوریزه شده‌ای ارائه می‌شود^(۲).

دشمن تبلیغ می‌کند و مردم هم خیال می‌کنند که نظام اسلامی کارآمد نیست و حکومت روحانیون همین است، این اسلامی که آقایان به عنوان اسلام اصیل و ناب مطرح می‌کنند، کارآمد نیست.

۱ - سخنرانی در مراسم تحلیف کارآموزان ۱۵/۱۲/۸۰

۲ - جلسه شورای روسای کل دادگستری استان‌های سراسر کشور تاریخ ۸۲/۴/۶

در آن ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض هست و شما باید برگردید به دامن نظام‌های دموکراسی غربی. برای اینکه عواطف و احساسات مردم را جریحه‌دار نکنند، اصل اسلام را هم به عنوان یک دین قبول می‌کنند ولی می‌گویند نظام سیاسی و اقتصادی و اداری مملکت می‌بایست به شیوه غربی باشد.

دشمنان با همه توان عظیم رسانه ای خود این ضعف و خطاها را به پای اسلام تبلیغ می‌کنند، مردم هم چون ممکن است متضرر شده باشند، آمادگی پذیرفتن آن را دارند. ببینید در اثر این گرانی‌ها چه حرف‌هایی در جامعه گفته می‌شود. البته امام و مسئولان ارشد و علما، بارها گفته‌اند که آنچه اجرا می‌شود مُرّ اسلام نیست، ممکن است خطا باشد، ما در ابتدای راه هستیم و خطا داریم. ولی اشخاصی که تعهد کمتری دارند و یا ضرر بیشتری دیده‌اند و فشار بیشتری در اثر این اجرای نادرست بر ایشان وارد شده، تحت تأثیر بوق‌های تبلیغاتی دشمنان اسلام قرار می‌گیرند.

ج - ترفندهای دشمن در خصوص القاء ناکارآمدی نظام اسلامی^(۱)

۱ - تحریک عواطف: دشمن با ترفندهایی که در قالب تعریف مادی از انسان و جامعه انسانی می‌گنجد، می‌کوشد به انقلاب آسیب برساند. یکی از این ترفندها، تحریک عواطف قومیتی است، هویت اصلی ملت ما که مبنای این انقلاب قرار گرفت، هویت اسلامی

۱ - سخنرانی در جمع مردم تبریز ۷۹/۶/۲۳

است. این‌ها می‌خواهند با احیای انگیزه‌های قومی، هویت اسلامی این ملت را از بین ببرند. در خوزستان زبان و قومیت عرب را و در آذربایجان، زبان و قومیت آذری را و در بلوچستان، قومیت بلوچی را دامن می‌زنند.

این یکی از آن ترفندهای بسیار خطرناک دشمن است که می‌خواهد با برانگیختن این قبیل مسائل با هویت اصلی مردم که مایه وحدت و عزت آن‌هاست و عامل پیروزی انقلاب بوده مبارزه کند و سعی کنند وحدت ملی و هویت واحد این ملت را پاره پاره کرده و از بین ببرد.

از نظر تاریخی هم روشن است که حکومت پهناور اسلامی، قومیت‌ها و زبان‌ها و نژادهای مختلفی را از شرق تا غرب دنیا در برداشت و این اقوام و ملل گوناگون در قرن‌های متمادی بدون هیچ‌گونه اختلاف و تضادی بر مبنای اسلام با هم زندگی می‌کردند. کرامت انسان به این یا آن زبان بودن و این یا آن قبیله و تبار نیست، اسلام این ملاک‌ها را نفی کرده است و تمایزات قومی و زبانی را صرفاً منشأ تعارف و معرفت انسان‌ها و قبایل می‌داند. چند گونگی زبان‌ها و نژادها، فقط یک نوع نشانه‌گذاری اشخاص و اقوام است و میزان و مبنای ارزش و کرامت انسان نیست، ارزش انسان به انسانیت و تقوای اوست. البته ممکن است ویژگی‌های یک زبان یا یک تبار خاص از جهتی منشأ بعضی از لیاقت‌های فردی یا قبیله‌ای

یا منطقه‌ای شود و این امری پذیرفتنی و پسندیده است، اما از نظر اسلام، مبنای مرزبندی و ارزشگذاری نیست.

این تفرقه‌ها در یکی دو قرن از اروپا که خود اسیر این تضادها و مجادلات و مناقشات قومی و نژادی و زبانی بود، به جهان اسلام سرایت داده شد و ابزار مستکبران برای ایجاد تفرقه و تشتت در جامعه اسلامی شد و امروز هم در کشور ما همین نغمه‌ها را سر می‌دهند.

استعمارگران غربی پس از آن که تمام اطراف کشور پهناور اسلامی عثمانی را جدا کردند و هر بخشی از آن را به یکی از کشورهای اروپایی و امریکایی دادند، خود کشور ترک زبان ترکیه را که آن روز عاصمه جهان اسلام بود استحاله فرهنگی کردند و فرهنگ و زبان و خط و هر چه را که نشان اسلامی داشت و مردم ترکیه را به فرهنگ اسلامی پیوند می‌داد، تغییر دادند و کوشیدند هویت اسلامی این ملت را از او بگیرند. خط ترکیه را که در همان زمان خط اسلامی بود، به خط لاتین مبدل کردند و با این تغییر خط، ملت مسلمان ترکیه از میراث غنی اسلامی خود، جدا شده و امروزه افراد این ملت نمی‌توانند از هیچ‌یک از کتاب‌های عربی، فارسی، ترکی گذشته استفاده کنند، در حالی که کتابخانه‌های آن‌ها مملو از چنین کتاب‌های غنی فرهنگی و دینی و ادبی و هنری و عرفانی است.

ما در سفری که قبل از انقلاب به ترکیه داشتیم، در بعضی از مناطق کتاب‌هایی بود که به زبان ترکی و خط اسلامی نوشته شده بود. اهالی بومی می‌گفتند که ما دیگر این کتاب‌ها را نمی‌توانیم بخوانیم، شما ببینید و ببرید. مردمی که در مدارس و دانشگاه‌ها درس می‌خواندند همه از این تاریخ غنی و از میراث گران بهای اسلامی خود جدا شده‌اند. خط را تغییر دادند، اگر ممکن بود زبان را هم تغییر می‌دادند و یکی از زبان‌های لاتین را جایگزین آن می‌کردند. زبان انگلیسی و بعد فرانسوی تا مدت‌ها اجباری بود. در بسیاری از کشورهای اسلامی تا مدت‌ها زبان انگلیسی یا فرانسوی، اجباری بود. زبان عمومی مردم در شمال آفریقا، در الجزایر و تونس و مراکش، زبان انگلیسی یا فرانسوی است. در منطقه هند و پاکستان که مستعمره انگلستان بود، زبان انگلیسی، زبان رایج اداری است.

نکته جالب توجه آن است که طرح مسائل قومیتی و دامن زدن به قوم‌گرایی که این جا و آن جا از سوی غرب انجام می‌گیرد، ترفند و نیرنگی بیش نیست و از آن فقط به‌عنوان ابزار تفرقه جوامع اسلامی استفاده می‌کنند و گرنه آن‌ها به‌قدری نژاد پرستاند که هیچ قوم و ملتی غیر از خود را قبول ندارند و برای آن ارزشی قایل نیستند و تجربه نشان داد تا بتوانند سعی می‌کنند نشانه‌ها و ویژگی‌های برجسته اقوام و ملت‌های دیگر را محو کنند. یقین بدانید که آن‌ها دل‌شان برای زبان و قومیت آذری نسوخته، بلکه هدف آن‌ها از میان بردن وحدت ملی ایران اسلامی است.

زبان آذری یکی از بخش‌های عظیم فرهنگ غنی ملی و اسلامی ماست، زبان و قومیت آذری با فرهنگ اسلام و ارزش‌های اسلامی آمیخته و تنیده شده است.

دشمنان با طرح شعارهای قوم‌گرایانه، قصد خدمت به این قوم و زبان را ندارند، بلکه می‌خواهند هویت اسلامی این جامعه را بگیرند و جامعه‌ای بی‌هویت یا با هویتی که خود آن‌ها می‌خواهند ایجاد کنند. باید در مقابل این توطئه، هشیار بود، این موضوع که رهبر معظم انقلاب هویت اصلی این ملت را هویت اسلامی آن معرفی کرده‌اند، متوجه همین نکته است که دشمن کجا را نشانه گرفته است.

۲- هجوم به فرهنگ و عقاید اسلامی: ترفند دیگر دشمنان اسلام خدشه‌دار کردن فرهنگ و اعتقادات اسلامی است. البته نقد اندیشه‌ها بسیار خوب است و بحمدالله فرهنگ اسلامی آن قدر غنی و مایه‌دار و متکی به عقل و استدلال منطقی است که قرآن می‌گوید: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ﴾^(۱) گرویدن به اسلام نیاز به اجبار و تهدید ندارد، اصلاً ایمان اجباری، ایمان مورد قبول اسلام نیست. ایمان باید متکی بر اعتقاد قلبی انسان‌ها باشد و گرنه، ایمان نیست. اسلام، انتقاد و بحث را پذیرفته است، چون هر انتقادی، هشدار است که جواب و پاسخ علمی و منطقی می‌طلبد و از این‌رو موجب

۱- سوره بقره، آیه ۲۵۶.

غنا و استحکام اندیشه‌ها می‌شود. تاریخ فرهنگ اسلامی و حوزه‌های علمیه ما، همین است، کتابخانه‌های ما آکنده است از اشکال و انتقاد منتقدان و مخالفان به اسلام و پاسخ علما به آن اشکالات است و بر اثر همین بحث و انتقادها فرهنگ ما غنی‌تر شده است. در فرهنگ اسلامی یکی از وظایف علمای اسلام پاسخگویی به انتقادات است و اساس حوزه‌ها و مجامع علمی ما همین بوده و هست.

اما مقوله بحث و انتقاد غیر از اتهام و افتراست، اتهام، ایجاد تشویش و بدبینی و ناامنی می‌کند و احساس دشمنی را میان افراد بالا می‌برد. امروزه دشمن برای رسیدن به هدف‌های سیاسی‌اش با تکیه بر تهمت و افترا و طرح افکار انحرافی به ستیز با فرهنگ اسلام و نظام مقدس اسلامی برخاسته است. تهاجم فرهنگی که مقام معظم رهبری از ابتدا نسبت به آن هشدار و اخطار داده‌اند، اخیراً از طریق برخی روزنامه‌هایی که به گونه‌های مختلف و با استفاده از امکانات نظام و ملت، سخن دشمنان را تکرار کرده و ترفندهای آن‌ها را به خورد جامعه می‌دهند، بسیار آشکار شده است.

بحمدالله هشدارها و هدایت مقام معظم رهبری و موضع‌گیری‌های روشن، قاطع و سریع ایشان این توطئه‌ها را مهار کرده و می‌کند.

۳ - ایجاد اختلاف میان مسئولان: ترفند سوم دشمنان، ایجاد اختلاف میان مسئولان است. دشمن به شکل‌های گوناگون سعی می‌کند حاکمیت و مدیریت نظام را دارای گرایش‌های سیاسی متضاد

نشان دهد. اختلاف نظر و سلیقه میان جناح‌های سیاسی یا حتی افراد یک جناح سیاسی، امری متعارف و معمول است و این‌گونه نیست که افراد و جناح‌های سیاسی یکسان فکر کنند و اساساً اتفاق نظر آن‌ها در همه موارد نه ممکن است و نه درست. گاهی اختلاف سلیقه‌ها برکاتی در بر داشته و منشأ افکار جدید و نوآوری‌هایی در اندیشه و فرهنگ سیاسی خواهد شد.

آن چه مضر است آن است که این اختلاف، فراتر از اختلاف سلیقه و نظر و در حد تضاد باشد و به چهارچوب‌های اصلی نظام باز گردد. این، خطر است و دشمن می‌خواهد این حالت را ایجاد کند و به شکل‌های گوناگون سعی می‌کند کسانی را که ارکان نظام را قبول ندارند و نداشتند و در مقابل امام و ولایت فقیه که یکی از ارکان نظام و اصول قانون اساسی است ایستاده بودند، به‌گونه‌ای درون حاکمیت نظام نفوذ دهند و در تبلیغات خارجی و داخلی، آن‌ها را برجسته کنند و بزرگ نشان دهند و اظهارات آن‌ها را دلیل وجود اختلاف میان مسئولان نظام معرفی کنند.

اخیراً در بعضی از رسانه‌ها، از سوی بعضی از افراد مغرض یا نادان شعار کهنه مارکسیست‌ها مطرح است که «دین افیون ملت‌هاست» و بر آن افزودند که افیون حکومت‌ها هم هست. اصل این انقلاب در مقابل این قبیل ادعاها شکل گرفت، یکی از نخستین اهداف فکری و فرهنگی امام علیه السلام و متفکران پیرو او مانند شهید

مطهری و شهید بهشتی، درهم شکستن این شعار بود. «دین افیون ملت هاست» شعار ملحدانی بود که در مقابل مسلمانان و نهضت اسلامی قرار داشتند و دشمنان دین و مردم ما بودند و امام در مقابل آن‌ها قیام کردند. انقلاب اسلامی، تنها در مقابل سرمایه‌داری غرب نبود، بلکه در مقابل کمونیسم شرق نیز بود. مگر شعار نه شرقی و نه غربی، شعار این انقلاب نبود؟ منظور از شرق، نظام‌های کمونیستی بود یعنی صاحبان همین شعار «دین افیون ملت هاست». حال این شعار را از زبان کسی جاری کرده‌اند که فکر شود درون نظام است.

اینجاست که رهبر معظم انقلاب، بحث خودی و غیرخودی را مطرح می‌کند که مسئولان نظام در قوه مجریه و قضائیه و مقننه که دلسوز نظام‌اند هوشیار شوند و توجه کنند که یکی از ترفندهای دشمن این است که با استناد به سخنان عناصر نفوذی، نظام را به‌عنوان نظامی که از درون دچار تضاد و اختلاف است؛ معرفی کنند. اینها در حقیقت می‌خواهند از این راه نظام را از درون دچار مشکل کنند. نظامی که در درون خود تضاد داشته باشد، بالاخره از هم می‌پاشد. این جا یکی از وظایف اصلی و تکلیف انقلابی همه مسئولان آن است که میان خودشان و کسانی که این قبیل مسائل را مطرح می‌کنند مرزکشی کنند و این است معنای تقسیم‌بندی نیروهای سیاسی به خودی و غیرخودی. هر کسی که به رکنی از ارکان نظام یا بخشی از بخش‌های اصلی نظام که در قانون اساسی آمده، اعتراض دارد و آن را قبول ندارد، بایستی خارج از مرز نظام

قرار گیرد. چنین افرادی به هیچ وجه صلاحیت ندارند که کارگزاران نظام مقدس جمهوری اسلامی باشند.

حاکمیت اسلامی خصیصه فرا جناحی و فرا گروهی باید داشته باشد، چون حاکمیت متعلق به همه مردم است؛ حاکمیت یک جناح، یک گروه یا یک حزب خاص نیست، ولی منظور از فرا جناحی، جناح‌هایی است که ارکان نظام را قبول داشته باشد؛ فرا جناحی بودن حاکمیت به این معنا نیست که جناح‌هایی را که اصل و ارکان نظام را قبول ندارند، هم درون حاکمیت بدانیم. این کار، وارد کردن اپوزیسیون و ضد حاکمیت نظام، در حاکمیت نظام است که موجب از بین رفتن حاکمیت خواهد شد. پس فرا جناحی در محدوده خودی‌هاست و مقصود از خودی‌ها همه کسانی است که ارکان انقلاب و نظام اسلامی و قانون اساسی را قبول دارند. حاکمیت باید نسبت به تمام این افراد و گروه‌ها مانند پدر باشد، فرا جناحی فکر و عمل کند.

۴ - ایجاد ناامنی و ترویج فساد: موضوع دیگری که دشمن برای لطمه زدن به انقلاب ما دنبال می‌کند، ایجاد ناامنی است. ما در نا امنی‌های گوناگون کشور باز دست دشمن را می‌بینیم. در نا امنی‌های استان‌های مرز شرقی که مربوط به مواد مخدر و اشرار و قاچاقچیان است و نیز در نا امنی‌های اخلاقی و اجتماعی و ترویج فحشا و منکرات، نقش دشمن بسیار روشن است.

۵- مسئله غیبت و آفت شیادان^(۱): قال الحکیم فی کتابه: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ این آیه شریفه که مرتبط با میلاد امام زمان علیه السلام نیز می باشد خداوند متعال و وعده داده است که مستضعفان زمین را، صالحان زمین را، مؤمنان را، حاکم زمین کند و از وارثان زمین قرار دهد، ﴿نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾. یعنی حکومت‌های فرعون‌ها و نمرودها و قلدرباب‌ها از بین خواهد رفت و عاقبت زمین از آن صالحان و مستضعفان است. مراد از مستضعفان هم کسانی است که به جهت ارزش‌های الهی و پیروی از انبیاء و ادیان الهی مورد ظلم و فشار و استضعاف طاغوتیان قرار گرفته‌اند. این یک اصل از اصول همه ادیان الهی است و در تمام ادیان الهی این نوید آمده است. در دیانت مسیحیت و یهود هم همین اصل دیده می‌شود، آن‌ها هم معتقدند - بر اساس آیاتی که در انجیل و تورات آمده است - که حاکمیت زمین از آن صالحان و مؤمنان است.

آیا این کار یک کار فوق‌العاده است و براساس یک تحول اعجازی شکل می‌گیرد، یا این کار یک پروسه درازمدتی است که به وسیله خود مردم، خود مستضعفان و مؤمنان و صالحان شروع می‌شود و به تدریج می‌رسد به آن جایی که «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا»؟ آن چه بنده برداشت می‌کنم از این آیات و روایات

۱ - سخنرانی در جمع فرماندهان سپاه ۸۴/۶/۲۴

دیگری که درباره این اصل بسیار مهم آمده است، نظر دوم است، یعنی این چنین نیست که خداوند در یک لحظه و به طور ناگهانی و بر اساس یک عمل خارق‌العاده و معجزه‌آسا حاکمیت زمین را دگرگون می‌کند، چون اصلاً بنا نیست انسان‌ها بر اساس معجزه مؤمن شوند، سنت و قانون خداوند در خلقت بشر براین قرار گرفته است که انسان‌ها آزادانه و با اختیار و اراده خود به سوی کمال هدایت شوند و راه کمال را انتخاب کنند. اساساً تکامل و کمال بدون اختیار و اراده، بدون مجاهدت و مشقت و تحمل سختی‌ها و مقاومت در مقابل آن‌ها محقق نمی‌شود. البته امدادهای الهی، بشر را دستگیری خواهد کرد، اما اگر هم معجزه‌ای بیاید به این معنا نیست که اراده از انسان‌ها سلب شود و خود به خود همه یکجا مؤمن شوند، بلکه آن اعجاز باز در معرض اراده و فکر و عقل انسان‌ها قرار می‌گیرد، معجزه در حقیقت راه را تبیین می‌کند و توضیح می‌دهد، ولی باز اختیار پابرجاست. بحث آخرالزمان و عاقبت بشریت هم که در این آیه آمده، همین‌طور است، یعنی همان پروسه‌ای که در ابتدای بعثت انبیاء در مبدأ تاریخ بشر بوده، در منتهی هم همین‌طور است و یک پروسه انسانی و بشری است که با حرکت خود انسان‌های صالح روی زمین شروع می‌شود و رشد می‌کند، توسعه پیدا می‌کند، فکر و دل و عقل بشر را به تدریج به طرف خود می‌کشد، آن مرد بزرگ الهی هم که همه ادیان الهی در انتظار او هستند، به عنوان کمک برای رساندن این

پروسه به قله خودش که برقراری عدل و قسط و حکومت الهی در کل زمین است، ظهور خواهد کرد.

در نهضت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در سرزمین اسلام هم باز از خود انسان‌ها و رشد و آگاهی و ایمان و اعتقادی که در آن‌ها ایجاد شده، استفاده شده است. شاید بتوان گفت پیروزی انقلاب اسلامی در عصر ما نیز بخشی از این پروسه است. پیروزی انقلاب اسلامی ما و تأسیس نظام جمهوری اسلامی بر پایه آن در شرایط عصر ما، پس از سال‌ها مغلوبیت و کنار گذاشته شدن اسلام از مسایل اصلی جوامع بشری و آن همه برچسب‌هایی که فرهنگ و تمدن غرب علیه کل ادیان و مخصوصاً دین اسلام زده بود و آن‌ها را خرافه و افیون ملت‌ها عنوان می‌کرد، بعد از آن همه تاریکی که بر ملت‌های اسلامی گذشت، در این چنین عصری که افکار و اندیشه‌های مغرب زمین به وسیله دستگاه‌های تحقیقاتی و فرهنگی و آموزشی و رسانه‌های گوناگون، شب و روز تزریق می‌شد و تقریباً همه بخش‌های عمومی و اصلی مکتب اسلام را غیرعملی جلوه می‌دادند و مربوط به قرون وسطی معرفی کردند، این انقلاب و این نهضت اسلامی شکل گرفت.

از این مقطع تاریخی یک تحول اساسی در کل منطقه بلکه در جهان ایجاد شده است که با آنچه قبل از این تاریخ بوده، فرق می‌کند.

مسئله امامت و ولایت که اصل و رکن مذهب ما و هویت و انقلاب و نظام و حاکمیت سیاسی ما را تشکیل می‌دهد، گاه - به‌ویژه در وضع فعلی که ولایت اقدس در پرده غیبت است و امام غایب از انظار است - دچار نوعی آفت می‌شود. این آفت آن است که اعتقاد مردم به عالم غیب و اصل غیبت، دستاویز و زمینه‌ای برای سوءاستفاده و مردم فریبی کسانی شده است. اصل ایمان به امامت در پس پرده غیب مثل ایمان به کل غیب، یکی از امتیازهای مذهب ماست، اسلام اصل ایمان به غیب را سنگ بنای تدین قرار داده است؛ ایمان به خدا، ایمان به وحی، ایمان به معاد، ایمان به رسالت و نبوت و امامت و غیبت امام همه از مصادیق ایمان به غیب است. این اعتقاد مردم گاهی مایه سوءاستفاده افراد شیادی می‌شود. در روایات هم به این نکته اشاره شده که کسانی در عصر غیبت ادعا می‌کنند با امام ارتباط دارند، ولی دروغگو و مفتتری هستند. این آفت بسیاری از اوقات به مسائلی منجر می‌شود که از نظر اجتماعی بسیار ناصحیح و خسارت بار است. چهره بیرونی مذهب را مشوه نشان می‌دهد و یک رشته افکار باطل و خرافی و خلاف سیره و هر مذهب و اصول اسلام را مطرح می‌کند و مرید و مراد بازی‌هایی به راه می‌افتد. فتنه‌هایی مثل بایبه با همین گونه ادعاها آغاز شد، ابتدا ادعا می‌کردند که باب امام زمان هستند؛ سپس کم‌کم بر ادعاهای خود افزودند و فتنه‌ای ایجاد کردند که هنوز هم دامن‌گیر جامعه اسلامی است.

این مسائل متأسفانه به شکل‌های گوناگون و با انگیزه‌های متفاوت

بروز می‌کند و گاه منجر به حوادث ناگوار می‌شود. این مدعیان دروغین از جوانب مختلفی تحریک می‌شوند، خیلی وقت‌ها ممکن است این‌گونه ادعاها با تحریک دشمنان اسلام یا دشمنان مذهب مثل وهابی‌ها و به قصد خرافی جلوه‌دادن مذهب ما انجام شود.

برخی از روحانی نمایان منحرف نیز با ترغیب مدعیان، وارد این میدان شده و سوء استفاده می‌کنند. لازم است نظام و جامعه ما در مورد این آفت خیلی حساسیت نشان داده و به شدت و به هر قیمتی جلوی آن را بگیرند. با استناد به روایاتی که از خود معصومین نقل شده، باید کسی را که در زمان غیبت ادعای رؤیت و مشاهده امام کند، تکذیب کرد. برخورد با مدعیان دروغین مشاهده و ارتباط با امام زمان علیه السلام باید بسیار دقیق و حساب شده انجام گیرد و در عین حال که اصل مبنا و رکن اساسی مکتب یعنی امامت را به صورت برهانی و عقلانی تثبیت می‌کنیم، این‌گونه مسائل را هم از بین برده و خرافه‌زدایی کنیم. یکی از طرفندهای دشمن این است که جهان اسلام را متهم به خرافی بودن می‌کند^(۱).

لزوم هوشیاری امت اسلامی در برابر دشمنان

هیچ چیز نباید اصل دشمنی دنیای استکبار و اولویت مقابله با آن را فراموش کند؛ گاهی دشمن قریب و دشمن بعید تئوریزه

۱ - دیدار با ستاد مرکزی سومین اجلاس بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی (عج) ۷۹/۸/۱۵

می‌شود که دشمن قریب آمریکا خوانده می‌شود و اولویت با دشمن قریب است؛ جهت دشمن در مقابله با اسلام مانند قطب‌نما جهت اولویت را نشان می‌دهد. در چنین اوضاعی می‌بایست امت اسلامی در برابر دشمنان هوشیار بوده و موارد ذیل را مورد توجه قرار دهد.

الف - تشخیص دادن ترفندها و سیاست‌های آمریکا

خطری که شیطان بزرگ در کل جهان منطقه ایجاد کرده است باید مورد توجه قرار گیرد و خنثی شود. یکی از مسائلی که در این زمینه بسیار مهم است تشخیص دادن ترفندها و سیاست‌های آمریکا نسبت به نظام ماست که باید برای مردم شناخته شود. بحمداله مردم ما تربیت شده امام راحل هستند و نسبت به ترفندهای دشمن هشیارند، مردم ما هیچ وقت نسبت به استکبار مخصوصاً آمریکا خوشبین نبوده و نخواهند بود، ولی اطلاع دقیق بر این ترفندها بسیار لازم است.

امروز شیوه آمریکا این است که نسبت به کشورهای جهان سوم با دو ابزار و دو ترفند وارد کار شود و منافع استکباری خود را حفظ کند: یکی ایجاد رعب و وحشت در دل مسئولان این کشورها و خالی کردن دل مسئولان و باوراندن به آنهاست که در مقابل اراده سیاستمداران کاخ سفید هیچ قدرتی نمی‌تواند ایستادگی کند و حتماً مغلوب خواهد شد. ترفند دوم، کار تبلیغاتی و سیاسی و فرهنگی است و مطرح کردن این که ما دنبال ایجاد فضای سیاسی

بہتر و نظام سیاسی آزادتر برای مردم کشورهای جهان سوم هستیم. با انگشت گذاشتن روی نظام‌ها و حکومت‌هایی که در منطقه واقعاً مستبد و خشن بوده‌اند، یا گروه‌هایی که بعضاً به وسیله خود آمریکا تأسیس یا تقویت شده بودند، آن‌ها را بزرگ می‌کنند که موجب تهدید امنیت جهانی شده‌اند و حکومت‌های تهدید کننده و خشونت‌گرا و بحران‌زا نسبت به کل جهان و منطقه باید از بین بروند. جایگزین این‌ها، نظام سیاسی و اجتماعی خواهد بود که امنیت و آزادی را برای مردم خواهد آورد و حقوق مردم احیا خواهد شد. این حکومت‌ها و گروه‌ها، مولود سیاست‌های خود آمریکا بوده است، هر یک را که دست می‌گذاریم می‌بینیم منشأ آن خود آمریکا بوده است. اگر طالبان و القاعده است منشأ ایجاد و حمایت آن خود آمریکا بوده، اگر صدام بعثی است، مورد حمایت خود آمریکا بوده، اگر سلاح‌های کشتار جمعی و شیمیایی است که به عراق داده شده، آن‌ها را از شرکت‌های آمریکایی و اروپایی - که اسناد آن در مراکز امنیتی کشور ما موجود است - دریافت کرده است. همه این حرکت‌های افراطی و تند و بی‌منطق به ظاهر دینی و مذهبی را خود آمریکا در مقابل انقلاب ما ایجاد و حمایت و ترویج کرد و امکانات در اختیارشان گذاشت. بن‌لادن شریک اقتصادی بعضی از مسئولان فعلی آمریکا بود، کمک‌های اقتصادی به او کردند شرکت‌ها در اختیارش گذاشتند، فقط و فقط برای مبارزه با انقلاب اسلامی ما.

بسیار جالب است، این‌ها خودشان مولد این خشونت‌ها و کانون‌های بحران‌آفرین در منطقه بودند و آن‌ها را در مقابل نظام ما ایجاد کردند، حالا مدعی ما شده‌اند که ما مؤید تروریسم هستیم و آن‌ها با تروریسم مبارزه می‌کنند. این تروریست‌ها را کی در منطقه ایجاد و حمایت کرد و امکانات در اختیار آن‌ها گذاشت؟ این حکومت‌های مستبد را کی در منطقه ایجاد کرده است، چه کسی صدام را صدام کرد؟ صدام در جنگ با جمهوری اسلامی می‌رفت که نبود شود، چگونه ورق برگشت و صدام توانست مقداری مقاومت کند، رژیم بعثی عراق در حال متلاشی شدن بود، کی دوباره آن را تقویت کرد؟ مدارک موجود است، آمریکا و حکومت‌هایی که در منطقه دست آن‌ها در دست آمریکا بود، ثروت‌های کلان و میلیاردری آن کشورها به دستور آمریکا در اختیار صدام قرار گرفت.

امروز بحمدالله ملت ما و مسئولان بیدار و هوشیار ما ترسی از آمریکا ندارند، نه آن ترفند اول آمریکا نسبت به ملت ما کارساز است و نه این شعارهای فریبانه و بهشت دموکراسی که نشان می‌دهد، مردم ما را فریب می‌دهد. ملت ما معتقد به اسلام است و پای این نظام شکوهمند و مقتدر اسلامی که به اراده و عزم مردم و رهبری امام ایجاد شد، تا آخر ایستاده‌اند. مردم مسلمان در همه کشورهای اسلامی نیز این قبیل سیاست‌ها را به هیچ وجه در درازمدت قبول نخواهند کرد و قطعاً آمریکا از همه این کشورهایی که پا گذاشته و اشغال کرده است، مفتضحانه خارج خواهد شد.

ب - بهره برداری صحیح از رسانه ها

باید بدانیم چه چیزی مطرح کنیم و چه حرفی بزنیم تا مایه سوء استفاده دشمنان نشود.

پیشرفت های علمی حوزوی و دانشگاهی اهل سنت در ایران یکی از نشانه های وحدت بین شیعه و سنی در کشورمان می باشد پس باید در اعلام مواضع و گفتارها و تبلیغات، دقت کرد ما باید روشنگری کنیم تا مشخص شود جدال اصلی بر سر چیست تا به اختلافات مذهبی دامن زده نشود ما باید روشنگری کنیم که حمایت ایران از سوریه به دلیل مقابله با اسرائیل است همان طور که از حماس که همه از اهل سنت هستند حمایت می کند. امروز یکی از چالش و خطر بزرگ پیش روی نظام جمهوری اسلامی ایران، همین مسئله اطلاع رسانی است و می بینیم که حمایت ایران از سوریه را به اسم شیعه و سنی مطرح می کنند. مبانی فکری امام خمینی علیه السلام در مسئله وحدت مسلمانان و تقریب و تقیه یک منشور است و نباید از خط اصلی که امام ترسیم کرد و رهبر معظم انقلاب آن را دنبال می کند، خارج شد.

منافع و مسایلی که در مکتب اسلام است خیلی مهم و عظیم است، اسلام حقوق مردم را خیلی بهتر حفظ کرده است تا آنچه که در دنیا ادعایش را می کنند. یکی از مسایلی که باید با این دید به آن نگاه کنیم این است که، قلم البته خوب است، اما کدام قلم؟ خدا به

قلم قسم می خورد اما نه به قلمی که ضد اسلام است؛ خدا به قلمی که ضد خدا، ضد اسلام و ضد توحید است، هیچ وقت قسم نمی خورد؛ آن قلمی که واقعاً در همین خط است به آن قسم می خورد. ما هم برای قلم و قلم‌زن و متفکر و اهل نظر، ارزش قایل هستیم ولی نه برخلاف آن چیزی که اصل هویت ملت و نظام ما را تشکیل می دهد. انقلاب ما بر این اساس است و دستی که برخلاف آن بخواهد قلم بزند، آن دیگر برای جامعه اسلامی محترم نیست. اگر ما برای این گروه احترام قائل شویم از اسلام دست کشیده‌ایم و هر جا هم اسلام ضربه خورده است از همین جا ضربه خورده است که از اسلام مان دست کشیده‌ایم و برای قلمی که دشمنی با اسلام می کند، ارزش قائل شده‌ایم. آن کسی که به اسم آزادی بخواهد بر علیه اسلام قیام کرده و به اسم آزادی قلم به مقدسات مردم اهانت کند این در حقیقت حقوق مردم را پایمال کرده است. چون مردم ما برای اسلام قیام کردند؛ اراده اسلامی در کشور ما قابل انکار نیست ما چطور این اراده مردمی و اسلامی را نمی بینیم، این ها که این همه شهید دادند برای اسلام، ما برای اراده این ها اصلاً ارزش قائل نیستیم، این ها مگر مردم نیستند، این ها اکثر مردم هستند. پس اگر دنبال اراده مردم هستیم، اراده مردم اسلام خواهی است، این هویت مردمی را نباید به اسم آزادی آن گونه که آن ها مطرح می کنند، زیر سؤال برد.

بخش دوم

افراطی‌گری و تکفیر
در برابر بیداری اسلامی

افراطی گری مدل قلبی و عرض اندام استکبار جهانی در مقابل الگوی ناب اسلامی

انقلاب ما در مسیر صحیح وارثان انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام و با الگوی صحیح اسلامی آغاز شد و نظام اسلامی نیز بر پایه آن تأسیس گردید. روز به روز هم که از انقلاب می گذرد این اصالت و تطابق با مبانی نورانی اسلام بیشتر متجلی می شود و حوادثی که روی می دهد نیز این حقیقت را بیشتر برای جهانیان آشکار می کند. به گذشته نهضت مراجعه کنیم و ببینیم که نهضت اسلامی ما به رهبری امام راحل قدس سره الشریف با چه الگو و با چه سیاست ها و مشخصه هایی شکل گرفت روشن است که امام در مقابل یک قدرت طاغوتی بسیار مستحکمی ایستاد که مورد پشتیبانی ابر قدرت های جهان بود و همه نوع توانمندی های سیاسی، مالی، نظامی داشت و برای حفظ حکومت خود از هیچ کاری هم رویگردان نبود.

انسان وقتی آن چه را که در این کشور اتفاق افتاد از ذهن خود

عبور می دهد، شک نمی کند که این واقعه همان وراثت صالحان در این منطقه از زمین خدا است که ان شاء الله طلیعه آن وراثت کلی خواهد بود که همه زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد. این افتخار بزرگی است برای مردم ما و مسئولانی که با این دید و هدف و نیت پاک انجام وظیفه می کنند.

در مقابل ما امروز می بینیم استکبار جهانی سعی کرده از هر طریقی که بتواند با کشتار بی گناهان حکومت هایی را واژگون کند و یا قدرت هایی را سرکار بیاورد. آن چه را که در حوادث فعلی این منطقه می بینیم در حقیقت یکی از همین الگوهاست که توسط استکبار جهانی اجرا می شود. آن چه که امروز به عنوان طالبان یا القاعده و دیگر گروه های تروریستی مطرح است دست پرورده کیست و ریشه در کجا دارد و از چه الگویی استفاده می کند؟ برای همه روشن است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، استکبار جهانی در مقابل این الگوی اسلام ناب انقلابی و برای مهار آن، تصمیم گرفت مدل قلابی آن را درست کند که مدعی اسلامیت باشد و بتواند در مقابل این الگو در جهان اسلام عرض اندام کند، مخصوصاً در این جهت از اختلافات مذهبی نیز بسیار استفاده کرد. لذا حکومت طالبان و تشکیلات عریض و طویل بن لادن را ایجاد کردند و از آن به عنوان یک حکومت اسلامی نام می بردند و تبلیغ می کردند حتی در اسم ها و قالب ها سعی کردند از عناوین فقهی استفاده کنند، راس این حکومت را عنوان امیر المومنین علیه السلام دادند،

در شیوه‌های قضاوت و مدیریت سعی کردند از قالب‌های سنتی استفاده کنند به خیال این که در جهان اسلام به عنوان الگوی ممتاز حکومتی قرار گیرد و به تدریج الگوی واقعی حکومت اسلامی یعنی جمهوری اسلامی ایران را تحت الشعاع قرار دهد، بلکه آن را متهم کند به انحراف از اسلام و آن را تلقی مذهب خاصی معرفی کند که اصالت دینی ندارد.

آن‌ها مساله مبارزه با تروریسم را مطرح می‌کنند و سعی می‌کنند از این راه الگوهای صحیح نظام اسلامی را در منطقه متهم کنند و افکار عمومی را علیه اسلام بسیج کنند و تروریسم را طوری تعریف و تفسیر کنند که شامل حرکت‌های آزادی خواهانه ملل مظلوم هم بشود و هر مبارزه‌ای علیه حاکمیت‌های ظالم دست نشانده آن‌ها را تروریسم معرفی کنند. اصلاً کل اسلام را معادل ترور معرفی کنند و خود را برای جنگی که از آن به جنگ صلیبی «یعنی جنگ مسیحیت با اسلام» تعبیر کرده است آماده کنند.

این از شیطنت استکبار است که خود ایجاد کننده و حامی تروریست‌های مسلمان نما در منطقه بوده است و حال تحت عنوان مبارزه با آن‌ها می‌خواهد با اصل اسلام بجنگد. خود استکبار همواره از شیوه‌های تروریستی به طور مستقیم یا غیر مستقیم استفاده کرده و می‌کند، نمونه آن حمایت آن‌ها از گروهک‌های تروریستی علیه نظام اسلامی، سرنگون کردن هواپیمای مسافربری ایران در جنگ

تحمیلی، حمایت از جنایات اسرائیل علیه مردم ستمدیده فلسطین و لبنان و... است.

وقتی که نهال انقلاب اسلامی در این سرزمین مقدس امام زمان علیه السلام، روید و بارور شد، شیوه مبارزه ملل تحت ستم نیز با الهام از آرمان های این انقلاب، دگرگون شد. انقلاب اسلامی ارزش ها و آرمان های رهایی بخش خود را به جهان اعلام کرد، ملل مستضعف نیز آن ها را پذیرفتند.

انقلاب ما در جهان امروز چنین رسالتی دارد، ما قطعاً چشم انداز این انقلاب را بسیار روشن می بینیم. همه بدانند این انقلاب از بین رفتنی نیست، هر روز از روز قبل درخشش و تشعشع بیشتری خواهد داشت. این انقلاب، با ترفندهای دشمنان که با چند اصطلاح و واژه وارداتی سعی می کنند دل مردم را خالی کنند، شکست بردار نیست. امروز این انقلابی برای همه ملل در بند، مخصوصاً در کشورهای اسلامی که درگیر با طاغوت ها و دشمنان دیرینه اسلام هستند، الگوی نجات و رهایی شده است.

این افراط‌گری‌هایی که در منطقه و جهان اسلام دیده می‌شود؛ مانند القاعده و امثال آن، بدون شک خود دشمنان اسلام، یا به وجود آورنده آن‌ها بوده‌اند یا آن‌ها را حمایت و تقویت کردند و گسترش دادند تا به بهانه و دستاویز مقابله با آن‌ها، در منطقه اسلامی حضور پیدا کنند و همین اوضاعی را که در کشورهای

اسلامی منطقه از جمله افغانستان و عراق، سوریه، فلسطین و... می بینید، به وجود بیاورند.

اهداف افراطی گری و تکفیر

جریان اسلام آمریکایی و جبهه تکفیری اهدافی را علیه امت اسلام دنبال می کند که شایان توجه است؛

اول: تضعیف و تخریب اقتدار دنیای اسلام از طریق درگیر کردن و ایجاد نزاع درون جهان اسلام. یعنی انرژی، توان و ظرفیت دنیای اسلام صرف مقابله با خود شود.

دوم: به انحراف کشاندن مسئله بیداری اسلامی است که شعله تازه آن در چند کشور برافروخته شده است.

سوم: حاشیه بردن مسئله فلسطین و تنزل دادن جایگاه آن از مسئله اول جهان اسلام به مسئله ای فرعی از یک طرف و القای فراموشی تهدیدی به نام رژیم اشغالگر قدس که نماینده دولت استکباری در منطقه خاورمیانه محسوب می شود.

داعشی ها رسماً اعلام کرده اند که فلسطین و اسرائیل مسئله ما نیست و برای نشان دادن این مسئله علناً پرچم فلسطین را زیر پا لگد کرده اند.

چهارم: ایجاد دیوار برلین فکری، ذهنی و رسانه ای برای

مخاطب غربی از طریق اسلام هراسی تا از اساس شعله تمایل به اسلام و معنویت را خاموش کنند

پنجم: پنجمین هدف آمریکا این است که می خواهد شکل گیری تکفیری ها نتیجه بیداری اسلامی قلمداد شود. ادعای آمریکا برای مقابله با داعش و گروه های تکفیری کذب و نفاق است، آمریکا و دیگر دست نشانده های آن در منطقه می خواهند خود را از جنایات وحشیانه آن ها مبرا کنند و آن ها را نتیجه طبیعی بیداری اسلامی و تفکر اسلامی در جهان قلمداد کنند.

افزایش خشونت علیه مسلمانان و دنیای اسلام آماج خشونت ها و دشمنی ها است و از این نظر دشمنی های امروز دنیای استکبار چیز تازه ای نیست. اما در این دشمنی دو مسئله است که دشمن امروز را از دشمن دیروز متمایز می کند و توجه به این دو مسئله راه را برای شناخت کلان مسئله اسلام آمریکایی در جبهه تکفیر باز می کند:

اول: گستردگی و همه جانبه دشمنی ها با اسلام که در یکی دو قرن اخیر بی سابقه است و از دخالت نظامی، کودتا، شکنجه و استفاده از فیلم و رسانه و تبلیغات برای ایجاد موج اسلام هراسی، شیعه هراسی و ایران هراسی برای مقابله با اسلام به کار گرفته شده است.

دوم: تمایز میان دشمنان دیروز و امروز را تمایز کیفی است. تمایز کیفی یعنی اسلام را علیه اسلام، دنیای اسلام را علیه

دنیای اسلام و ملت اسلامی را علیه ملت اسلامی وارد جنگ و مبارزه آن هم به صورت خشونت‌آمیز کنند؛ هر دوی این واقعیت‌ها نشان از قدرت اسلام در عصر حاضر و ضعف جبهه استکباری دارد و نتیجه اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی ترجمه اقتدار اسلام، تشیع و ایران به زیان استکبار است.

تحریک، سازماندهی و پشتیبانی از گروه‌های خشن با ظاهر و شعار اسلامی در واقع استفاده از اسلام قلابی آمریکایی برای مقابله با اسلام اصیل و ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است؛ اگر ارزش‌های غربی و لیبرالی قادر بوده‌اند که ارزش‌های اسلامی، برتری منطقی و عقلانی پیدا کنند به ساخت و پشتیبانی از یک گروه تکفیری خشن انجام شود تا به نام اسلام با اسلام مقابله کنند.

اختلاف افکنی درون امت اسلامی آسان‌ترین راه برای مقاصد شیطانی دشمن است و از این رو سعی دارند آتش تفرقه را درون امت اسلامی شعله‌ور سازند.

همه حرکت‌های تکفیری و فتنه‌گری‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تحقق بیداری اسلامی در کل جهان اسلام توسط شیطان بزرگ آمریکا و حکومت‌های دست‌نشانده آن در منطقه ایجاد شده و آمریکا و دیگر دست‌نشانده‌های آن در منطقه می‌خواهند خود را از جنایات وحشیانه آن‌ها مبرا کنند و آن‌ها را نتیجه طبیعی بیداری اسلامی و تفکر اسلامی در جهان قلمداد نمایند و چهره

نورانی اسلام را که دین عدل و قسط و انسانیت و وحدت است را سیاه‌نمایی نمایند.

امروز شیطان بزرگ از گروه‌های تفکیری و فتنه‌گری‌های طائفی و قومی و مذهبی به عنوان ابزار بر علیه مقاومت و بیداری اسلامی و تجزیه جهان اسلام و حمایت از رژیم غاصب اسرائیل استفاده بهینه می‌کند و هیچگاه با آن‌ها مقابله نخواهد کرد.

داعش، ساخته نظام سلطه

نظام سلطه و غرب هرگز دست از دشمنی با ملت‌های مسلمان برندخواهند داشت و هر روز تلاش می‌کنند چراغ بیداری و نظام اسلامی را خاموش کند. نظیر آن، طرح شوم ایجاد گروه‌های تکفیری داعش و تجهیز و تسلیح آنان برای تخریب وجهه و چهره نورانی اسلام و تضعیف انقلاب اسلامی در منطقه و جهان است که به اعتراف جاسوسان خودشان، آمریکای جنایتکار و اسرائیل خبیث و انگلیس مکار در طرح شومی به نام لانه زنبور گروه‌های تکفیری را آموزش داده و وارد منطقه کرده‌اند و با جنایت‌های آن‌ها بازار فتنه و اختلاف قومی و مذهبی را گرم کرده‌اند. آن‌ها تلاش می‌کنند اتحاد و یکپارچگی مسلمانان را از بین برده و با متوقف کردن بیداری اسلامی، هم چهره اسلام را مشوه کنند و هم چنبره و سلطه مستکبران و دست‌اندازی آنان بر منابع و ثروت منطقه بیشتر شود.

راه‌های مقابله با گرایش‌ها و افکار افراطی

فتنه‌های مذهبی، قومی و گروه‌های تکفیری خارج از اسلام همه ساخته و پرداخته دست نظام سلطه و آمریکای جنایتکار و اسرائیل غاصب و هم‌پیمانان آن‌ها در منطقه است و این مطلب ضرورت ورود علما و روحانیون شیعه و سنی و دانشمندان و نخبگان جهان اسلام به میدان رویارویی با آنان را بیش از پیش می‌طلبد.

دشمن بر شعله‌ور کردن اختلافات و برادرکشی در دنیای اسلام تمرکز کرده است و این جهت‌گیری دشمنان به ما نشان می‌دهد که باید وحدت و انسجام را محور اصلی قرار دهیم. آرمان فلسطین و تهدید رژیم صهیونیستی باید در مرکز توجهات امت اسلامی قرار گیرد. از یک سو بازدارنده بودن برخی از اهداف دشمن برای به حاشیه رانده شدن و فرصت دادن به رژیم صهیونیستی برای انجام جنایت‌هایش و جلوگیری کردن از بیداری حکومت اسلام مطرح است. پس در چنین شرایطی چند محور زیر می‌بایست در دستور کار حکومت‌های اسلامی قرار گیرد.

۱ - گروه‌های جهادی باید بیش از پیش مجهز شوند

مقابله با اسرائیل یک اصل اسلامی است. چون اسرائیل تنها غاصب نیست بلکه نماد استکبار جهانی در منطقه و کانون مبارزه با اسلام است، صهیونیسم داعیه سیطره بر عالم را دارد و در سرلوحه کار خودش مبارزه با حاکمیت اسلام را قرار داده است. بنابراین

مقابله با اسرائیل افزون بر وظیفه میهنی و ملی یک وظیفه اساسی اسلامی است.

صلح با اسرائیل معنا ندارد، آن‌ها در پس هر عقب‌نشینی نقشه دارند و روزی که فرصت کنند همه میثاق‌ها را زیر پا خواهند گذاشت. اسرائیل در هیچ صلحی جدی نیست، او در پی صلحی است که فلسطینیان و مسلمانان را ذلیل کند و تحرک و جهاد را از گروه‌های جهادی بگیرد؛ برای همین است که قدس را پایگاه همیشگی خودش اعلام کرده است. مبارزه گروه‌های جهادی تا رسیدن به قدس شریف لازم است ادامه پیدا کند و گروه‌های جهادی باید بیش از پیش مجهز شوند. منطق جهاد و مبارزه حزب‌الله باید با نوآوری همراه باشد، باید مفاهیم جدیدی را در مقابله با صهیونیسم مطرح کنید و میدان‌های جدید را فراروی حرکت‌تان بگشایید. جهاد را در همه ابعاد آن جلو ببرید و در همه این ابعاد، مفاهیم، روش‌ها و منطق جدید را به میدان آورید. مفاهیم عام و مشترک اسلامی را علیه استکبار و نماد آن یعنی اسرائیل در درون کشورهای اسلامی در جهاد خودتان نهادینه کنید.

۲ - تنها راه نجات و سر بلندی ملت‌های مظلوم مبارزه بی‌امان است

روابط ما با ملت‌ها و کشورهای مسلمان از نظر تاریخی و دینی و مسأله فلسطین، روابط عادی و اقلیمی نیست، بلکه استراتژیک

و بنیادی است. زیرا ما اسرائیل را تهدیدی بر کل اسلام می‌دانیم و این یکی از اصول قبل و بعد از انقلاب ما بوده است. جمهوری اسلامی ضدیت با صهیونیسم را در صدر سیاست‌های خارجی خود قرار داده و از لبنان و فلسطین دفاع می‌کند و با هر یک از مواضع سازشکارانه در منطقه به شدت مخالف است. نظر سیاسی جمهوری اسلامی از آغاز این بوده که بحث‌ها و مناقشات جهت به سازش کشاندن اعراب به خصوص تشکیلات فلسطینی، حقه و فریبی بیش نیست و همواره اعلام کرده است که هرگونه سازش در حقیقت علیه ملت مسلمان و اسلام در منطقه است.

از کشورهایی مانند سوریه، لبنان و فلسطین که در آتش اسرائیل سوخته‌اند، می‌خواهیم این حقیقت را درک کنند که ما تا پیروزی کامل سرزمین‌های اشغالی، از آن‌ها حمایت می‌کنیم. این برای جمهوری اسلامی سیاستی تاکتیکی نیست، بلکه موضعی استراتژیک و در ضمن وظیفه‌ای اسلامی است. ملت ما حتی قبل از انقلاب این حقیقت را به اثبات رساندند و حمایت‌های بی‌دریغ خود را ابراز کردند.

نظام اسلامی ما امیدوار است کشورهای که بابت اسرائیل غاصب در عذاب‌اند، فریب بازی‌های سیاسی امریکا و اسرائیل را در منطقه نخورند؛ به رغم حمایت‌های امریکا از سربازان اسرائیلی در منطقه، این کشور به اهداف خود نخواهد رسید. این در حقیقت

حاصل بیداری ملت اسلامی و پشتیبانی‌های بی شائبه جمهوری اسلامی ایران از مردم مظلوم مسلمان است. آگاهی روزافزون مسلمانان و حمایت‌هایی که از آنان می‌شود، اسرائیل را دچار وحشت کرده‌است؛ به طوری که احساس می‌کند منافعش در منطقه در معرض خطری جدی است.

مخالفان رژیم صهیونیستی و مجاهدین باید به اصالت موضوع واقف باشند، احساس موفقیت و عزت بیشتری بکنند و با عزمی راسخ به راه خود ادامه دهند، نه این‌که در برابر دشمن ضعیف و سست شوند و با دستیابی به برخی اهداف، نقش اساسی خود را فراموش کنند.

باید یادآور شد هرگونه مصالحه در منطقه، درواقع یک توطئه است. ملت بزرگوار ما ماهیت اسرائیل را می‌فهمد و می‌داند که استکبار جهانی پشتوانه بزرگ صهیونیست‌هاست. امریکا و اسرائیل مسلماً از هر فرصت و تاکتیکی برای تثبیت بیشتر خود در منطقه استفاده می‌کنند و از هیچ ترفندی برای رسیدن به اهداف خود نمی‌گذرند. لذا عقب‌نشینی‌های تاکتیکی اسرائیل باید مایه امید بیشتر مسلمانان و تداوم مبارزه تا پیروزی نهایی باشد، نه این‌که در نیمه راه دست از اهداف خود بکشند. مبارزه با جنایت‌های اسرائیل باید برای کشورهای منطقه یک اصل و استراتژی تلقی شود.

کشورهایی که در جوار اسرائیل بودند و مورد ظلم و تجاوز

قرار گرفتند، ماهیت اسراییل را بهتر می‌شناسند. مجاهدت‌های مردم مبارز جنوب لبنان یکی از افتخارات درخشان تاریخ معاصر و ملت اسلامی و همچنین عزت و عظمت و آبروی امت اسلام و عرب و ملت لبنان است. همه کشورهای دنیا شاهد مقاومت مبارزین جنوب لبنان و آثار و برکات این مجاهدت‌های مخلصانه و عاشقانه برای حفظ ارزش‌های ملی و اسلامی بوده و هستند و امروزه ما می‌بینیم که سرزمین لبنان چه مقام و منزلت و اعتباری در دنیا کسب کرده است. کشورهای بزرگ دنیا از جمله خود امریکا از مبارزه ملت لبنان به عنوان یک حرکت ملی یاد می‌کنند. تجربه ثابت کرده که تنها راه نجات و سربلندی ملت مظلوم، همین مبارزه بی‌امان است.

مبادا موضوع سازش تحت هر عنوان، توهماتی در ذهن مسئولان سیاسی کشورها ایجاد کند و آن‌ها را گمراه سازد. خداوند ان‌شاءالله رزق با عزت نصیب مجاهدین راه اسلام کند.

۳- شمارش معکوس برای محو رژیم صهیونیستی از نقشه جهان

به کشورهای جهان هشدار می‌دهیم که شمارش معکوس برای محو رژیم صهیونیستی از نقشه جهان آغاز شده است و جهانیان امروز بیدار گشته و حذف و محو رژیم غاصب صهیونیستی را خواستارند، امیدواریم که به دست مردم شجاع غزه و سایر فلسطینیان در کرانه باختری این مهم به وقوع بپیوندد.

نامه رهبری به جوانان اروپا و آمریکا، روشنگری تحلیلی و شفاف‌سازی همه‌جانبه

نامه رهبر معظم انقلاب و دعوت جوانان اروپایی و آمریکایی که دولت‌های آن‌ها خاستگاه اصلی اسلام‌هراسی هستند به آزاداندیشی درباره اسلام، ابتکاری است که راه مقابله با این امواج سنگین اسلام‌هراسی را پیش پای ما می‌گشاید و این نامه به عنوان نقطه شروع یک حرکت جریان‌ساز در دنیا باید توجه شود و همه آگاهان و عالمان باید از ظرفیت نرم‌افزاری خود برای حضور در این صحنه بزرگ آماده شوند.

از مهمترین کارهایی که باید به آن توجه شود، روشنگری تحلیلی و شفاف‌سازی همه‌جانبه نسبت به تضاد گروه‌های تکفیری با اسلام اصیل و اعلام برائت اسلام از آن‌ها است.

همانگونه که بیان شد یکی از راه‌های مقابله با اسلام‌هراسی روشنگری تحلیلی و شفاف‌سازی همه‌جانبه نسبت به گروه‌های تکفیری و اعلام برائت اسلام از آنان است باید مرز اسلام ناب و اسلام سکولار آشکار شود چرا که اسلام آمریکایی نرمش در مقابل دشمنان آمریکایی را خواستار است و اسلام ناب، اسلام معنویت و تفکر است اما اسلام آمریکایی، اسلام تسلط و تعطیل کردن راه فکری است چرا که اگر راه فکر کردن باز باشد یک انسان مسلمان بعد از تفکر متوجه می‌شود که داشتن فکر تکفیری بسیار غلط و اشتباه است.

باید تمایز اسلام ناب را با اسلام آمریکایی آشکار کرد؛ اسلام ناب، اسلام اشداء علی الکفار رحماء بینهم است. اما اسلام آمریکایی نرمش در برابر دشمنان آمریکایی و صهیونیستی و نوکری آن‌ها و شدت عمل آن‌ها در برابر مسلمانان و واجب‌القتل دانستن آن‌ها و برادر کشی است. اسلام ناب، اسلام صفا، معنویت و تعقل است اما اسلام آمریکایی، اسلام قشری‌گری و جلوگیری از فکر کردن است.

نامه رهبر معظم انقلاب ابتکاری بود که راه مقابله با امواج اسلام هراسی را پیش پای ما می‌گذارد و یک نقطه شروع جدید محسوب می‌شود تمامی علما و نخبگان باید از ظرفیت نرم‌افزاری برای انعکاس اسلام ناب بهره‌گیرند و این راه بهترین مسیر مقابله با اسلام هراسی استکبار است.

اتحاد و انسجام ملی در امت اسلامی لازمه‌ی منزوی کردن گروه‌های تکفیری

هر چقدر به وحدت نزدیک شویم، گروه‌های تکفیری در انزوا قرار می‌گیرند این یکی از مهم‌ترین راه‌های مقابله با افکار تکفیری‌ها است؛ دامن زدن به اختلافات در امت اسلامی از مقاصد شیطانی دشمن است و دشمن دنبال بهره‌برداری شیطانی از تعصب‌ها است تا آتش تفرقه را شعله‌ور سازد؛ بنابراین وظیفه مسلمانان و به خصوص عالمان دینی در این باره سنگین و حساس است.

هر چقدر به وحدت نزدیک شویم امت اسلامی از تفرقه و تشتت مصون خواهد ماند. وحدت و انسجام ملی باید بلندترین صدایی باشد که در دنیای اسلام شنیده می‌شود، و هیچ چیز نباید اصل دشمنی دنیای استکبار را تحت الشعاع قرار دهد و مقابله با تکفیری‌ها و استکبار باید مورد لحاظ واقع شود.

لزوم وحدت و انسجام آن از مسائل مهم است؛ به طور طبیعی در حکومت اسلامی علی‌رغم اشتراکات زیاد، زمینه‌ها و بسترهای زیادی وجود دارد که در طرح دشمن برای ضربه زدن به اسلام و دنیای اسلام اهمیت زیادی دارد و سرمایه‌گذاری زیادی روی آن شده است؛ دامن زدن به اختلافات در درون امت اسلامی آسان‌ترین راه برای مقاصد شیطانی دشمن است. هم چنین تفقد نظری در فقه و کلام می‌تواند دستاویز تکفیر و فتنه شود و دشمن به دنبال بهره‌برداری شیطانی از تعصب‌هاست تا آتش فتنه را در درون امت اسلامی ایجاد کند.

وظیفه مسلمانان، نخبگان و عالمان دینی در این باره سنگین و حساس است؛ هر چه دنیای اسلام به وحدت نزدیک شود، گروه‌های معارضه‌جو در انزوا قرار خواهند گرفت و دنیای اسلام از شرارت آن‌ها مصون می‌ماند. بنابراین از آنچه که در امت اسلام شکاف ایجاد می‌کند، باید پرهیز کرد؛ مسئله مهم وحدت و انسجام اسلامی است. توجه و اهتمام به مسئله اتحاد و انسجام اسلامی

و کنار گذاشتن هر مسئله ای که منجر به اختلاف در درون امت اسلامی شود، از مهمترین راه‌های به شکست کشاندن تکفیری‌ها است. چرا که دشمنان آمریکایی و صهیونیستی تلاش می‌کنند تا اسلام سکولار را جایگزین اسلام ناب کنند. اینجاست که باید علمای اسلام و جمهوری اسلامی که اولین مدعی طرح حکومت اسلامی در جهان است در این مسایل بسیار هوشیار و دقیق بوده و با آگاهی عمیق اسلامی و اشراف بر اسلام جلوی این خطرها را بگیرند و در چاله یاچاهی نیفتد که آن‌ها کنده‌اند.

ضرورت اهتمام پاسخگویی به شبهات و مشکلات

این وظیفه بسیار مهم ما است که با گرایش‌ها و افکار افراطی مقابله کنیم، باید به کمک بزرگان و فرهیختگان و دانشمندان جهان اسلام، جوانان و دانشجویان را آموزش داد و هوشیار کرد که تحت تأثیر این قبیل گرایش‌های افراطی و انحرافی قرار نگیرند. اسلام ناب و اسلام صحیح که متکی بر کتاب و سنت است، در همه شرایط و همه زمان‌ها و مکان‌ها قابل ارائه و عمل است. در دیدارها و مذاکراتی که میان علما و صاحبان فکر و اساتید دانشگاه‌ها میان کشورهای اسلامی انجام می‌گیرد، باید برای مقابله فکری و فرهنگی با این قبیل گرایش‌های افراطی برنامه‌ریزی شود. کشورها از این طرح خیلی استقبال می‌کنند و ما انتظار داریم این یک گام بسیار مثبت و مؤثری در زمینه مبارزه با این جریان‌های افراطی باشد.

مجاهدت با دشمنان اسلام، ظلم ستیزی و استکبار ستیزی، آزادی سرزمین های اسلامی از دست دشمنان اسلام، این ها بخش های تقابلی از این حرکت است، اما این حرکت بخش های ایجابی هم دارد و آن اداره حکومت اسلامی کارآمدی است که بتواند هم ارزش ها را احیا کند و هم جامعه را آباد کند و سعادت مادی و معنوی را برای جامعه به ارمغان بیاورد، اقتصاد را رونق بدهد، کرامت انسانی را در جامعه احیا کند، خدمتگزاری به مردم را احیا کند که مفهوم اصلی حکومت و دولت در حاکمیت اسلامی است.

اگر ارزش های عظیم اسلام ناب که در آیات قرآنی ذکر شده و در حکومت علوی تبلور یافته است، احیا شود، آن وقت اسلام گرایی در مقابل دموکراسی غربی می تواند حرف نو داشته باشد و دل و جان جوانان مسلمان را به طرف خود بکشد. این جاست که اهمیت وظیفه سنگین مسئولان نظام و علما و فرهیختگان حوزه و دانشگاه در احیای کامل حکومت اسلامی آشکار می شود. این جور نیست که به مجرد برپایی نظام اسلامی، دیگر همه کارها تمام شده باشد، دشواری های بعد از پیروزی شاید بیشتر از دشواری های قبل از پیروزی باشد. این هم از سنت های تاریخ است، چنان که در بعضی از روایات آمده که هر پیغمبری که مبعوث می شود و یک حکومت عدل الهی برپا می شود بعد از آن میان پیروان آن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درگیری می شود و بالاخره آن هایی که بر باطلند غلبه می کنند بر آن هایی که بر حقند. خیلی عجیب است!

این طور نیست که برپا کردن یک نظام الهی به دست یکی از انبیاء یا اولیاء همیشه تا آخر پایدار بماند، بعد از او چالش‌های جدید شروع می‌شود و خیلی از اهل باطل بر اهل حق آن آیین الهی غلبه پیدا می‌کنند. کسانی که مسئولیت دارند و متولی خدمتگزاری نظام اسلامی‌اند می‌بایستی همیشه ذهنشان نسبت به این مسئله حساس باشد و نگرانی خاطر داشته باشند. دانشمندان، فقها، مؤمنان فرهیخته تربیت شده در مکتب اسلام، باید به این چالش‌های پس از پیروزی توجه داشته باشند و برای هر کدام نسخه مناسب آن را بیچند. مدیریت نظام و رهبری معظم انقلاب اسلامی همین کار را می‌کنند، می‌بینید چگونه بعد از جریان‌های مختلفی که رخ داده است، همواره با معیار درست الهی راه را از انحراف مشخص می‌کنند و اجازه نمی‌دهد که مسیر به انحراف کشیده شود.

اقتدار نظام جمهوری اسلامی، در همه ابعاد مخصوصاً در بعدهای مربوط به مسایل اصلی مورد نیاز جامعه، معیشت مردم، اقتصاد جامعه، امنیت جامعه، فرهنگ جامعه، آزادی‌های مشروع انسان‌ها در جامعه، کرامت انسان‌ها، مشارکت مردم در سرنوشت خودشان، در تک تک این موارد باید نظام اسلامی ما سرآمد باشد و در عمل نشان دهد که مکتب اسلام همه این ابعاد را بهتر از مکتب‌های به ظاهر دموکراسی غرب، محقق می‌کند.

خود حکومت دینی نیز شبهاتی در ذهن‌ها ایجاد کرده و نظام

اسلامی ما باید پاسخگوی سؤال‌هایی باشد که از هر سو در جامعه مطرح می‌شود. یکی از مهم‌ترین ابزارهای اسلام، قرآن است و در برابر دشمن باید از این وسیله معنوی بسیار استفاده شود. برای حفظ کیان فرهنگی جامعه هم باید از قرآن استفاده کرد و این قرآن از هر اندیشه‌ای برتر است ما باید این را داشته باشیم و از افکار جدید و نیروهای جدید هم استفاده شود، البته کار بسیار مشکلی است.

برنامه‌های اساسی که فرهنگ سیاسی را شکل می‌دهد موضوع‌هایی دارد که باید آن‌ها را پیدا کنیم. می‌بینیم در دانشگاه‌ها جوانان ما علاقه‌مند به اسلام هستند.

این‌گونه نیست که این موارد فقط در ابعاد علمی - تحقیقی مطرح باشد. ممکن است یک مستشرق خیلی بهتر از یک مسلمان در مورد معارف اسلامی تحقیق کند و یا یک مسیحی بهتر از یک مسلمان در این موارد تحقیق کرده باشد، اما نمی‌توان گفت که این محققان فرهنگ اسلامی دارند. می‌دانیم جوانی که شور و شوق و حال اسلامی داشته باشد، همه چیزش علم نیست. در این قسمت علم هم بر دو نوع است، یک علم خشک و تحقیق محض و دیگری علم ایمان‌زا و حرکت‌آفرین. برای نمونه ما دو تفسیر داریم که از تفسیرهای خوب است، یکی تفسیر فخرالدین رازی و دیگری تفسیر فی ضلال القرآن نوشته سید قطب. تفسیر سید قطب از نظر علمی در حد تحقیقات و مایه علمی فخر رازی نیست، با این حال،

امتیازی دارد که تفسیر رازی ندارد و آن این است که هر که آن را بخواند به اسلام روی می آورد، یعنی متحول می شود.

نبودن مراجعی با پشتوانه علمی بالا در جایگاهی که بتوانند سؤال‌های افرادی مثل دانشجویان یا حتی عموم مردم را پاسخگو باشند خود مشکلی است، در گذشته شهید مطهری بود؛ در عراق شهید صدر بود. برتری مکتب اسلام در همه بخش‌ها وجود دارد به خصوص در بخش‌های کلان جامعه، خلاصه باید فکری شود که چرا وضع دانشگاه‌ها و حوزه‌ها چنین است. از این موارد باید به عنوان مواد اولیه استفاده کرد تا بتوانیم کمبودها را جبران کنیم و اگر این مهم انجام نشود، خطری وجود خواهد داشت که همه مسئولان امر از آن می ترسند.

ضرورت ورود همه جانبه روحانیون و علما به میدان رویارویی جریان‌های افراطی با مستکبران و تکفیری‌ها و حامیان آن‌ها

مهم‌ترین خدمتی که این انقلاب به روحانیت و حوزه‌ها کرده است، اعتلای جایگاه روحانیت و حوزه‌ها و وارد کردن آن‌ها به حساس‌ترین بخش حیات اجتماعی یعنی حکومت و مدیریت جامعه است. روحانیت در طول تاریخ به انزوا کشیده شده بود و در کانون اصلی مدیریت جامعه نفوذ چندانی نداشت. این انقلاب، امروز روحانیت را در دید جهانیان به عنوان رهبران حکومت دینی

مطرح کرده و اصل بنیادین فقه سیاسی ما یعنی اصل ولایت فقیه را به عنوان محور حاکمیت و مدیریت سیاسی و اجتماعی قرار داده است و فقیه هم عالی‌ترین محصول حوزه‌های علمی است. این نظریه جدید سیاسی، در دنیای امروز - که دین را یا افیون جامعه می‌دانستند و یا آن را در گوشه‌های کلیساها و مساجد و زوایای شخصی زندگی اشخاص محدود کرده بودند - جایگاه حوزه‌های علمیه و روحانیت را بسیار بالا برد. امروز در دنیا به یک روحانی اسلامی، چه سنی و چه شیعه، به عنوان یک رهبر اجتماعی نگاه می‌شود. هویت و معنای جدیدی به روحانیت داده شد، روحانیون رهبران جامعه شدند، نه در بُعد احوال شخصی و زاویه مسجد و محراب، بلکه در اصلی‌ترین عرصه‌های زندگی اجتماعی مردم. می‌توان گفت این تحول در جایگاه روحانیت، حتی به روحانیت غیر اسلامی هم سرایت کرد، یعنی امروز تحت تأثیر انقلاب ما، نه فقط روحانیت اسلامی که روحانیت مسیحیت و یهودیت هم جایگاه خاصی در جامعه پیدا کرد. اصلاً دین و دین‌مداری ارزش دیگری یافت، پیروان ادیان دیگر هم به این موضوع اقرار دارند. دادگاه‌های اروپا امروز برای متدینین و علمای دین، چه مسیحی و چه یهودی و چه مسلمان، برای انبیای الهی و کتب آسمانی، حقوق و مقررات جدیدی وضع کرده که هر گونه اهانت و توهین به آنان جرم است. در اروپا خیلی راحت فیلم و کتاب و مقاله و تئاتر علیه انبیای بزرگ مورد قبول یهودیت و مسیحیت تهیه و منتشر می‌شد،

حالا قانون شد که همه این‌ها ممنوع است. این مانوری که امروز روحانیت مسیحیت می‌دهد در حقیقت از برکات انقلاب اسلامی و تحولی است که برای کل روحانیت در جهان ایجاد شد.

این خدمت بزرگی که انقلاب به روحانیت و حوزه‌ها کرده است، جای شکر عملی دارد. روحانیت بایست این جایگاه را برای خود به درستی بشناسد و حفظ کند. خدای ناکرده کاری نشود - چه تقصیر و چه قصور یا غفلت و بی‌توجهی و بی‌تدبیری - که این جایگاه لطمه‌ای بخورد. شکر عملی به این است که روحانیت، به نظام و حکومت اسلامی با کمال اخلاص و ایمان نگاه کند و در حفظ آن بکوشد. این نظام خود مولود همین روحانیت شیعه است، رهبری این انقلاب با مرجعیت بود، مردم هم در اثر ایمانی که داشتند پشت سر آن رهبر عظیم‌الشان به حرکت افتادند. این‌ها عوامل اصلی پیروزی انقلاب و بقای این نظام بود. قطعاً اگر روحانیت معظم در مجلس خبرگان اول نبود، قانون اساسی به این دقت و پختگی و اصالت اسلامی شکل نمی‌گرفت، کسانی در آن زمان بودند که می‌خواستند آن را به صورتی تنظیم کنند که دوباره قضیه مشروطه تکرار شود.

در بقای این نظام مقدس نیز روحانیت نقش اساسی دارد. دشمن این را می‌داند که مبنای این انقلاب روحانیت بوده و حافظ آن هم روحانیت خواهد بود. ولذا یکی از جاهایی که قطعاً دشمن دنبال

آن است که به آن لطمه بزند، روحانیت است.

بهترین راه ضربه زدن به روحانیت و در نتیجه ضربه زدن به نظام اسلامی این است که این روحانیت را به طرق مختلف از نظام جدا کند، مثلاً روحانیت اهل سنت را از راه مسائل مذهبی از نظام دور کند، روحانیت شیعه و سنی را به جان هم بیندازد و هر دو را بی‌خاصیت کند. گاهی القاءات دلسوزانه می‌شود مثلاً اینکه روحانیت برای اینکه قداستش به هم نخورد وارد امور حکومتی نشود، به مباحث علمی بپردازد و به همان وضع گذشته حوزه‌ها را بچرخاند و کاری به حکومت نداشته باشد. این درست همان چیزی است که دشمن می‌خواهد. حکومت نیازهای فکری دارد، تأمین نیازهای فکری نظام به عهده روحانیت است، چون روحانیون، ورثه انبیاء و ائمه اطهارند و همان مسئولیت را دارند. این گونه نبود که انبیاء و ائمه اطهار فقط مشغول بحث و درس باشند. اگر با حکومت‌های جور در ستیز نبودند و نمی‌خواستند حاکمیت دین را در جامعه اجرا کنند، کسی با آنان کاری نداشت و آنان را شهید نمی‌کردند.

پس جایگاه جدید روحانیت، مسئولیت‌های بسیار عظیم و جدیدی را هم ایجاد می‌کند. حفظ دین از تحریف، یکی از مسئولیت‌های انبیاء و ائمه اطهار بوده و قهراً امروز هم حفظ دین از تحریف‌های گوناگون، وظیفه علماست. ذهن ما به تحریف‌های

بنی اسرائیل نرود، شبهاتی که امروز دشمنان اسلام مطرح می‌کنند، همه تحریف دین است. علما باید این شبهات قدیم و جدید را پاسخ دهند و اسلام ناب را نگه دارند.

مسئولیت دوم انبیاء و ائمه و به تبع آنان علما که وارثان آن‌ها هستند، تبلیغ و اجرای دین است. دین نیامده است که در کتاب‌ها باشد، آمده است که در جامعه اجرا شود. حاکمیت دین، کاری که روحانیت شیعه انجام داد، امروز خودش را نشان می‌دهد. مقابله با طاغوت و حکومت‌های زور که در وجدان عمومی مسلمانان دارد شکل می‌گیرد، به عنوان یک روش به وسیله انقلاب اسلامی در جهان اسلام تثبیت شده و می‌رود که در همه جهان تثبیت شود.

باید تحولی در حوزه‌ها صورت گیرد تا بتوانند رسالت عظیم تبیین و اجرای دین در جهان امروز را به انجام برسانند. تدوین احکام اجتماعی اسلام مقدمات دیگری لازم دارد که متأسفانه در حوزه‌ها به آن توجه نشده است. در برنامه‌های درسی، در برنامه‌های تربیتی، در امور مربوط به تبلیغ، در نوع روابط با مردم و مردم‌داری، در بینش سیاسی و اجتماعی و مسائل مربوط به حکومت باید تحول ایجاد شود. اگر بنا باشد در شرایط فعلی، همان مسائل گذشته تکرار شود، از پاسخگویی به نیازهای امروز خیلی عقب می‌مانیم. این مباحث را فقهای گذشته ما در آن زمان مطرح می‌کردند که بیش از این مورد ابتلایشان نبوده یا زمینه و فرصت بیش از این را نداشتند.

به تاریخ فقه نگاه کنید، هر وقت یکی از فقهای عظام، فرجه‌ای برای مدیریت و نه حکومت می‌یافت، بحث‌های فقهی او عوض شده و سراغ مسائل سیاسی و اجتماعی رفته است. مرحوم شهید اول به مجرد اینکه یک مقدار در جنوب لبنان مبسوط‌الید شد، تشکیلات و دستگاه مرجعیت را پایه‌گذاری کرد، اولین کسی که نهاد مرجعیت را به شکل فعلی آن پایه‌گذاری کرد، شهید اول بود، نظمی ایجاد کرد و حوزه تشکیل داد و آن هسته اولیه مرجعیت بعدها رشد کرد و به صورت مرجعیت امروز درآمد.

محقق کرکی به محض اینکه شاه اسماعیل صفوی موفق شد حکومت را در دست بگیرد، طرح مباحث فقه سیاسی اسلام را آغاز کرد.

مرحوم کاشف الغطاء رساله جهادیه را برای فتحعلی شاه قاجار که در حال جهاد با دشمنان اسلام بود تحریر کرد.

حالا امروز در حوزه‌ها چقدر این مباحث جدید محور درس‌های خارج قرار گرفته است؟ امروز حوزه‌ها چه در شهرستان‌ها و چه در حوزه‌های اصلی مانند قم نیاز به تحولی در همه این مسایل دارند. امروز نیازهای فراوانی وجود دارد که همه آن‌ها زمین مانده و هیچ جایی هم نیست که آن‌ها را برآورده سازد مگر حوزه‌ها. کار دانشگاه و دولت نیست، دانشگاه هدف دیگری دارد، از دولت هم نباید این توقع را داشت. این کارها باید در حوزه‌ها شکل بگیرد،

علمای بیدار و هوشیار و مطلع از مسایل فکری روز و نیازهای انقلاب و مرتبط با مردم در شهرستان‌ها بهتر مشرف هستند و نیاز و درد را احساس می‌کنند. این‌ها شروع کنند و همین حوزه‌ها را طوری تنظیم کنند که مطابق با این نیازها باشد و بتواند پاسخ این نیازها را بدهد. به تعبیر مقام معظم رهبری در دیداری که در قم داشتند، این بحث «کلام جدید»، در حقیقت پرداختن به شبهات جدیدی است که از جهات مختلف بر اسلامی که مدعی حاکمیت و حکومت دینی است وارد می‌شود. این شبهات باید تبیین شود و افراد برای پاسخ به آن‌ها تربیت شوند.

مدیریت‌های حوزه‌ها مسئولیت عظیمی دارند که طلبه‌هایی را که با آمادگی وارد حوزه می‌شوند به گونه‌ای تربیت کنند که هر جا بروند هم چون پیامبر آن جا باشند. اگر در مسئولیت قرار بگیرند، بتوانند آن مسئولیت را با همین دید مدیریت کنند. از نظر علمی یک سر و گردن از کسانی که این شبهات را می‌افکنند، بالاتر باشند، امروز توقع این است.

نظام سلطه از دشمنی با ملت اسلام دست برنخواهد داشت تا چراغ بیداری اسلامی را خاموش کند، چنین طرح‌هایی نظیر طرح شوم ایجاد گروه‌های تکفیری و مسلح کردن آن‌ها برای تخریب چهره اسلام صورت می‌گیرد همانطور که گفتیم به اعتراف جاسوسان خودشان، آمریکا و انگلیس و رژیم صهیونیستی در طرح

شوم لانه زنبور بسیاری از تکفیری‌ها اصلا مسلمان نبوده اند ولی برخی اصول اسلام را به آن‌ها آموزش داده اند و وارد برخی از کشورهای اسلامی کرده اند.

این جنایتکاران می‌خواهند با گرم شدن بازار فتنه و اختلاف اتحاد میان مسلمانان را از بین ببرند و با تخریب چهره اسلام راستین چنبره سلطه خود در دنیا را افزایش دهند فتنه‌های مذهبی و قومی و تحركات گروه‌های تکفیری ساخته دسته نظام سلطه به ویژه آمریکا و اسرائیل غاصب است شرایط امروز ضرورت ورود علما و روحانیون به میدان رویارویی با مستکبران را بیش از پیش آشکار می‌کند. نخبگان باید با روشنگری و شجاعت در مقابل اختلافات و تفرقه‌ها که از اهداف شوم جبهه استکبار است بایستند و اجازه ندهند رسانه‌های استکبار چهره مشوه از اسلام جلوه دهند تا جوانان ما در دام هر مدعی اسلام خواهی و جهاد اسلامی دروغین نیفتند نخبگان ما باید این مسئله را ترویج کنند که جوانان باید از منابع دقیق اطلاعات لازم را کسب کرده و از علمای به اصطلاح درباری تقلید کورکورانه نکنند چرا که امروز شیطان بزرگ با این سناریو سعی در ایجاد فتنه‌گری و تفرقه میان امت اسلامی دارد و در این زمینه برنامه‌ریزی می‌کند.

علمای اسلام باید به خوبی مسئولیت خود را در حفظ اسلام راستین ایفا کنند، و آن‌ها با این کار توطئه شیاطین را نقش بر آب

خواهند کرد. به لطف خدا هم اکنون ایران اسلامی به یک قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شده که خواست این نظام حمایت از مردم فلسطین و در هم کوبیدن رژیم صهیونیستی است و اقدامات نظامی ایران به یک قدرت بزرگ بازدارندگی تبدیل شده است

تاریخ پر از زندگینامه علمایی است که در برابر ظلم و ستم قیام کردند، اسلام اصیل را از هرگونه تحریف حفظ کردند و در مقاطعی از تاریخ نیز بر جامعه خود حاکم شدند. همین مراجع بودند که در تاریخ توانستند علی‌رغم همه ظلم‌ها و ستم‌ها، امت اسلامی را از ذوب شدن در تحریف‌ها حفظ کنند و نه تنها اسلام راستین را در جهان حفظ کنند، بلکه با ظهور عالم بزرگی به نام امام خمینی علیه السلام و با تکیه بر مسند مرجعیت، شیعه و نیابت از امام زمان علیه السلام و اعتماد به مردم ایران، انقلاب شکوهمند اسلامی را به پیروزی برسانند، نظام اسلامی را بر اساس احکام دین مبین اسلام و اصل ولایت فقیه پایه‌گذاری نمایند، تحول عظیمی در جهان معاصر ایجاد کنند و بذر بیداری را در جهان اسلام بکارند.

شکوفه‌های بیداری که در جهان اسلام مشاهده می‌شود، ریشه در انقلاب اسلامی دارد. در حال حاضر مدیریت معنوی و فکری جهان اسلام را جمهوری اسلامی برعهده دارد که با رهبری مقام معظم رهبری روزبه روز مسیر را برای ظهور هموارتر می‌کنند. انقلاب اسلامی نظریه‌های غربی را با چالش روبرو کرد. ایران

قله‌های عزت و پیشرفت را درهم نوردیده و مردم مظلوم را در همه جهان حمایت کرده و نیروهای مقاومت را رهبری می‌کند. البته نظام سلطه و غرب هرگز دست از دشمنی با نظام اسلامی بر نمی‌دارد و هر روز با اقدام تازه‌ای وارد می‌شود، نظیر طرح شوم آنان برای ایجاد گروه‌های تکفیری و تجهیز آنان طرح شوم آمریکا، اسرائیل و انگلیس برای ایجاد گروه‌های تکفیری و تجهیز آنان با پول‌های نفتی برخی کشورهای منطقه، برای تخریب چهره اسلام و جلوگیری از نفوذ ایران در جهان اسلام می‌باشد.

آن‌ها قصد دارند با استفاده از جنایت‌های گروه‌های تکفیری و گرم شدن بازار فتنه‌های قومی و مذهبی، اتحاد و یکپارچگی مسلمانان را از بین برده و بیداری اسلامی را متوقف کنند تا چهره اسلام راستین را در جهان مشوش جلوه دهند و سیطره خود را در کشورهای اسلامی افزایش دهند. این فتنه‌های مذهبی و گروه‌های تکفیری ساخته و پرداخته آمریکا و اسرائیل هستند، برای مقابله با این پدیده شوم ضرورت دارد نخبگان و علمای جهان اسلام به صحنه رویارویی با آن‌ها وارد شده و با صراحت و صبوری جلوی انحراف و تفرقه در میان مسلمانان را گرفته و از تحقق اهداف شیطان بزرگ در منطقه جلوگیری کنند علما و نخبگان باید با بیان قرائت دقیق از دین جوانان را روشن کنند تا آن‌ها در دام ادیان دروغین و جهادهای منحرف گرفتار نشوند و میراث فقه اسلامی را

از عالمان کسب کرده و از حکومت‌های مزدور و علمای درباری تقلید کورکورانه نکنند.

امروز شیطان بزرگ با بکارگیری سناریوی پیچیده‌ای سعی در ایجاد تفرقه در خصوص امت اسلامی دارد که همه علماء و وظیفه دارند با این سناریو مقابله کرده و طرح‌های دقیقی را در این راستا تنظیم کنند. برخی جریان‌های جدید ضدشیعی در بعضی از کشورهای اسلامی و همچنین مواضع غیراصولی و سلفی‌مآبانه افرادی معدود، نظام سلطه برای جبران شکست سخت خود در بیداری اسلامی، در تلاش برای حذف مذهب تشیع و تخریب نظام اسلامی با ایجاد تفرقه و دشمنی میان شیعه و سنی و استفاده از سلفی‌گری برای دامن زدن به این اختلافات است.

نقش حوزه‌های علمیه در روشنگری و بیداری امت اسلامی، طلاب، روحانیون و حوزه‌های علمیه بسیار موثر است. متأسفانه بعضی از کسانی که در لباس روحانیت هستند و ابزار تبلیغاتی هم در دست دارند، از راه تبلیغات سوئی که علیه برخی از مقدسات اهل سنت می‌کنند به اختلافات سطحی میان شیعه و سنی دامن می‌زنند و علمای وابسته به نظام سلطه در سایر کشورهای اسلامی نیز این را به رخ ملت‌های خود می‌کشند و با آن حکم به کفر شیعه می‌دهند یا حتی سعی در تحریم قانونی مذهب تشیع می‌کنند یا حکم جهاد صادر می‌کنند پس روحانیت امروز لازم است روح

اسلام و روح اندیشه‌های امام راحل و شهدای بزرگ روحانیت را در تاریخ درک کرده و برای احیای آن در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها محافل فرهنگی رسمی و غیررسمی کشور مخصوصاً خطبا و مداحان اهل بیت در مراسم مذهبی عاشورایی در تبلیغ ترویج روح اسلام و انقلاب استفاده کنند که این مهم نیاز به برنامه‌ریزی جامعی دارد و امید است ان‌شاءالله با همت و تلاش مروجین شریعت ناب اسلامی به اجرا در آید.

دشمنی‌های امروز جبهه استکبار مسئله تازه‌ای نیست و دشمنان همواره از مسئله اسلام‌هراسی استفاده کرده‌اند و در واقع می‌توان گفت که اسلام‌هراسی آنان تجربه اقتدار اسلام است.

علمای دین باید سیر جوامع اسلامی را در مسیر پیشرفت و تعالی و شکوه و عظمت شتاب بخشند و بندگان خدا را در سایه حاکمیت دین و ولایت نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از اسارت قدرت‌های شرق و غرب رها نمایند. تردیدی نداریم که در این پیکار با بیداری همه جانبه امت اسلامی به پرچمداری عالمان مخلص دین، حق و ظفر با امت مسلمان و دین خدا خواهد بود.

اینجاست که باید علمای اسلام و جمهوری اسلامی که اولین مدعی طرح حکومت اسلامی در جهان است در این مسایل بسیار هوشیار و دقیق بوده و با آگاهی عمیق اسلامی و اشراف بر اسلام جلوی این خطرها را بگیرند و در چاله یاچاهی نیفتند که آن‌ها کرده‌اند.

به نظر می‌رسد توحش گروه‌های تکفیری نتیجه بی‌توجهی برخی علمای دینی است.

امروز هم برای مقابله با شبهات مطرح شده در برابر اسلام، نیازمند مجاهدت علمی و عملی و جانفشانی هستیم. دشمنی و دشمنان با اسلام در همه کشورها بویژه کشورهای اسلامی با توجه به همین چالش‌ها و تقابل‌ها ضروری است نظام اسلامی با همه ابعاد و ارکان آن بخوبی و با تمام ظرفیت آن به جهان معرفی شود.. مراجع به میدان بیایند تا مشخص شود که این نزاع و اختلاف بر سر یک مسئله اصولی و اساسی و مربوط به اصل اسلام است و خیلی با جنگ قدرت فرق می‌کند. این از مسائل اساسی است و مثل بعضی از مسائل جزئی به آن نگاه نشود.

کوتاهی برخی علما و روحانیون راه اصلی نفوذ استکبار به کشورهای اسلامی

بعضی از اقلشار، مخصوصاً نسلی که در اوایل انقلاب نبودند یا کودک بودند، نمی‌دانند وضع کشور قبل از انقلاب چگونه بوده و این انقلاب چه عظمتی داشته و با چه مبانی مهمی آمده و چه تحولی ایجاد کرده است. این نسل فضای پر از دروغ و تزویر احزاب و گروه‌های سیاسی را نیز تجربه نکرده است که با چه عنوان‌های براق و عوام فریبی روی کار می‌آیند، بعد که مسلط شدند نه آن شعارها

را قبول دارند و نه در عمل آن‌ها را پیاده می‌کنند. غرب را باید مهد تزویر و نفاق نامید، غربی‌ها بخصوص در طرح شعارهای پر زرق و برق و فریبنده مهارت دارند، شعارهایی را مطرح می‌کنند که به ظاهر خیلی زیبا و مطابق فطرت انسان است؛ اما در عمل کاملاً خلاف آن است. شعارها را خیلی خوب و همه پسند تنظیم می‌کنند، مانند اصلاحات، دموکراسی، احزاب سیاسی و... اینجا می‌فرستند، حزب و حزب‌گرایی‌ها به‌عنوان یک کار عالی و مترقی نشان داده می‌شود. این شعارها خیلی سریع به خورد نسل جوان داده می‌شود، جوانان به‌ویژه دانشجویان که انسان‌هایی پر احساس و آرمانگرا هستند، ولی تجربه ندارند و زود باورند - طبیعت انسان در سنین جوانی این حالت را دارد - خیلی زود به این شعارها آلوده و علاقه‌مند می‌شود، وقتی علاقه پیدا کرد، از آن‌ها دفاع می‌کند. غرب و مجموعه معارضان نظام از این شیوه استفاده می‌کنند و همه هدف‌شان همین است.

آنچه رهبر انقلاب در این زمینه احساس کرده، احساس بجا و خیلی دقیقی است. استکبار علیه اسلام خیلی مزورانه و منافقانه کار می‌کند. چقدر حکومت‌های به‌ظاهر اسلامی در منطقه درست کردند که فقط شکل و صورت اسلامی دارند و برای بی‌محتوا کردن حکومت اسلامی واقعی، مقدس‌ترین شعارها را به‌کار می‌گیرند، حاکم سعودی مثلاً می‌شود خادم حرمین شریفین، این عنوانی است که همه مسلمانان آن را می‌پسندند.

ضرورت دارد اصل مطلب گفته شود و حقیقت اسلام و نظام اسلامی برای مردم تبیین شود و نسبت به برداشت‌های انحرافی هشدار داده شود. این حالت سکوت مطلق در قبال این مسائل قطعاً مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد و برای مردم بخصوص جوانان و دانشگاهیان و کسانی که امروز اصحاب قلم و روزنامه و بیان‌اند این‌طور تفسیر می‌شود که دعوا بر سر مناصب است و ربطی به اسلام ندارد. این تفسیر به طبع روی تمام اقشار جامعه اثر می‌گذارد فساد حاکمان و علما باعث فساد امت است ستم‌های تاریخی اثر امرای ظالم و انحرافات تاریخی اثر علمای فاسد است و قرآن کریم نیز علمای اهل کتاب را که حقیقت را کتمان می‌کردند ملامت کرده است امروز هم امرای سوء از علمای سوء بهره می‌برند. امروز تشیع و نظام جمهوری اسلامی با این فساد حکام منطقه و علمای آنان مواجه است که برای از بین بردن تشیع، کمر همت بسته‌اند علمای تکفیری و سلفی برای ضربه زدن به تشیع فعال شده‌اند و اخیراً در مالزی و اندونزی قوانینی علیه شیعه تصویب شده یا در حال تصویب است که تشیع را تحریم و غیر قانونی اعلام می‌کند. بعضی علمای تکفیری هم در مساجد قاهره حکم جهاد علیه شیعه داده‌اند، فساد علما باعث فساد امت اسلامی و درگیری مذهبی می‌شود که همه این تحرکات طرح نظام استکباری است و آن‌ها از این اختلاف‌ها سود می‌برند.

ما باید با نصب العین قرار دادن نظریه‌ها و اندیشه‌های بلند

حضرت امام علیه السلام در باب اخوت و وحدت اسلامی میان مسلمانان جهان ودقت و توجه به مبانی امام در این زمینه از آن خطی که امام ترسیم کرده است که خط اصلی نظام است و رهبری آن را دنبال می کنند نباید تجاوز کنیم.

البته در این بین باید به نقطه ضعف خودمان در ظهور گروه های تکفیری توجه کنیم؛ آن چه اسلام را در صحنه زندگی جمعی از حاشیه به متن آورده و مشخصه پویایی آن را جایگزین نخوت گذشته کرده انقلاب اسلامی است. انقلاب اسلامی دارای مقاصد بلند، شعارهای فراجغرافیایی در عرصه جهان اسلام و صحنه بین الملل است و نماینده اصلی اسلام عقلانی، معنوی، عدالت خواه و مستکبرستیز یعنی اسلام ناب محمدی است. در دورانی از جمهوری اسلامی، مقداری از این شعارها و مقاصد بنا بر مصلحت عقب نشستیم و این مسئله خللی را بوجود آورد که دشمنان آمریکایی و صهیونیستی با شبیه سازی تلاش کردند دو جریان ساختگی یعنی اسلام سکولار و غربی گرا و اسلام متحجر و تکفیری ها و داعشی را جایگزین اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله در منطقه کند.

امروز می بینیم که این دو جریان در منطقه خاورمیانه و به صورت علنی و شفاف در سوریه، عراق و لبنان در یک جبهه واحد قرار دارند و با محور صهیونیستی آمریکایی فعالیت می کنند.

همانگونه که کشورهای استعماری با مدل سازی و واژه سازی، راه نفوذ خود را باز کرده اند. ضروری است روحانیت شیعه نیز با مدل سازی و مفهوم سازی، اسلام اصیل و ناب را متناسب با نیازهای امروز مردم جهان معرفی کند فراگیر شدن واژه هایی همچون جهاد، مردم سالاری دینی، استکبارستیزی و تقابل با نظام سلطه در جهان این واژه ها با داشتن بار معنایی فرهنگی و دینی تاثیر گزاری خاصی در جهان امروز داشته است.

روحانیون و علما می بایست برنامه ریزی دقیق و صحیح را بر استفاده از فرصت بیداری اسلامی مورد توجه قرار دهند و نقش مراکز پژوهشی حوزوی و دانشگاهی را در این زمینه برجسته و تاثیر گذار است.

از این طریق ذهن نسل جوان در همه کشورها به اسلام و احکام ناب آن جلب خواهد شد.

منابع

کتب

- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد اول؛ ۱۳۷۸
- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد دوم؛ ۱۳۷۹
- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد سوم؛ ۱۳۸۰
- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد چهارم؛ ۱۳۸۱
- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد پنجم؛ ۱۳۸۲
- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد ششم؛ ۱۳۸۳
- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد هفتم؛ ۱۳۸۴

جلسات

- جلسه شورای اداری استان هرمزگان؛ ۸۱/۱/۲۸
- جلسه شورای رؤسای کل دادگستری استانهای سراسر کشور سخنرانی در تاریخ ۸۲/۴/۶

دیدارها

- دیدار با سفیر جدید عربستان؛ ۸۲/۱۰/۲
- دیدار با سفرای کشورهای اتحادیه اروپا؛ ۸۴/۳/۴
- دیدار با سید حسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان؛ ۷۸/۸/۵
- دیدار با سفیر لبنان در ایران؛ ۷۸/۸/۶
- دیدار با قضات استان تهران؛ ۷۸/۸/۱۱
- دیدار با جمعیت ایثارگران، جمعیت مؤتلفه اسلامی، جامعه مهندسان و انجمن اسلامی پزشکان؛ ۷۸/۸/۲۲
- دیدار با رئیس کل بیمه مرکزی ایران و مدیران عامل شرکت‌های بیمه؛ ۷۸/۹/۲۴
- دیدار با هیأت منصفه مطبوعات؛ ۷۸/۱۱/۵
- دیدار با هیأت منصفه مطبوعات؛ ۷۸/۱۱/۲۶
- دیدار با اعضای ستاد دهه فجر انقلاب اسلامی؛ ۷۹/۱/۲۳
- دیدار با سفیر نروژ در ایران؛ ۷۹/۱/۲۳
- دیدار با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛ ۷۹/۵/۳

- دیدار با شورای سیاستگذاری ائمه جمعه؛ ۷۹/۵/۱۱
- دیدار با ستاد مرکزی سومین اجلاس بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی علیه السلام؛ ۷۹/۸/۱۵
- دیدار با وزیر دادگستری اتریش؛ ۸۱/۲/۳
- دیدار با نماینده پاپ اعظم؛ ۸۱/۵/۲۲
- دیدار با ائمه جمعه استان اصفهان؛ ۷۹/۸/۳۰
- دیدار با استاندار تهران و معاونان؛ ۷۸/۸/۱۱
- دیدار با اعضای ستاد دهه فجر انقلاب اسلامی؛ ۷۸/۱۱/۵
- دیدار با اعضای ستاد دهه فجر انقلاب اسلامی؛ ۷۸/۱۱/۵
- دیدار با اعضای شورای اسلامی شهر تهران؛ ۷۹/۲/۷
- دیدار با ائمه جمعه استان اصفهان؛ ۷۹/۸/۳۰
- دیدار با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛ ۷۹/۵/۳
- دیدار با رؤسای نظام پزشکی سراسر کشور؛ ۷۹/۵/۱۹
- دیدار با رئیس و معاونان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛ ۷۸/۱۰/۶
- دیدار با رئیس و معاونان سازمان تبلیغات اسلامی؛ ۷۸/۱۱/۲۳
- دیدار با رئیس و معاونان سازمان عقیدتی سیاسی ارتش؛ ۷۹/۹/۳۰
- دیدار با رئیس و معاونان و جمعی از پژوهشگران سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی؛ ۷۹/۵/۱۸

- دیدار با سفیر قرقیزستان در ایران؛ ۷۸/۸/۱۹
- دیدار با سفیر نروژ در ایران؛ ۷۹/۱/۲۳
- دیدار با شورای نظارت بر صدا و سیما؛ ۷۸/۹/۹
- دیدار با هیأت منصفه مطبوعات؛ ۷۸/۹/۲۴
- دیدار با هیئت‌های اعزامی به استان خوزستان؛ ۷۹/۱۲/۱۱
- دیدار رئیس سازمان بهزیستی با ریاست محترم قوه قضائیه؛
۱۳۸۵/۳/۹

سخنرانی‌ها

- سخنرانی در جمع فرماندهان سپاه، ۸۴/۶/۲۴
- سخنرانی در جمع کارکنان نهاد قوه قضائیه؛ ۸۲/۱/۱۶
- سخنرانی آغاز سال تحصیلی دانشکده علوم قضایی؛ ۷۸/۷/۵
- سخنرانی در جلسه شورای اداری استان فارس؛ ۸۲/۳/۷
- سخنرانی در گردهمایی ائمه جمعه سراسر کشور؛ ۸۴/۸/۲۴
- سخنرانی در جلسه شورای رؤسای کل دادگستری استان‌های
سراسر کشور؛ ۸۲/۴/۶
- سخنرانی در جلسه مسئولان اجرایی قوه قضائیه؛ ۷۹/۲/۲۵
- سخنرانی در جلسه مسئولان اجرایی قوه قضائیه؛ ۷۹/۲/۲۵
- سخنرانی در جمع مردم تبریز؛ ۷۹/۶/۲۳
- سخنرانی در جمع کارکنان حوزه ریاست؛ ۷۸/۵/۲۴

- سخنرانی در جمع مربیان بسیج؛ ۷۹/۱۱/۱۵
- سخنرانی در جمع مردم استان خوزستان در ورزشگاه تختی
اهواز؛ ۷۹/۱۲/۳
- سخنرانی در جمع مردم استان خوزستان در ورزشگاه تختی
اهواز؛ ۷۹/۱۲/۳
- سخنرانی در صبحگاه مشترک نیروهای مسلح استان یزد؛
۸۳/۱۰/۳
- سخنرانی در گردهمایی سفرای وزارت امور خارجه؛
۷۹/۵/۲۲
- سخنرانی در گلستان شهدای اصفهان؛ ۷۹/۸/۲۹
- سخنرانی در همایش فرماندهان ناجا؛ ۷۹/۱۱/۲۶
- سخنرانی ریاست محترم قوه قضائیه در جمع روحانیون
غرب تهران در کرج؛ ۸۵/۶/۲
- سخنرانی سران سه قوه در جلسه مشترک میان قوای سه گانه
در قوه قضائیه؛ ۸۵/۴/۴
- سخنرانی مراسم تحلیف سه دوره کارآموزان قضایی؛
۷۸/۱۱/۲۰
- سخنرانی در جمع مردم استان خوزستان در ورزشگاه تختی
اهواز؛ ۷۹/۱۲/۳
- سخنرانی در دیدار عمومی مردم قزوین؛ ۸۴/۴/۲۲

- سخنرانی در جمع فرماندهان سپاه؛ ۸۴/۶/۲۴
- سخنرانی در نشست سالیانه دبیران کانون‌های دانشجویی؛
۸۴/۹/۱۹
- سخنرانی در جلسه شورای رؤسای کل دادگستری‌های
سراسر کشور؛ ۸۲/۱/۲۱
- سخنرانی در گردهمایی مدیران بازرسی کل کشور؛ ۸۲/۱/۲۸
- سخنرانی در مصلاهی شیراز تاریخ: ۸۲/۳/۶
- سخنرانی در جلسه مسئولان اجرایی قوه قضائیه؛ ۷۹/۲/۲۵
- ۷۹/۶/۲۳ -
- سخنرانی در جمع مردم تبریز؛ ۷۹/۸/۲۹
- سخنرانی در گلستان شهدای اصفهان؛ ۷۸/۱۰/۲۶
- سخنرانی در مراسم آغاز سال تحصیلی دانشکده علوم
قضایی تاریخ ۸۱/۷/۸
- سخنرانی در مراسم آغاز سال تحصیلی دانشگاه امام
حسین علیه السلام تاریخ: ۸۱/۷/۹
- سخنرانی در گردهمایی سراسری ائمه جمعه تاریخ ۸۱/۷/۱۶
- سخنرانی در جمع روحانیون استان هرمزگان تاریخ
۸۱/۰۱/۲۸
- سخنرانی در همایش دادستانی ویژه روحانیون تاریخ:
۸۱/۳/۸

- سخنرانی در همایش دادستانی ویژه روحانیون تاریخ:
۸۱/۳/۸

- سخنرانی در معاونت آموزش و تحقیقات تاریخ: ۸۱/۴/۲
- سخنرانی در جمع مربیان بسیج ۷۹/۱۱/۱۵

گفتگوها

- گفت‌وگو با واحد مرکزی خبر درباره انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی؛ ۷۸/۱۱/۲۵
- گفت‌وگو با واحد مرکزی خبر درباره انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی تاریخ ۷۸/۱۱/۲۵

مراسم‌ها

- مراسم آغاز سال تحصیلی دانشکده علوم قضایی؛ ۸۱/۷/۸

همایش‌ها

- همایش دادستانی ویژه روحانیون؛ ۸۱/۳/۸

سایت‌ها

www.rasanews.ir

<http://arashnews.ir/>

<http://cinemapress.ir/>

<http://hashemishahroudi.org>

<http://mizanonline.ir>

<http://nvayechaldran.ir>
<http://press.jamejamonline.ir/Newspreview>
<http://roozno.com/fa/news/>
<http://snn.ir>
<http://www.farsnews.com>
<http://www.hawzah.net/fa/News>
<http://www.iransepid.ir/>
<http://www.jafari042.ir>
<http://www.rasanews.ir>
<http://www.tabeshekosar.ir>
<http://www.tasnimnews.com>
<http://mizanonline.ir>
<http://www3.irna.ir>

فهرست

۵.....	سخن ناشر
۹.....	انقلاب اسلامی ما احیا گر مجدد مکتب اسلام
۱۴.....	انقلاب ما مبنا و روش ما برای حقوق انسان ها بوده است
	حاکمیت اسلامی مترقی ترین شیوه حاکمیت و مدیریت اجتماعی
۱۸.....	و سیاسی
	انقلاب اسلامی و بر پایی نظام مقدس جمهوری اسلامی نقطه عطفی
۲۶.....	در تاریخ معاصر جهان
۳۰.....	انقلاب اسلامی ایران برترین الگوی حکومتی در جهان اسلام
۳۹.....	دیدگاه اسلام در خصوص نظریه ی سیاسی و نظام سیاسی
۴۲.....	اسلام ایدئولوژی انقلاب اسلامی
۴۷.....	ترور و تروریسم ایدئولوژی ما نیست
۴۸.....	مردم سالاری در اسلام و تفاوت آن با دموکراسی غربی
۵۴.....	مرزهای مردم سالاری دینی و مقایسه آن با دموکراسی غربی
۵۸.....	آزادی واقعی خواسته ی اصلی مسلمانان

علاقه مندی ملت های اسلامی و مردم مستضعف در منطقه و جهان	
به انقلاب اسلامی	۶۳
تأثیر انقلاب اسلامی بر ادبیات سیاسی جهان اسلام	۶۷
انقلاب اسلامی، وضع موجود و چشم انداز مطلوب	۷۰
بیداری اسلامی امروز جهان از برکات انقلاب اسلامی ایران است	۷۳
جهانی شدن بیداری اسلامی	۹۰
برنامه ریزی دشمنان خارجی و استکبار جهانی در مقابل موج بیداری	۹۲
انقلاب اسلامی بر اساس دو رکن مهم به وسیله امام بزرگوار	
پایه ریزی شد	۹۷
لزوم هوشیاری امت اسلامی در برابر دشمنان	۱۱۷
افراطی گری مدل قلابی و عرض اندام استکبار جهانی در مقابل	
الگوی ناب اسلامی	۱۲۵
اهداف افراطی گری و تکفیر	۱۲۹
داعش، ساخته نظام سلطه	۱۳۲
راه های مقابله با گرایش ها و افکار افراطی	۱۳۳
نامه رهبری به جوانان اروپا و آمریکا، روشنگری تحلیلی و	
شفاف سازی همه جانبه	۱۳۸
اتحاد و انسجام ملی در امت اسلامی لازمه ی منزوی کردن	
گروه های تکفیری	۱۳۹

۱۴۱.....	ضرورت اهتمام پاسخگویی به شبهات و مشکلات
	ضرورت ورود همه جانبه روحانیون و علما به میدان رویارویی
۱۴۵.....	جریان های افراطی با مستکبران و تکفیری ها و حامیان آن ها
	کوتاهی برخی علما و روحانیون راه اصلی نفوذ استکبار به
۱۵۷.....	کشورهای اسلامی
۱۶۳.....	منابع
۱۷۱.....	فهرست

